

ابراهیم صفائی



اشتباه بزرگ؟ ملی شدن نفت

اگر شرکت سابق نفت در دوره پانزدهم پنجاه درصدی را که الان حاضر است به ایران بدهد قبول کرده بود، من یقین دارم که هیچ اختلافی میان ملت ایران و شرکت نفت نبود.

دکتر مصدق
(جلسه ۲۰ آذر ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی)
ما از ملت آمریکا و مساعدت‌های معنوی آن که در پیشرفت ایرانیان بسوی هدف مقدس خویش در این مبارزه ملی بسیار ذی‌قیمت و گرانبه‌ابوده است، بسیار متشکریم.

دکتر مصدق
(۲۷ اسفند ۱۳۳۰ - ده گزارش از دکتر مصدق)

www.adabestanekave.com



۲۷۵۰ ریال

اشتباه بزرگ
ملی شدن نفت

www.adabestanekave.com

اشتباه بزرگ ملی شدن نفت

ابراهیم صفائی



www.adabestanekave.com

سرآغازی کوتاه

«ملی شدن نفت» در ایران یک رویداد بزرگ سیاسی - اقتصادی بود که پی‌آمدهای مهم به دنبال داشت. این رویداد دارای ریشه‌های کشیده قوی در رقابت اقتصادی نفتی آمریکا و انگلیس و در سیاست داخلی و خارجی ایران بود و پی‌آمدهای آن از دیدگاه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و منطقه‌ای آثاری پدید آورد که برای ایران عواقب بسیار به دنبال داشت. از این رو بایسته است برای آگاهی نسل جوان و نسلهای آینده این سرزمین «ملی شدن نفت» از زاویه‌ها و دیدگاههای مختلف به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

درباره «ملی شدن نفت» تاکنون از سوی صاحب‌نظران و پژوهشگران خارجی و ایرانی چندین کتاب عرضه شده است. کتاب حاضر نیز پژوهشی است در این زمینه که برپایه اسناد و مدارک و مآخذ بسیار فراهم گردیده و به خواننده ارجمند کتاب تقدیم می‌گردد. داوری نهایی پس از مطالعه کتاب با خواننده نکته‌سنج کتاب خواهد بود.

تهران - آبان ماه ۱۳۶۸ - ابراهیم صفائی

ابراهیم صفائی
اشتباه بزرگ، ملی شدن نفت
عکسها از آرشیو مرحوم علی خادم

ناشر: کتاب سرا
چاپ اول: ۱۳۷۱
حروفچینی: کتاب سرا
چاپ: چاپخانه سکه
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد



دفتر مرکزی و نمایشگاه شرکت کتاب سرا

خیابان خالداسلامبولی (وزرا)، کوچه ششم، کوی دلاافروز، شماره ۸، ساختمان کتاب سرا

تهران، کدپستی: ۱۵۱۱۷، تلفن: ۶۲۶۱۰۴-۶۲۷۶۳۶-۶۲۷۸۱۹

تلکس: BANK IR ۲۱-۳۳۴۵

نمابر: ۲۴۷۹ ۴۶۶، تلگراف: کتاب سرا، صندوق پستی: ۱۵۷۴۵/۷۳۳

فروشگاه شرکت کتاب سرا

الهیة، خیابان مریم، خیابان بوستان، شماره ۶۰، تهران ۱۹۶۴۹، تلفن: ۲۶۹۰۰۱

«ژاک دمرگان» باستان‌شناس و رئیس انجمن علمی فرانسه که به‌موجب دو امتیاز در سال ۱۸۹۵ و ۱۸۹۸ میلادی ۱۲۷۴ و ۱۲۷۷ خورشیدی در سال پایانی پادشاهی «ناصرالدین شاه» و سال سوم پادشاهی «مظفرالدین شاه» امتیاز حفاری و کشف آثار عتیقه در ایران و بخصوص در منطقه «شوش» را بدست آورده بود^۱ و از سال ۱۸۹۷ به ریاست هیأت علمی فرانسه به ایران آمد، در سال ۱۹۰۰ یک مقاله علمی و تحقیقی درباره وجود «نفت» در جنوب غربی ایران و نزدیکی «مسجد سلیمان» در «مجله معادن» پاریس منتشر ساخت.^۲ این مقاله «کتابچی خان» ارمنی تبعه عثمانی (ترکیه) را که سالها در پست و

۱ - این امتیاز که شامل بخش وسیعی از ایران می‌بود و به انجمن علمی فرانسه داده شده بود، در ناحیه شوش به اجراء درآمد. چون به‌موجب امتیاز، عتیقه‌های کشف‌شده از شوش (بجز طلا و نقره) تماماً به انجمن علمی فرانسه تعلق می‌گرفت، «دمرگان» هیأتی از کارشناسان مرد و زن همراه داشت. یکی از این کارشناسان، «مادام لامپیر» بود که مسوولیت کارهای اداری هیأت را برعهده داشت. شماری آهنگر و نجار و بنا و یکصد قاطر حامل وسایل کار و وسایل شخصی همراه هیأت بود. این هیأت با ناامنیهای لرستان و خوزستان و حمله لرها و عربها نیز روبرو بودند و از سوی حکومت خوزستان به دستور دولت، در حدود بیست محافظ مسلح در اختیار هیأت گذارده شد.

هیأت علمی در پشتکوه و شمال ایران هم کاوشهایی کرد که مطابق قرارداد نصف کشفیات این مناطق به ایران تعلق می‌گرفت، ولی در این مناطق، کشفیات پی‌گیری نشد.



ویلیام دارسی

گمرک ایران پیشینه خدمت داشت و با بیشتر رجال ایران آشنا و در دلالی معاملات بزرگ اقتصادی تجربه داشت و در پاریس به سر می برد بر آن داشت که به جنوب ایران مسافرت و از خوزستان به ویژه منطقه «رامنهرمز» و «ماماتین» و «مسجد سلیمان» بازدید کند. او در این بازدید دو چشمه جوشان نفت را در بخش «نفتون» و «خرسان» ملاحظه نمود و چون از اهمیت نفت در پیشرفت کارهای صنعتی و اقتصادی آگاه بود، برای استفاده خود موضوع را جدی پی گیری کرد و در بازگشت به پاریس با «درومند ولف» وزیرمختار پیشین انگلیس در تهران (که در آن اوقات موقتاً در پاریس می زیست) دیدار کرد و مقاله «دمرگان» و حاصل تحقیقات و مشاهدات خود را به اطلاع او رسانید. «ولف» پس از بازگشت به لندن با «ویلیام دارسی» تبعه انگلیس که اهل اسکاتلند بود و سرمایه ای برای پیشبرد کار صنعت نفت اختصاص داده بود، موضوع را در میان نهاد. «دارسی» با تشویق «ولف» با سرمایه گذاری در این کار موافقت نمود. «ولف»، «کتابچی خان» را به لندن خواست و او در لندن با دارسی و ولف دیدارها داشت. «دارسی» پس از حصول اطمینان از

چون منطقه «شوش» از همه جا غنی تر بود و عتیقه های کشف شده در آن منطقه هم (بجز طلا و نقره) تماماً رایگان به انجمن علمی فرانسه تعلق می گرفت، در این منطقه کار حفاری بطور جدی پی گیری شد. در کار حفاری بیش از یکصد کارگر محلی نیز به کار گرفته می شد و در تابستانها به مناسبت شدت گرما، کار حفاری تعطیل می شد. در سالهای حفاری شوش، صدها صندوق عتیقه های گرانبها بدون پرداخت عوارض گمرک به فرانسه حمل شد و زینت بخش «موزه لوور» گردید. در انجام حفاریات و اکتشافات، یک نماینده از سوی دولت ایران حضور داشت تا اگر عتیقه ای از جنس طلا و نقره خالص به دست آید، هم وزن آن به نرخ عادلانه طلا و نقره در بازار روز، به ایران پول بدهند. در سالهای نخستین، کسی به نام «حیدر میرزا» از سوی دولت ایران این نمایندگی را داشت. از میان عتیقه های کشف شده از شوش، مجسمه بزرگ و عالی برنزی «ناپیراسو» ملکه آشور متعلق به چهل قرن پیش بود که سه تن وزن داشت و آن را نیم میلیون تومان قیمت کرده بودند و در ۱۹۰۴ از ایران به پاریس فرستاده شد.

«دمرگان» در روی تپه گچی شوش که سی و پنج متر بلندی داشت، دژ «شوش» را

نتیجه کار، «ماریوت» نماینده ویژه خود را همراه کتابچی خان و دو کارشناس روانه ایران نمود و با توصیفی که «ولف» از پول دوستی رجال ایران نموده بود، امکانات پولی کافی نیز در اختیار «ماریوت» گذاشت. «ولف» نیز سفارش نامه‌ای برای «هاردینگ» وزیرمختار انگلیس در تهران نوشت و «ماریوت» را به او معرفی کرد.

با ورود هیأت «ماریوت» به تهران و دیدار با «هاردینگ» و ملاقات با «اتابک»، «هاردینگ» اهمیت موضوع را از نظر اقتصادی به اتابک فهماند. «اتابک» موافقت کرد و «هاردینگ» نامه‌ای در این زمینه نوشته، به اتابک داد و پس از گفتگوهای بسیار میان هیأت «ماریوت» و «هاردینگ» با اتابک و مظفرالدین شاه در خرداد ۱۲۸۰ (می ۱۹۰۱ م = صفر ۱۳۱۹ ق) امتیازی برای استخراج نفت و گاز در ۱۸ ماده به فارسی و فرانسه تنظیم گردید که شامل منطقه‌ای وسیع از ایران بجز آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان و گرگان (استرآباد) می‌شد. در فصول امتیاز، داری متعهد گردید که در مدت دو سال پس از عقد قرارداد، شرکتی برای استخراج نفت و بهره‌برداری تشکیل دهد و مبلغ

بصورت يك دژ جنگی و همانند کشتی با بیست و چهار اتاق و زاهروهای پیچ در پیچ با صرف شصت و هشت هزار فرانک برای اقامت خود و هیأت فرانسوی بنا کرد و روی بام دژ، چندین توپ نصب نمود. او برای پیشرفت کار خود ناچار به رؤسای عرب خوزستان و به خانهای شوشتر و دزفول و لرهای «سگوند» باج می‌داد. «رضاقلیخان نظام‌السلطنه» هم که در سالهای پایانی پادشاهی مظفرالدین شاه با لقب «سالار معظم» چند سال حکمران خوزستان و در شوشتر مقیم بود، با داشتن يك فرمان خرید خالصه و ادعای مالکیت زمینهای مورد حفاری پولی از «دمرگان» گرفت. از میان حکمرانان خوزستان، «عین‌الدوله» که در تمام سال ۱۳۱۷ ق. فرماندار آن سامان بود، بدون چشم‌داشتی، تعداد کافی مستحفظ مسلح برای امنیت و حفاظت هیأت علمی فرانسه و اقامتگاه آنها گسیل می‌داشت و «دمرگان» را «مسیو دومرگان» می‌گفت.

پس از «دمرگان» و پس از پایان سلطنت قاجاریه، هیأت علمی فرانسه، همچنان در شوش به کار خود مشغول بود. از ۱۳۰۴ میان دولت ایران و سفارت فرانسه گفتگو درباره تجدیدنظر در امتیاز آغاز شد و سرانجام در ۱۲ آبان ۱۳۰۹ با تصویب «قانون حفظ آثار

بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره از سهام شرکت به دولت ایران واگذار نماید و صدی شانزده از سود خالص شرکت متعلق به ایران باشد و دولت ایران هم تمام واردات و صادرات متعلق به شرکت را از هرگونه مالیات و عوارض گمرکی معاف دارد و امنیت کارکنان و حفظ اموال شرکت را برعهده گیرد. مدت قرارداد، شصت سال بود و تصریح شده بود که در پایان مدت تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت متعلق به دولت ایران خواهد بود. بدین ترتیب، «داری» بزرگترین امتیاز نفتی را در گستره یک میلیون و دویست هزار کیلومتر از سرزمین ایران بدست آورد.

این امتیاز به امضای مظفرالدین شاه و میرزا علی اصغر خان اتابک (صدر اعظم) و میرزا نصرالله مشیرالدوله نائینی (وزیر امور خارجه) و مهندس الممالک غفاری (وزیر معادن) و «ماریوت» نماینده تام‌الاختیار داری رسید و «ماریوت» برای امضای این قرارداد ده هزار لیره به اتابک و پنج هزار لیره به مشیرالدوله و پنج هزار لیره به مهندس الممالک داد. ۳ دو سال بعد که داری، نخستین شرکت نفت را به نام «شرکت بهره‌برداری اولیه» برپا ساخت، بیست هزار لیره نقد برای مظفرالدین شاه و معادل بیست هزار لیره سهام در اختیار دولت ایران گذاشت و نیز معادل ده هزار لیره سهام به اتابک و پنج هزار لیره سهام به مشیرالدوله نائینی و پنج هزار لیره سهام به مهندس الممالک داد. ۴

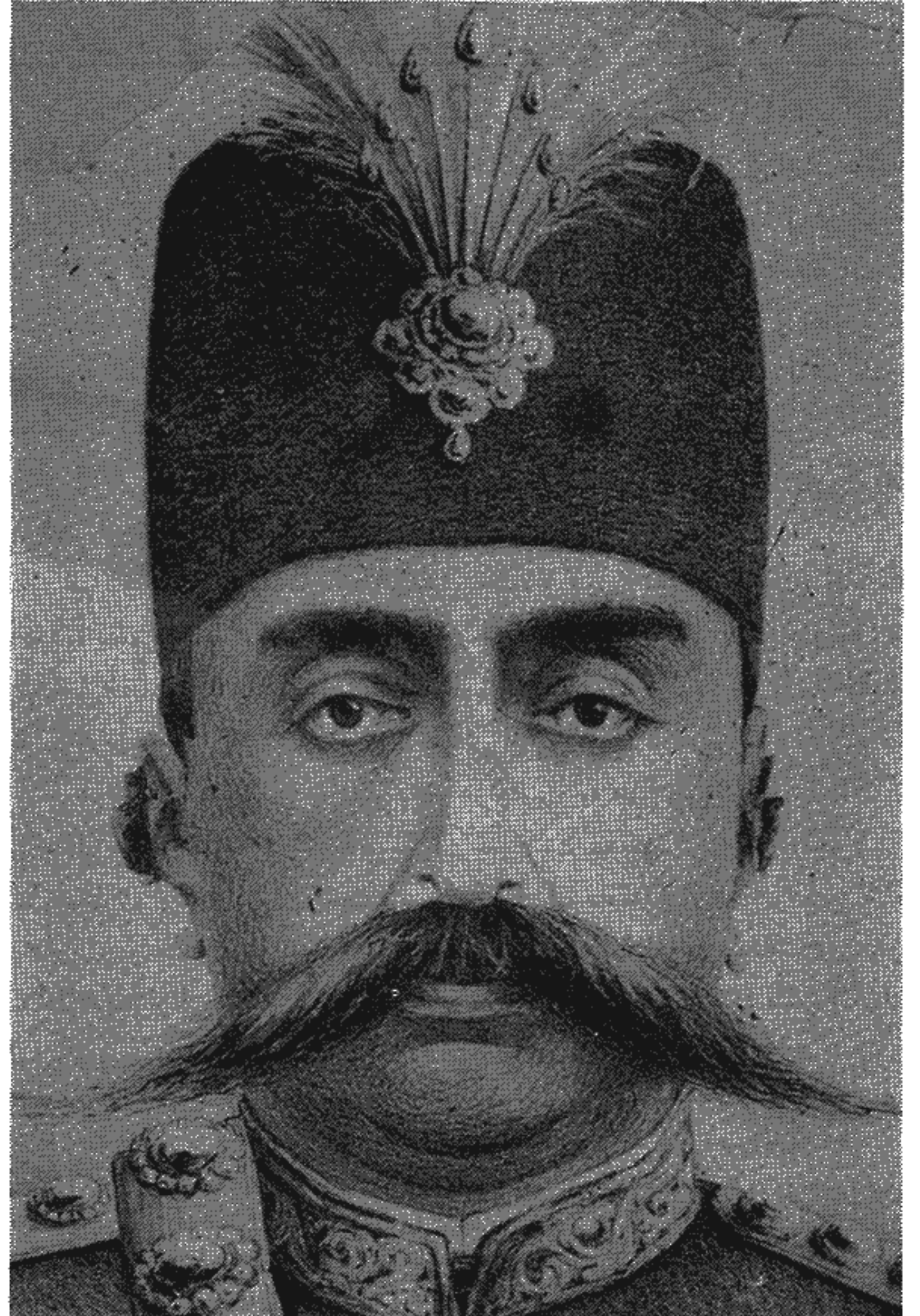
عتیقه دولت ایران در نصف از آثار عتیقه کشف شده سهم شد و از سوی وزارت فرهنگ (وزارت معارف) برای تقسیم اشیاء کشف شده از شوش «وحیدالملک شیبانی» و «پروفیسور هرتسفلد» در ۱۴ اسفندماه ۱۳۰۹ روانه خوزستان شدند. در این وقت، رئیس هیأت علمی فرانسه در شوش «مسیو دمکنم» بود.

۲. زندگانی سیاسی اتابک اعظم، تألیف مهرباب امیری، صفحه ۳۶۷ و طلای سیاه یا بلای ایران، تألیف ابوالفضل لسانی، صفحه ۴۴.

۳. پنجاه سال نفت ایران، نوشته مصطفی فاتح، صفحه ۲۵۴. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، نوشته محمود، صفحه ۱۶۸۵.



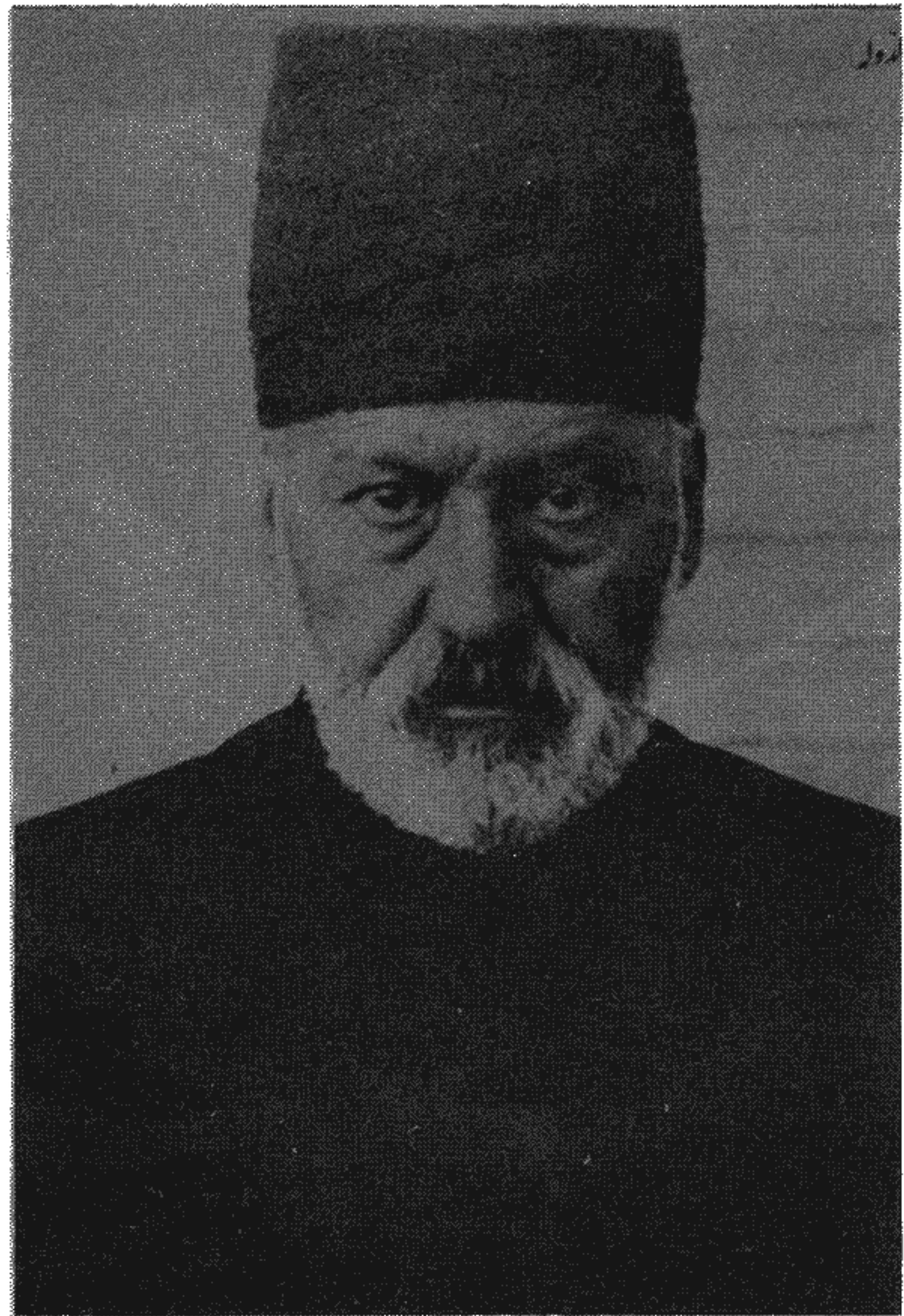
میرزا علی اصغر خان اتابک



مظفرالدین شاه

آمدن کارشناسان و ورود وسایل فنی برای حفاری و کارهای دیگر آغاز شد و کار حفاری در ماماتین و چند نقطه به آزمایش درآمد. چندبار شرکت تغییر وضع داد و سرانجام در ۲۶ ماه می ۱۹۰۸ (۵ خرداد ۱۲۸۷ خ) در میدان «نفتون» مسجدسلیمان با نتیجه‌ای درخشان روبه‌رو شد که آینده‌ای درخشانتر را نیز نوید می‌داد. از این پس «شرکت نفت انگلیس و ایران» با سرمایه دو میلیون لیره در لندن تشکیل و جانشین «شرکت بهره‌برداری اولیه» گردید.

چون در آن هنگام دولت ضعیف و متزلزل مرکزی ایران در استانهای دور بخصوص خوزستان قدرت و نفودی نداشت و در مناطق رامهرمز و مسجدسلیمان و آن حدود بختیاریه‌ها به مزاحمت کارکنان شرکت می‌پرداختند و از راهزنی و غارت اموال و حتی کشتن کارکنان شرکت دریغ نداشتند، شرکت ناچار برای پیش‌بردن کار و برنامه خود با ایلخانی و ایل بیگی بختیاری وارد گفتگو شد و شرکتی به نام شرکت نفت بختیاری با سرمایه چهارصد هزار لیره در لندن تشکیل داد و دوازده هزار لیره رایگان به حساب این شرکت که در اختیار چند خان بانفوذ بختیاری بود، واریز نمود و از این راه هر سال سودی به خانهای بختیاری می‌رسید. گستره عملیات این شرکت محدود به یک میل مربع از زمینهای پیرامون میدان نفتون مسجدسلیمان بود و نیز شرکت قراردادی برای خرید زمینهای مسجدسلیمان و پیرامون آن (که در اصل متعلق به دولت بود) با خانهای بختیاری تنظیم نمود و این هم راه مداخل دیگر برای خانهای بختیاری و وابستگی بیشتر آنها با شرکت نفت و



میرزا نصرالله مشیرالدوله نائینی

۴. به نوشته پنجاه سال نفت ایران، ورثه اتابک و مهندس الممالک سهام خود را با قیمتی ارزان به چند تبعه انگلیس مقیم تهران فروختند، ولی دو پسر وجیه‌المله! مشیرالدوله (حسین پیرنیا و حسین پیرنیا) تا پایان زندگی از لیره‌های شرکت نفت بابت سود سهام که از طریق رشوه نصیب پدرشان شده بود، بهره‌مند می‌شدند.

سیاست انگلیس گردید و نیز برای حفظ امنیت منطقه عملیاتی، شرکت به موجب یک قرارداد یک فرماندار بختیاری با یکصد نفر تفنگچی بختیاری برای مسجد سلیمان استخدام کرد و حقوقشان را شرکت نفت می پرداخت.

شرکت برای خرید زمین در آبادان و امنیت مؤسسات خود در آنجا، بناچار با شیخ خزعل فرمانروای مستقل خرمشهر و آبادان (محمدره و عبادان)، وارد معامله شد. در ۲۷ / جمادی الثانی / ۱۳۲۷ ق (۱۶ ژانویه ۱۹۰۹) شرکت ششصد و پنجاه جریب (هر جریبی ۴۶۶۹ یارد) از زمینهای نخلستان واقع در جزیره آبادان (عبادان) میان «بریم» و «بوآرده» (ابوآرده) که به طول دوهزار یارد در کنار شط العرب گسترده بود و همچنین زمینی با پهنای ۳۵ یارد برای ساختن راه که زمین میان «بریم» و «بوآرده» را با «رودخانه بهمنشیر» مربوط سازد، از «شیخ خزعل» در برابر سالی ششصد و پنجاه پوند استرلینگ با شرط اینکه اجاره بها را هر ده سال پیشاپیش پرداخت نماید، برای مدتی همزمان با مدت قرارداد داری (شصت سال از ۲۸ مه ۱۹۰۱) اجاره کرد و شیخ متعهد شد باریکه زمینی برای عبور لوله های نفت و نیز چند قطعه زمین کوچک برای ایجاد تلمبه خانه و خانه نگهبانی خطوط تلفن و تلگراف رایگان در اختیار شرکت بگذارد و نگهبانانی برای پاس خط لوله نفت و تلگراف و تلفن بگمارد و مسؤولیت حفاظت آن تأسیسات را برعهده گیرد و در برابر، شرکت حقوق آنها را به وسیله دفتر «شیخ خزعل» پرداخت کند و نیز «شیخ خزعل» در اهواز و بندر ناصری چند قطعه زمین به وسعت ده جریب در برابر یک هزار پوند اجاره سالیانه با همان شرایط برای ساختمان انبار و مغازه به شرکت به صورت اجاره واگذار نمود و قرار شد اجاره بها زمینهای یادشده در خرمشهر به وسیله کنسولگری انگلیس پرداخت شود و در اجاره نامه شرط شد که هرگاه هنگام حفاری و کارهای ساختمانی در آن زمینها اشیاء عتیقه و قیمتی



شیخ خزعل

به دست آید، از هر گونه که باشد متعلق به «خزعل» خواهد بود.^۵ پس از گسترش کار شرکت نفت در جنوب و احداث خانه‌های سازمانی و مسکونی و تأسیسات فنی و اداری و پالایشگاه (که شرکت زمین آن را از خزعل خریداری کرد) خود شرکت یک تشکیلات پلیس اختصاصی در آبادان به وجود آورد. همچنانکه در مسجد سلیمان برای حفظ تأسیسات خود مطابق قرارداد با بختیارها یکصد نفر تفنگدار محلی زیر نظر یک حاکم بختیاری استخدام کرد.^۶

در جنگ اول جهانی نفت خوزستان برای انگلستان و بحریه آن دولت که سهامدار عمده نفت شده بود، اهمیت حیاتی داشت. از این رو چندی پس از آغاز جنگ، نیروی انگلیس برای امنیت خوزستان و پالایشگاه آبادان بصره را اشغال کرد و شرکت نفت نیز «شیخ خزعل» و خانه‌های بختیاری را هم که وابسته سیاست انگلیس بودند، با دادن اسلحه و پول به پاسداری از تأسیسات نفت جنوب موظف نمود و در اهواز هم پادگانی از سربازان هندی برای کمک به همین منظور برپا شد.^۷

پس از جنگ جهانی اول، کار شرکت و استخراج نفت همچنان رو به گسترش بود. منابع نفت هفتگل کشف شد و خط لوله از هفتگل به کوت عبدالله کشیده شد. تأسیسات نفتی توسعه یافت. تأسیس کارخانه‌های برق، لوله‌کشی نفت میان مسجد سلیمان و آبادان، راهسازی، خانه‌سازی برای کارکنان نفت ادامه داشت، وسایل موتوری متداول شد، ظرفیت پالایشگاه آبادان چندین برابر شد و در سال ۱۹۲۰ به یک میلیون و

۵. آرشیو وزارت دارایی سابق.

۶. پس از سفر «رضاشاه» به خوزستان در آبان ۱۳۰۷، پلیس شرکت در آبادان و حاکم و تفنگداران بختیاری در مسجد سلیمان برچیده شدند، در آبادان شهربانی و در مسجد سلیمان بخشداری تأسیس شد.

۷. پنجاه سال نفت ایران، تألیف مصطفی فاتح، صفحه ۲۷۲.

سیصد و هشتاد و پنج هزارتن رسید.^۸

پس از جنگ اول، میان شرکت نفت و دولت ایران برای وصول حق السهم ایران اختلاف پدید آمد. شرکت از پرداخت حق واقعی ایران خودداری می‌نمود و پولی را که به بختیارها و خزعل برای حفاظت مناطق نفتی داده بود، به حساب ایران می‌گذاشت، چون ایران را مطابق قرارداد مسوول حفظ امنیت و اموال شرکت می‌دانست. ولی ایران از عهده انجام این تعهد برنیامده بود. در زمان نخست‌وزیری وثوق‌الدوله، نصرت‌الدوله وزیر امور خارجه در هجدهم مرداد ۱۲۹۸ همراه احمدشاه رهسپار پاریس شد و برای گفتگو درباره چگونگی اجرای قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ (۱۴ مرداد ۱۲۹۸) که با «کاکس» وزیرمختار انگلیس امضاء کرده بود، به لندن رفت و درباره بدهی شرکت نفت نیز گفتگو کرد و بدهی شرکت به پانصد هزار لیره برآورد شد، ولی نصرت‌الدوله نپذیرفت. او یک کارشناس برجسته اقتصادی را که عضو خزانه‌داری انگلیس بود به نام «آرمیتاژ اسمیت» به عنوان مستشار اقتصادی برای اجرای قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ و نیز پی‌گیری کار نفت استخدام کرد. «اسمیت» به ایران آمد و در وزارت دارایی مشغول کار شد. گفتگوی با شرکت نفت نیز ادامه یافت، ولی پیش از حصول نتیجه دولت وثوق‌الدوله کنار رفت (تیرماه ۱۲۹۹) و حسن پیرنیا نخست‌وزیر جدید «اسمیت» را برای پی‌گیری وصول مطالبات از شرکت نفت به لندن فرستاد. او که از سوی مشیرالدوله (حسن پیرنیا) اختیاراتی داشت، در توافقی که میان

۸. پنجاه سال نفت ایران، تألیف مصطفی فاتح، صفحه ۲۷۳.

۹. برای اجرای قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ و تجدید سازمان ارتش، یک هیأت نظامی انگلیسی به ریاست «ژنرال دیکسن» و یک هیأت اقتصادی به ریاست «آرمیتاژ اسمیت» به خدمت دولت ایران درآمده و در دی‌ماه ۱۲۹۸ وارد تهران شدند.

مدیران شرکت نفت و نصرت‌الدوله صورت گرفته بود، تغییراتی به سود ایران داد و شرکت را وادار کرد که به‌عنوان تصفیۀ تمام ادعاهای ایران یک میلیون لیره به ایران بپردازد.

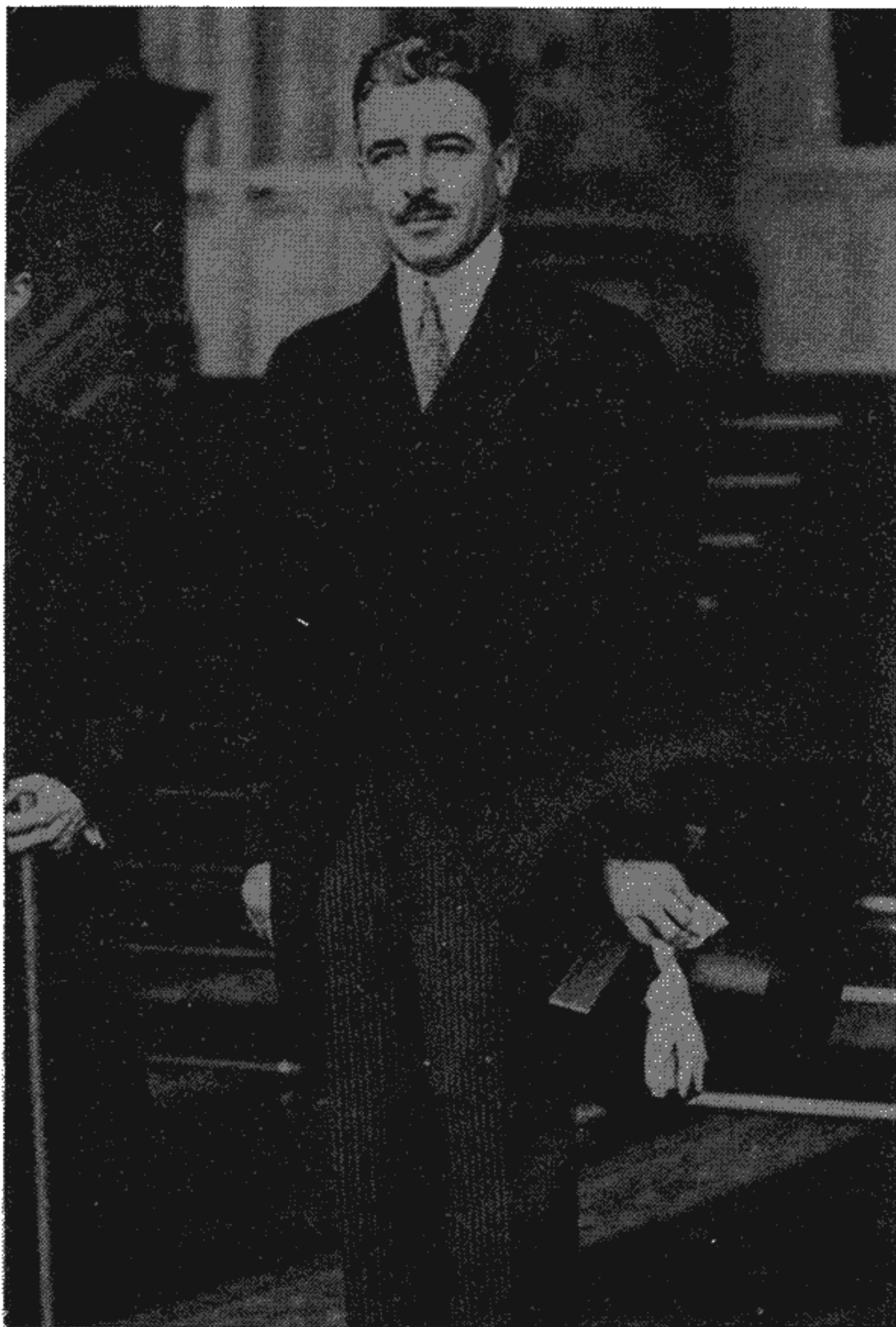
پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در ایران و پایان نفوذ شیخ خزعل و خانهای بختیاری در خوزستان، در آبان ۱۳۰۷، «شاه» همراه وزیران و نمایندگان مجلس برای گشودن راه آهن اهواز - بندر ماهشهر به خوزستان رفت. از سوی شرکت از او دعوت شد از تأسیسات نفت بازدید نماید. شاه که در اهواز بود، خود این دعوت را نپذیرفت، ولی نمایندگان مجلس و مدیران روزنامه‌ها دعوت را پذیرفته، از تأسیسات نفت در آبادان و مسجد سلیمان بازدید نمودند و به گرمی پذیرایی شدند. پس از بازگشت آنان به اهواز، شاه گفت: من می‌خواستم آقایان ببینند که شرکت نفت چه مؤسسات بزرگی برای استخراج و تصفیۀ نفت ما برپا کرده و چه سود سرشاری می‌برد و در برابر به ما که صاحب این منابع عظیم هستیم، پول ناقابلی می‌دهد.^{۱۰}

از این پس، میان مقامهای بلندپایه ایرانی و مدیران شرکت گفتگوهای جدی به منظور افزایش مبلغ حق امتیاز ایران در تهران و لندن آغاز شد. گفتگوها زیر نظر «تیمورتاش» وزیر دربار با همکاری «داور» وزیر دادگستری و «فیروز» وزیر دارایی دنبال می‌شد. «کدمن» رئیس شرکت نفت در خرداد ۱۳۰۸ به تهران آمد، از مناطق نفتی بازدید و با «تیمورتاش» وزیر دربار و «فیروز» وزیر دارایی دیدار کرد، به حضور «شاه» هم باریافت. «تیمورتاش» طرحی به او داد و لغو امتیاز داری و

۱۰. خاطرات هاشم ملک مدنی. توضیح: یک سال بعد، در دی‌ماه ۱۳۰۸، شاه از تأسیسات نفتی آبادان دیدن کرد.

برقراری امتیازی نو را با رعایت مصالح و منافع ایران خواستار شد، ولی «کدمن» خود برای قرارداد جدید شرایط دیگر داشت. از این رو نتیجه قطععی به دست نیامد. پس از قریب سه سال، در فروردین ۱۳۱۱ «تیمورتاش» برای پی‌گیری گفتگوها به انگلستان رفت و پس از گفتگو در زمینه تجدید قرارداد و تهیه متنی در این باره به تهران بازگشت. در ۱۵ خرداد ۱۳۱۱ شرکت نفت انگلیس و ایران به وزارت دربار و وزارت دارایی اطلاع داد که حق امتیاز سال ۱۹۳۱ دولت ایران از درآمد خالص نفت ۳۰۶،۸۱۲ لیره می‌باشد و برای پرداخت آن «جاکس» رئیس شرکت نفت به وسیله تلفن از تقی‌زاده وزیر دارایی کسب تکلیف نمود. تقی‌زاده دستور داد آن پول را موقتاً در یکی از بانکهای لندن بگذارند. پول در «ناشنال بانک» لندن به نام دولت ایران سپرده شد. این رقم از حق امتیاز ۱۹۳۰ هم کمتر بود، در حالی که در ۱۹۳۱ نفت به مقدار بیشتر استخراج و صادر شده بود. «تیمورتاش» در هفدهم خرداد نامه‌ای به شرکت نفت نوشت و یادآور شد که این مبلغ به قدری ناچیز است که دولت ایران ترجیح می‌دهد از قبول آن خودداری کند و یادآور شد به «میرزاعیسی‌خان فیض» کمیسر نفت ایران در لندن دستور داده شده به اسناد و دفاتر شرکت نفت در لندن مراجعه کند و علت این تقلیل حق امتیاز را معلوم دارد و از شرکت نفت خواست تلگرافی از اداره مرکزی شرکت در لندن بخواهد موجبات تسهیل تحقیقات درباره تقلیل حق امتیاز ایران را برای «فیض» فراهم کنند. وزیر دربار رونوشت نامه «جاکس» و نامه خودش را برای وزیر دارایی فرستاد و خواست به «فیض» فوری دستور انجام این مأموریت را بدهد.

«جاکس» به دیدن «تیمورتاش» رفت و پس از گفتگو، «تیمورتاش» موافقت نمود پول حق امتیاز ۱۹۳۱ به صورت سپرده ثابت



عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی)

در یکی از پنج بانک معتبر لندن، به نام دولت ایران گذارده شود تا تکلیف اختلاف روشن گردد. «جاکس» تمام مراتب را تلگرافی به اداره مرکزی شرکت در لندن اطلاع داد و «فیض» هم آنجا دنبال کار را گرفت و حق امتیاز ایران هم در بانک «ناشنال» سپرده شد.

روز پانزدهم مرداد، ناچیزبودن حق امتیاز ایران از درآمد نفت در مجلس شورا مورد اعتراض و گفتگو واقع شد. وزیرمختار انگلیس در نامه‌ای که به وزارت امور خارجه نوشت، به گفتگوی مجلس درباره تعرض به شرکت نفت اعتراض کرد.^{۱۱}

در پی این گفتگوها، «کدمن» رئیس شرکت نفت در آبان ماه از لندن به تهران آمد. با وزیر دربار و وزیر دارایی و چند مقام ایرانی گفتگو کرد، ولی با روش سختگیری او گفتگوها به جایی نرسید. «کدمن» به لندن بازگشت خزانه‌داری ایران طی یک نامه به بانک «ناشنال» نوشت ۳۰۶،۸۱۲ لیره حق امتیاز ایران به حساب شرکت مرکزی نفت در لندن بازگردانده شود.^{۱۲}

سرانجام «رضاشاه» که از بی نتیجه ماندن گفتگوهای چندساله با شرکت نفت خشمناک بود، در شب ششم آذر ۱۳۱۱ در جلسه هیأت دولت پرونده مذاکرات نفت را در میان شعله‌های آتش بخاری انداخت و دستور لغو امتیاز داری را به وزیران داد.

«مهدیقلی هدایت» (مخبر السلطنه) نخست وزیر که خود در آن شب در جلسه هیأت دولت حضور داشته، شرح این رویداد را بدین گونه نوشته

۱۱. اسناد دوران پهلوی، چاپ مرکز اسناد و آمار کمیته شماره ۱۰، آموزش و اطلاعات مردم، نشریه شماره ۲.
 ۱۲. اسناد دوران پهلوی، چاپ مرکز اسناد و آمار کمیته شماره ۱۰، آموزش و اطلاعات مردم، نشریه شماره ۲.

(و البته درباره رقم حق امتیاز اشتباه کرده است).

«در ۱۳۱۱ کمپانی نفت خبر داد که سهم دولت ایران از نفت در ۱۳۱۰ دویست هزار لیتره شده است، در صورتی که هفتصد، هشتصد هزار تا یک میلیون بود. تیمورتاش به لندن رفت که با رئیس نفت صحبت کند. نتیجه بدست نیامد. در مراجعت چندروز در مسکو معطل شد. معروف شد کیف او مفقود شده است. پس از مراجعت تیمورتاش، «کدمن» رئیس کل نفت به تهران آمد. در هر موقع که به تهران می آمد، تیمورتاش برای او یک مهمانی ترتیب می داد. این نوبت هم چون نوبتهای دیگر من هم بودم، ولی بعد از شام نمی ماندم. دو روز بعد شاه از من پرسید رئیس نفت چه صحبتی کرد؟ عرض کردم قبل از شام فرصت صحبت نیست، بعد از شام هم نبودم. «شاه» دوسیه نفت را خواسته است. شب ششم آذر است، «تیمورتاش» دوسیه را به هیات آورد. شاه تشریف آوردند و متغیرانه فرمودند: دوسیه نفت چه شد؟ گفته شد حاضر است، زمستان است بخاری می سوزد، دوسیه را برداشتند انداختند توی بخاری و فرمودند: نمی روید تا امتیاز نفت را لغو کنید، و تشریف بردند. نشستیم و امتیاز را لغو کردیم. وزیر خارجه به «جاکس» مدیر مقیم اخطار کرد. از سفارت اعتراض آمد، تیمورتاش جوابی لایق نوشت که وزیرمختار آلمان تمجید کرد.»^{۱۳}

در همان جلسه شب ششم آذر هیأت دولت اعلامیه لغو قرارداد داری را صادر کرد و عصر روز هفتم در روزنامه های تهران به چاپ رسید. «تقی زاده» وزیر دارایی هم لغو قرارداد را طی نامه ۳۶۴۸۶ فردای آن شب به «جاکس» مدیر مقیم اطلاع داد و این خبر هیجانی در تهران

۱۳. خاطرات و خطرات، نوشته مهدیقلی هدایت، چاپ ۱۳۶۳، صفحه ۳۹.

برانگیخت. متن نامه تقی زاده:

وزارت مالیه - تاریخ ۶ آذرماه ۱۳۱۱ نمره ۳۶۲۸۴
شرکت نفت انگلیس و ایران - آقای جکس مدیرمقیم
دولت ایران مکرر به اطلاع کمپانی نفت انگلیس و ایران رسانیده است که امتیاز داری مورخه ۱۹۰۱ مسیحی مصالح و منافع مملکت ایران را تامین نمی نماید و لازم می دانست هرچه زودتر پایه روابط دولت شاهنشاهی و کمپانی براساس تازه ای که مستلزم تامین منافع واقعی مملکت ایران باشد، گذارده شود. معایب و نواقص امتیازنامه داری و عدم توافق آن با منافع ایران بطوری که مکرر خاطرنشان شده، جای هیچ تردید نیست و البته دولت ایران حقا و منطقا نمی تواند خود را ملزم به مقررات امتیازنامه ای که قبل از استقرار رژیم مشروطیت داده شده، با طرزی که این گونه امتیازات در آن زمانها تحمیل و اعطا می شد، بداند. مع ذلك به امید اینکه کمپانی اقتضای زمان و موقعیت امروز مملکت ایران را در نظر گرفته و منافع آن را مطابق این مقتضیات تامین نماید، دولت ایران از اعمال حق خود در الغای امتیاز داری تا به حال خودداری نمود. متاسفانه در مقابل صبوری دولت شاهنشاهی از طرف کمپانی نفت نه تنها اقدام عملی در تامین منافع مملکت ایران به عمل نیامد، بلکه هرچه بر توسعه و بسط کمپانی نفت انگلیس و ایران افزوده شد، منافع ایران بیشتر دچار تضییع گردید. بنابراین دولت ایران از نیل به نتیجه ای که در نظر داشت، یعنی از رسیدن به مقصود از طریق مذاکره با کمپانی مایوس شده و ناچار راه تامین حقوق خود را منحصر به الغا امتیاز داری دیده و این وزارتخانه برحسب تصمیم دولت شاهنشاهی اعلام می نماید که از این تاریخ، امتیازنامه داری را ملغی کرده و آن را بلااثر می داند. در همان حال، نظر به اینکه دولت ایران قصدی جز تامین منافع مملکت ندارد، اگر کمپانی نفت انگلیس و ایران برخلاف گذشته حاضر شود



وزارت نفت

اداره
دوره

تاریخ: ۸ آذر ۱۳۱۱
شماره: ۳۶۲۸۴

شرکت نفت انگلیس و ایران - آقای جکس مدیر منیس

دولت ایران مکرراً اطلاع کبیانی نفت انگلیس و ایران رسانیده است که امتیاز داری سرخه ۱۹۰۱ مسیحی معالج و منافع سلکت ایران را تا مین نمی نماید و لازم میدانست هر چه زود تر بایه روابط دولت شاهنشاهی و کبیانی بر اساس تازه که منلزم تا مین منافع واقعی سلکت ایران باشد گذارده شود . معایب و نواقص امتیازنامه داری و عدم توافق آن با منافع ایران بطوریکه مکرراً حاضرینان شده جای هیچ تردید نیست و البته دولت ایران حقاً و مستحقاً نمی تواند خود را ملزم بمقررات امتیازنامه که قبل از استقرار رژیم مشروطیت داده شده - با ضروری که این گونه امتیازات در آن زمانها تجدیل و اعطای میشود - بداند معذک بامید اینکه کبیانی اقتضای زمان و موقعیت امروز سلکت ایران را در نظر گرفته و منافع آنرا مطابق این منتهیات تا مین نماید دولت ایران از اعمال حق خود در الغای امتیاز داری ناچار خود داری نمود مناسبانه در مقابل داری دولت شاهنشاهی از طرف کبیانی نفت نه تنها اقدام عملی در تا مین منافع سلکت ایران بعمل نیامد بلکه هر چه بر توسعه وسط کبیانی نفت انگلیس و ایران افزوده شد منافع ایران بیشتر بار تخفیف کردید . بنابراین دولت ایران از نیل به نتیجه که در نظر داشت یعنی از رسیدن به مشمول از طریق مذاکره با کبیانی مأیوس شده و ناچار راه تا مین حقوق خود را منحصر بالغای امتیاز داری ندیده و این وزارتخانه بر حسب تصمیم دولت شاهنشاهی اعلام مینماید که از این تاریخ امتیازنامه داری را منقضی کرده و انرا بلا اثر میدانند .

در همان حال تا مینماید که دولت ایران قصدی جز تا مین منافع سلکت ندارد اگر کبیانی نفت انگلیس و ایران برخلاف گذشته حاضر شود منافع سلکت را مطابق در دولت ایران بر وفق عدالت و انصاف تا مین نمود و ثائق لازمه برای تا مین منافع مذکوره بداند دولت ایران از اعطای امتیاز جدیدی بان کبیانی املا و لا امتنا نخواهد داشت .

مرکز اسناد و آمار
شماره: ۳۶۲۸۴

نامه وزارت دارایی درباره لغو قرارداد داری. (نقل از شماره دوم اسناد دوران پهلوی، چاپ مرکز اسناد و آمار، کمیته شماره یک آموزش و اطلاعات مردم)

استباه بزرگ، ملی شدن نفت

۲۷

منافع مملکت ایران را مطابق نظر دولت ایران بر وفق عدالت و انصاف تا مین کند و وثائق لازمه برای تا مین منافع مذکوره بداند، دولت ایران از اعطای امتیاز جدیدی به آن کمپانی اصولاً امتناع نخواهد داشت.^{۱۴}

«جاکس» طی نامه هشتم آذر ۱۳۱۱ (۲۹ نوامبر ۱۹۳۲) قرارداد داری را معتبر دانست و به اعلام لغو قرارداد شدیداً اعتراض کرد. او که موضوع را تلگرافی به اداره مرکزی شرکت نفت در لندن گزارش داده بود، اعتراض شدید اداره مرکزی شرکت نفت را هم در نامه تهدید آمیز خود بیان داشت. متن نامه «جاکس»:

تهران - ۸ آذر ۱۳۱۱

حضرت مستطاب اجل آقای وزیر مالیه - تهران

متن مراسله حضرت مستطاب عالی تحت نمره ۳۶۲۸۴ مورخه ۶ آذر را تلگرافاً به مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران در لندن مخابره کردم و اینک به اینجانب دستور داده شده که محترماً به استحضار عالی برسانم که شرکت نفت انگلیس و ایران تصدیق نمی کند که مندرجات امتیازنامه داری منافع دولت شاهنشاهی ایران را تا مین ننماید و نیز تصدیق نمی کند که با فرض بودن آن دولت شاهنشاهی حق داشته باشد امتیاز را لغو نماید. خاطر محترم حضرت مستطاب عالی را ضمناً متذکر می دارم که اعتبار امتیاز داری را حکومتی متوالی ایران چه قبل و چه بعد از استقرار رژیم مشروطیت نه تنها از طریق قبول حق السهم مقرر در آن در طی سنوات متعدده به رسمیت شناخته، بلکه از طرق متعدده دیگر هم شناخته اند.

باینجاب دستور داده شد است که خاطر
محترم حضرت مستناب عالی را متذکر دارم که
باصحاب بارونایم در دولت شاهنشاهی و
بالمیمان حقوقی که بموجب امتیاز شرکت نفت
انگلیس و ایران اعطا شده شرکت مذکور با بهره
در ایران خرج کرده است منافسی را که از
صرف این وجه عاید دولت شاهنشاهی شده
نمی توان ضمن زمین نمود خواه شرایط امتیاز
برای دولت شاهنشاهی ایران عادلانه باشد و
خواه نباشد و نیز در هر مذاکره ای بین دولت
ایران و شرکت که مبنی بر اساس انصاف و
عدالت باشد چنین منافسی را نمیتوان از نظر
در داشت

شرکت نفت انگلیس و ایران ندیده باشد
مدرسه در مرتبه درجه که شرکت اقتضای
زمان و موقعت امروز دولت شاهنشاهی ایران
را در نظر نگرفته قویاً اعتراض می نماید - شرکت
همواره خود را بر سبیل مذاکرات مابین برای
استقبال نشریات و احتمالات دولت شاهنشاهی
نشان داده و چنانچه تاکنون موافقتی حاصل
نشده عدم موفقیت بلاشک مربوط به فقدان محسوس
و حسن نیت از طرف شرکت بوده است
شرکت نفت انگلیس و ایران باید خاطر
نشان نماید که انتشار اعلامیه دولت ایران در
جرائد تا شهادت بعد از این روز در امر شرکت

sterling. The benefits received by the Persian Government from this expenditure cannot be ignored in considering whether the terms of the Concession are fair to the Persian Government, nor can they be ignored in any discussions between the Persian Government and the Company which are to be based on equity and justice.

The Anglo-Persian Oil Company takes the strongest exception to the statement in Your Excellency's letter that it has failed to take into consideration the need of the time and the present position of the Persian Government. The Anglo-Persian Oil Company has at all times showed its willingness by means of negotiation to endeavour to meet the views and needs of the Persian Government, and so far as accord has not been reached the failure has certainly not been due to a lack of effort or good-will on the part of the Anglo-Persian Oil Company.

The Anglo-Persian Oil Company point out that the publication of the Persian Government's announcement in the Press will have the most dangerous repercussions on the Anglo-Persian Oil Company's business and the Directors venture to hope that on further consideration the Persian Government will immediately withdraw this announcement.

FOR ANGLO-PERSIAN OIL COY. LTD.


RESIDENT DIRECTOR.

برگ دوم نامه اعتراض آمیز «جا کس»

Anglo-Persian Oil Co., Ltd.
Tehran.
تبریز / مورخه ۲۸ آذر ۱۳۱۱
شماره ۲

حضرت مستناب اجل آقای وزیر مالیه
تبریز

مترن مرامله حضرت مستناب عالی تحت نمرة
۲۲۱۸۶ مورخه ۹ آذر را تلگرافاً بمديران
شرکت نفت انگلیس ایران در لندن مخابره
کردم و اینکه باینجاب دستور داده شده
که مسترماً با دستخوار خاطر عالی بر آنم که
شرکت نفت انگلیس و ایران تصدیق نمیکند
که مندرجات امتیازنامه داری منافع دولت
شاهنشاهی ایران را تامین نماید و نیز تصدیق
نمیکند که با تفریب بودن آن دولت شاهنشاهی
حق داشته باشد امتیاز را لغو نماید
خاطر محترم حضرت مستناب عالی را ضمناً
متذکر می دارم که اعتبار امتیاز داری را
حکومت های متوالی ایران چه قبل و چه بعد از
استقرار رژیم مشروطیت تنها از طریق قبول
حق السهم مکرر در ان توسط سنوآت متعدد
برسمیت شناخته بلکه از طرف مشهده دیگر هم
شناخته اند

مر حضرت مستناب عالی «سلام است که شرکت
نفت انگلیس و ایران نمیتواند حق ادعای داری
را نسبت به انساب امتیاز تصدیق نماید و چنین
ادعای قانوناً و انداناً مبنی بر اساس نیت

برگ یکم نامه اعتراض آمیز «جا کس» درباره لغو قرارداد داری.

۲۱
۱۳۱۱

۲۷۰۵
T J M R
29th November, 1932.

His Excellency the
Minister of Finance,
Tehran.

I have submitted by telegram the text of Your Excellency's letter No. 36456 dated the 27th of November to the Directors of the Anglo-Persian Oil Company, Ltd. in London.

I am instructed respectfully to inform Your Excellency that the Directors of the Anglo-Persian Oil Coy. do not admit that the terms of the D'Arcy Concession do not protect the interests of the Persian Government, nor do they admit that even if that were the case the Government has the right to cancel the Concession.

I may remind Your Excellency that the validity of the D'Arcy Concession has been recognized by successive Persian Governments before and after the establishment of the Constitutional Regime, not only by the acceptance of many years' Royalty as provided for therein, but also in many other ways.

Your Excellency will understand that the Anglo-Persian Oil Coy. cannot recognize the right claimed by the Persian Government to cancel the Concession, such contention having no foundation either in law or equity.

I am instructed to remind Your Excellency that, relying upon the good faith of the Persian Government and the rights conferred upon the Anglo-Persian Oil Company by the Concession, the Anglo-Persian Oil Coy. has expended in its six many millions of pounds

بر حضرت مستطاب عالی معلوم است که شرکت نفت انگلیس و ایران نمی‌تواند حق ادعایی دولت را نسبت به الغاء امتیاز تصدیق نماید و چنین ادعایی قانوناً و انصافاً مبنی بر اساسی نیست.

به اینجانب دستور داده شده است که خاطر محترم حضرت مستطاب عالی را متذکر دارم که به استظهار وفای به عهد دولت شاهنشاهی و به اطمینان حقوقی که به موجب امتیاز به شرکت نفت انگلیس و ایران اعطا شده، شرکت میلیونها لیره در ایران خرج کرده است. منافعی را که از صرف این وجوه عاید دولت شاهنشاهی شده، نمی‌توان غمض عین نمود. خواه شرایط امتیاز برای دولت شاهنشاهی عادلانه باشد و خواه نباشد و نیز در هر مذاکره‌ای بین دولت ایران و شرکت که مبنی بر اساس انصاف و عدالت باشد، چنین منافعی را نمی‌توان از نظر دور داشت.

شرکت نفت انگلیس و ایران نسبت به اظهار مندرجه در مرقومه شریفه که شرکت اقتضای زمان و موقعیت امروز دولت شاهنشاهی ایران را در نظر نگرفته، قویاً اعتراض می‌نماید. شرکت همیشه خود را به وسیله مذاکرات سعی برای استقبال نظریات و احتیاجات دولت شاهنشاهی نشان داده و چنانچه تاکنون موافقتی حاصل نشده، عدم موافقت بلاشک مربوط به فقدان سعی و حسن نیت از طرف شرکت نبوده است. شرکت نفت انگلیس و ایران باید خاطر نشان نماید که انتشار اعلامیه دولت ایران در جراید، تأثیرات بس زبان‌آوری در امور شرکت خواهد داشت.^{۱۵}

لغو قرارداد داری در جلسه عمومی مجلس شورا در روز دهم آذر نیز مورد تأیید قرار گرفت.

روز دوازدهم آذر به دستور «شاه» دفتر مخصوص به «نادر آراسته» فرماندار کل خوزستان دستور داد همراه فرمانده لشکر خوزستان و رئیس

دوره تقنینیه

مورخه ۱۰ آذر ۱۳۱۱



مجلس شورای ملی

۷۶۸۳

تصمیم قانونی راجع به تصحیح و اصلاح مصوبات و تصویبات مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی در وقت خود در تصحیح و اصلاح مصوبات و تصویبات مجلس شورای ملی اقدام کرده است.

تجربین می‌باید

تصمیمات در جلسه دهم آذر در تصحیح و اصلاح مصوبات مجلس شورای ملی سید است.

رئیس مجلس شورای ملی دادگر

مرکز اسناد و آمار

سند شماره ۱۴

www.adabestanekave.com

تصمیم مجلس شورا در تأیید لغو امتیاز داری

شهربانی به خرمشهر رهسپار شود و در ساختمان مرکزی شرکت نفت مستقر گردیده، اداره امور نفت را در اختیار بگیرد. این دستور اجراء شد و سربازان ایران در پالایشگاه و مراکز شرکت مستقر شدند.^{۱۶}

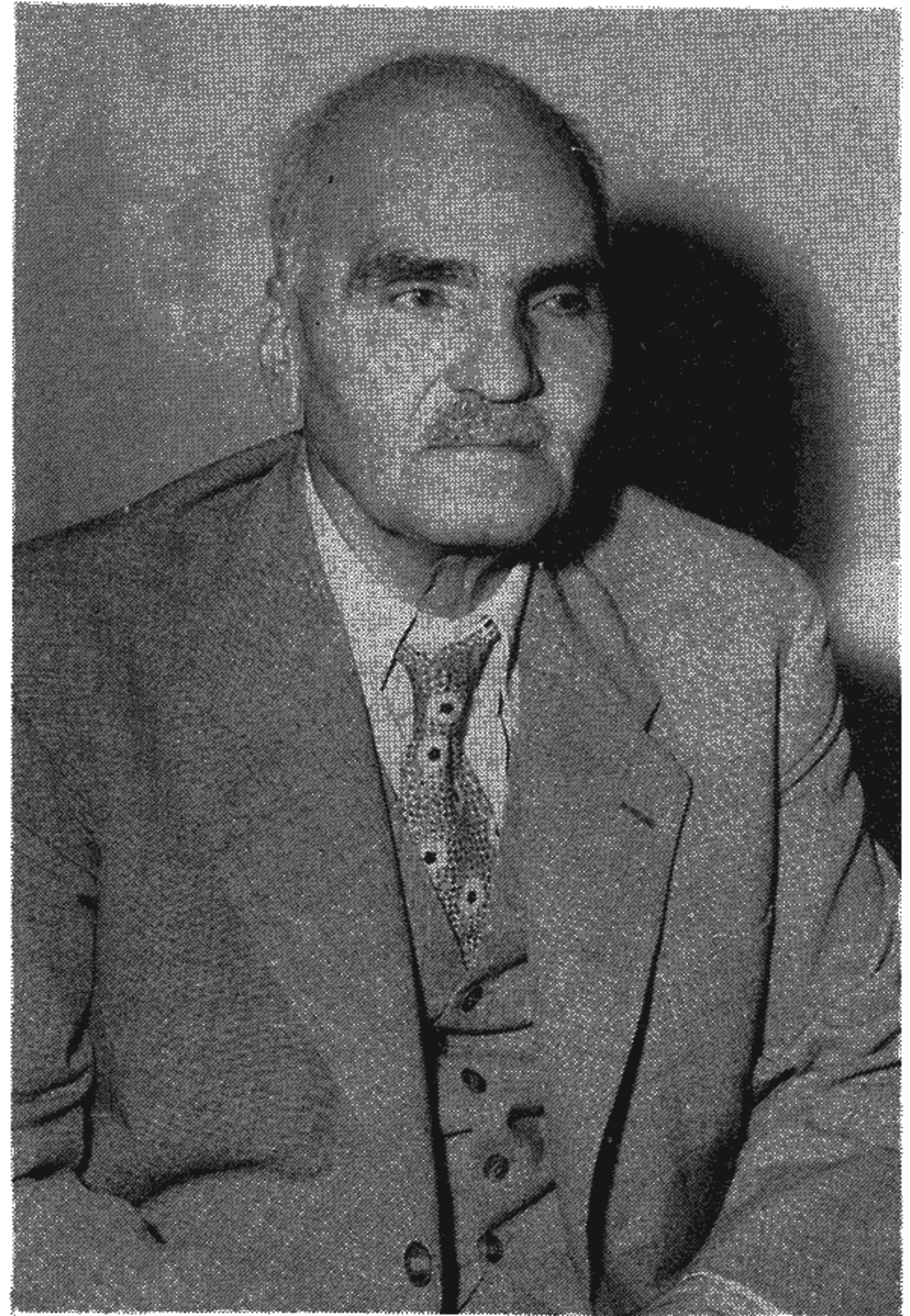
«سرجان کدمن» رئیس کل شرکت نفت که در این هنگام در واشنگتن بود، شتابزده به لندن بازگشت و از آنجا به تهران آمد و بر اثر گفتگوهای او دولت ایران موافقت کرد موقتاً جریان نفت زیر نظر مسوولان شرکت همچنان ادامه یابد.

برای آگاهی از بازتاب جهانی تصمیم ایران در آن روزگار، به گزارش بیست و هشتم آذر ۱۳۱۱ «فتح‌اله پاکروان» سفیر ایران در مسکو نظر می‌افکنیم:

«پاکروان» در گزارش خود چنین می‌نویسد:

در محافل سیاسی مسکو، این اقدام دولت شاهنشاهی يك نوع مسرت و بیم تولید نمود و نمی‌توانند تصور نمایند که در ایران چنین اقدامی برضد منافع انگلیس انجام گیرد، خوشوقت بودند. زیرا هر ضربتی که به نفوذ دولتهای امپریالیستی به‌خصوص انگلیس در هر نقطه از جهان وارد آید، مسرور می‌شوند. قدری هم بیمناک هستند، چون از اهمیت نفت جنوب برای بحریه انگلیس آگاهند و یقین دارند که دولت انگلیس از هیچ اقدامی برای فشار بر ایران کوتاهی نخواهد کرد.

سخنان «کاراخان» را که سه‌بار با من در این خصوص صحبت کرد، می‌توان چنین خلاصه نمود: اقدام ایران در الغای امتیاز داری حائز برترین درجه اهمیت میباشد و گامی است که ایران در راه استقلال اقتصادی و سیاسی خود برداشته‌است، اما نفت



جنوب برای نیروی دریایی انگلیس اهمیت حیاتی دارد و آن دولت هر قدر بتواند از فشار بر ایران خودداری نخواهد کرد. ولی اوضاع عمومی جهان و گرفتاریهای انگلیس طوری است که تصور نمی‌رود اقدام مهمی بر علیه ایران بتواند انجام دهد. تنها تصور می‌شود از طریق سیاسی و تهدید بر ایران فشار وارد آورند و سعی کنند که اختلاف میان ایران و کمپانی نفت به طور دوستانه حل شود.

بار دوم که «کاراخان»^{۱۷} را دیدم، گفت: انگلیسیها می‌خواهند این اقدام دولت ایران را در اثر تشویق ما جلوه دهند و من وقتی این خبر را شنیدم، دستور دادم جدا تکذیب کنند. «کاراخان» گفت به نظر او بهترین راه حل تشکیل شرکت مختلط میان ایران و انگلیس است. چنین شرکتی منافع ایران را حفظ خواهد کرد.

بار دیگر که «کاراخان» را دیدم، پرسید: از رویه روزنامه‌های شوروی که در این موضوع حیاتی با دولت ایران همفکری می‌کنند، راضی هستید؟ تشکر کردم. بعد گفت: آمریکاییها هم از نزدیک جریان کار را تعقیب می‌نمایند و افزود با اوضاع کنونی بین‌المللی انگلیسیها نمی‌توانند به اقدامات نظامی متوسل شوند و می‌خواهند با تهدید و فشار ایران را وادار به تجدید امتیاز به شکل دیگر بنمایند.^{۱۸}

باری، گفتگوهای «کدمن» با مقاومتی که نشان می‌داد، برای رفع اختلاف باز هم بی‌نتیجه ماند و او به لندن بازگشت و پس از بازگشت او، دولت انگلیس به مناسبت لغو یک جانبه قرارداد داری به جامعه ملل شکایت برد. برای پاسخگویی به این شکایت، هیأتی به ریاست «داور»



لرد کدمن

۱۷. کاراخان، معاون وزارت خارجه شوروی. توضیح: کاراخان در مهرماه ۱۳۱۲ چند

روز در تهران بسر می‌برد و در ساختمان باشگاه بانک ملی مهمان دولت ایران بود.

۱۸. آرشیو شرکت نفت سابق.

وزیر دادگستری و «حسین علاء» رئیس بانک ملی و نصرالله انتظام مسوول اداری عهود وزارت امور خارجه در دی ماه ۱۳۱۱ رهسپار ژنو شدند. روز هفتم بهمن «سرجان سیمون» وزیر خارجه انگلیس در جامعه ملل گفت: هیچگونه مجوزی برای لغو یک جانبه امتیاز وجود ندارد و دولت انگلیس حق دارد برپایه ماده پانزده اساسنامه جامعه ملل از تخلف دولت ایران به جامعه ملل شکایت نماید.

«داور» به سخنان او پاسخ گفت و تخلفات شرکت را از مفاد قرارداد که مجوز لغو قرارداد می باشد، برشمرد. «داور» نتیجه این گفتگوها و مدافعات خود و نظریات جامعه ملل را ضمن تلگراف به «فروغی» وزیر خارجه گزارش می داد و در موارد لازم کسب تکلیف می کرد. «فروغی» تلگرافهای داور را نخست به نظر رضاشاه می رسانید و سپس «موضوع» را در هیأت وزیران مطرح می ساخت و آنگاه به «داور» پاسخ می داد. اینک یک تلگراف از «داور» با پاسخ «فروغی»:

تاریخ ۱۳۱۱/۱۱/۲ - از ژنو

موضوع سه شنبه در شورا عنوان، موكول به جلسه دوم شد که روز پنجشنبه با حضور وزیر خارجه انگلیس خواهد بود. چنانکه استنباط کرده بودم، معلوم شد انگلیس می خواهد وانمود کند که دولت ایران به بهانه ضعف ایران در هنگام اعطای امتیاز آن را لغو کرده است. ما جواب دادیم کمپانی نفت از آغاز به تعهدات خود عمل نکرده، مبلغ ناقابلی را که باید پرداخت می کرد، پرداخت ننموده. دولت ایران حکمیت خواست، نپذیرفت. شانزده درصد سود سهم ایران را که در قرارداد داری مندرج است، سالها نداد و برخلاف تعهد چند تصفیه خانه در خارج از ایران ساخت. کارگران غیرایرانی گرفت و حساب سازی کرد. چندسال به مذاکره گذشت، دولت ایران خواست در امتیاز تجدید نظر شود. کمپانی نفت قبول

نکرد. برای آنکه دست کم تکلیف صدی شانزده حق امتیاز معلوم باشد، کمپانی با وزیر دربار که آن هنگام در اروپا بود، گفتگو کرد و متن پیشنهادی تهیه شده و برای مطالعه به تهران فرستاد. ایران از کمپانی خواست برای رفع ابهام آن پیشنهاد نماینده ای به تهران بفرستد، ولی کمپانی قبول نکرد. دولت ایران مطمئن شد که کمپانی در گفتگوی چندساله جز وقت گذرانی منظوری نداشته و چاره ای جز لغو قرارداد ندید. دولت انگلیس به مداخله و تهدید پرداخت و خواست ایران تصمیم الغاء قرارداد داری را نادیده بگیرد، دولت ایران در پاسخ گفت نظر جامعه ملل را به این کار جلب خواهد کرد. انگلیس پیشقدم شد و موضوع را به جامعه ملل کشاند، در حالی که اگر کمپانی حرفی دارد باید به دادگاههای ایران رجوع کند و سرانجام گفتیم موضوع اختلاف با شرکت نفت از مسائل داخلی ایران است و مشمول بند هشت ماده ۱۵ میثاق آن شورا می باشد. عده ای از اعضای شورا می گویند حرف شما منطقی است، ولی باید راه حل پیدا کرد که کار به اصلاح بگذرد. از گفتگوها استنباط می شود که شورا رای نخواهد داد که ایران در لغو امتیاز محق نبوده، ولی رای هم نخواهد داد که حق داشته یا مداخله انگلیس بی مورد بوده است و اگر راه اصلاح میان ایران و انگلیس پیدا نکند یا از يك کمیته از حقوقدانان معروف و یا از دیوان لاهه نظر خواهد خواست. اگر رای کمیته یا دیوان لاهه این بشود که دعوا اکنون میان دو دولت است و از امور داخلی نمی باشد، رسیدگی در دیوان لاهه بهتر از شورا است، زیرا در شورا ملاحظات سیاسی هم در کار است. ولی محاکمه دست کم يك سال طول خواهد کشید و در این صورت سهام کمپانی تنزل خواهد کرد و نگرانی صاحبان سهام، کمپانی را وادار خواهد ساخت به تقاضای حقه ایران تن دردهد. ما باید بر مالیات بردرآمد هم تکیه کنیم و این بر نگرانی کمپانی خواهد افزود.

«مستر پوپ»^۱ در پاریس «آقای علاء» را ملاقات کرده،



علی اکبر داور

گفته بود: کمپانی از مداخله دولت انگلیس ناراضی است و بهتر می‌داند خود با دولت ایران گفتگو کند. وقتی به ژنو آمدیم، «کلنل مارلی گت» یکی از کارکنان ارشد کمپانی به ملاقات آمد، گفت: «پوپ» گفته است با شما ملاقات کنم. آمده‌ام که گفتگو کنیم و نگذاریم کار از این سخت‌تر شود، ولی نمایندگان ایران باید بگویند دولت ایران چه می‌خواهد؟ و شرایط اساسی امتیاز جدید چیست؟ گفتیم، این کار در وظیفه ما نیست. کمپانی باید نماینده خود را به تهران بفرستد. گفت: تا کلیات موضوع معلوم نشود، کمپانی نمی‌تواند نماینده به تهران بفرستد و گفت «کدمن» هم به اینجا می‌آید، اگر پاسخ شما به او همین باشد که به من گفتید، سفر او بی‌نتیجه است...

۲۰ «داور»

در پنجم بهمن، فروغی طی یک تلگرام در پاسخ داور چنین گفت:

تلگراف به عرض رسید، در هیأت دولت هم مطرح شد. جواب از این قرار است:

۱. سعی عمده آقایان این باشد که اثبات کنید دولت انگلیس حق مداخله در این اختلاف را ندارد.

۲. اگر سعی شود امر در همین شورا به اصلاح تمام شود، بهتر است در خصوص اینکه «کدمن» می‌خواهد بداند پیشنهاد ما چیست؟ اگر پاسخ این موضوع برای رسیدن به نتیجه اصلاحی

۱۹. «پروفسور پوپ»، ایران‌شناس آمریکایی، قریب پنجاه سال درباره شناخت و معرفی هنر ایران کوشیده و چندین کتاب در این زمینه به چاپ رسانده، در سالهای پایانی زندگی با همسرش در شیراز بود و در يك آپارتمان مخصوص در دانشگاه شیراز می‌زیست و در همانجا تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۴۸ درگذشت و به خواست خودش در میدان نزدیک پل خواجه در اصفهان به خاک سپرده شد.

۲۰. آرشیو شرکت نفت سابق.

ضروری و موثر است، این نکات را به او بفرمایید:

۱. مشارکت دولت ایران در کل کمپانی و جمع شرکتهای فرعی از هر قبیل و معاف بودن حق امتیاز دولت ایران از هرگونه مالیات و عوارض.
 ۲. محدود شدن حوزه عمل کمپانی.
 ۳. موقوف شدن حق انحصار لوله‌کشی به طرف جنوب.
 ۴. پرداخت حق امتیاز براساس مقدار استخراج به این طریق که تا وقتی استخراج از شش میلیون تن تجاوز نکرده، یک میلیون و دو بیست هزار لیره طلا و اگر تجاوز کرد، در هر تن صدی شانزده از قیمت جهانی باید به ایران بدهند.
 ۵. کوشش در بالابردن سطح استخراج.
 ۶. دولت ایران در هیأت مدیره یک نماینده داشته‌باشد، با اختیار مساوی با دیگر مدیران. به اضافه حق «وتو» در هنگام تغییر اساسنامه شرکت و مسائل غیرعادی.
 ۷. پرداخت مالیات از قرار چهاردرصد در هر تن که استخراج می‌شود.
 ۸. تامین نیاز کشور نسبت به نفت و متفرعات با بهای مناسب.
 ۹. تصفیه نفت حتی الامکان در داخله.
 ۱۰. پرداخت بدهیهای گذشته و پرداخت مالیات از ۱۹۳۰.
- مدت امتیاز جدید سی سال باشد، با حق تمدید پس از انقضا، مدت برای کمپانی یا به مدت زیادتر با حق فسخ در اس سی سال. اینها عمده مطالب است برای تنظیم قرارداد. در این مسائل با کارشناسان فنی مشورت کنید، اگر نقضی داشته‌باشد، اطلاع دهید.
- «فروغی»^{۲۱}

نکته درخور توجه در تلگراف فروغی این است که دولت ایران با

تجدید امتیاز نفت برای مدت سی سال یا زیادتر و حق تمدید امتیاز پس از پایان سی سال موافقت کرده‌است!

سرانجام از سوی شورای جامعه ملل «دکتر بنش» وزیر امور خارجه چک اسلواکی مأمور مطالعه اسناد و دلایل دوطرف شد و پیشنهاد کرد شرکت نفت با دولت ایران مستقیماً وارد گفتگو شود. این پیشنهاد را دولت ایران و شرکت نفت و دولت انگلیس پذیرفتند و شورا با صدور قطعنامه‌ای دوطرف (ایران و شرکت نفت) را به گفتگوی مستقیم فراخواند. روز ۲۶ اسفند، «داور» و همراهان به تهران بازگشتند و روز ۱۴ فروردین ۱۳۱۲، «سرجان کدمن» همراه گروهی مشاور و کارشناس به تهران آمد. دولت ایران هم پنج کارشناس خارجی را برای مشاوره از آمریکا و سوئیس و انگلستان دعوت کرده بود. هیأت ایرانی به ریاست «تقی‌زاده» و هیأت انگلیسی به ریاست «کدمن» چند هفته به گفتگو ادامه دادند. پیش از گفتگوها، «کدمن» پس از دیدار با فروغی و تقی‌زاده یک ضیافت شبانه ترتیب داد تا اعضای دو هیأت ایرانی و انگلیسی باهم آشنا شوند و پیشتر گفتگو کرده‌بود که پس از آنکه تقی‌زاده را معرفی کرد، «تقی‌زاده» هم در سخنانی مراتب مودت و حسن نیت خود و دولت ایران را برای پایان دادن به اختلافات اظهار دارد. در این زمینه، فروغی، گزارشی به دفتر مخصوص نوشت و به وسیله «شکوه‌الملک» رئیس دفتر مخصوص به اطلاع «رضاشاه» رسید. متن گزارش فروغی:

در شب مهمانی که قبل از روز نطق آقای تقی‌زاده واقع خواهد شد، در ضمن اینکه «سرجان کدمن»، «آقای تقی‌زاده» را برای حضار و مهمانها معرفی می‌کند، اظهار می‌دارد که دولت ایران



محمد علی فروغی (ذکاء الملک)

درست آنست که قنبر از مرد نطق آقا، تقی زاده و آتش خود ابروی درمنش است نه سر هانی کدر
 آقا تقی زاده ز بار حضرت در راه ما سر نه میکند اظهار دارد که دولت ارباب از این در پس کوی و
 با این امر نوا همت کعبه ز خصوصاً دستور بهمان سر خودشان داده اند که هر چه بودت ~~خودشان~~
 درمنش بیانا تلامه خواننده نمی آید از تلامه

کتابخانه و اداره
 بهار تهران
 تاریخ ۱۳۰۳ هجری قمری

متن گزارش به خط فروغی درباره نطق تقی زاده در مهمانی «کدمن»

هم از این مجلس مسبوق و با این امر موافقت کرده، مخصوصاً دستور به نماینده خودشان داده‌اند که مراتب مودت خودشان را در ضمن بیاناتی که خواهند کرد، ابراز نمایند.

«شکوه‌الملک» در زیر گزارش فروغی نوشته‌است: به عرض رسید، اجازه فرمودند همینطور اقدام شود. به آقای رئیس‌الوزرا، ابلاغ شد.^{۲۲}

در مهمانی «کدمن» و در دیدار هیأت انگلیسی در فردای آن روز از تقی‌زاده، سخنان «تقی‌زاده» تماماً بر حسن نیت دولت ایران و هیأت انگلیسی و امید به پایان یافتن قطعی اختلافها تأکید داشت.

پس از چند هفته گفتگو و قهر و آشتی و فشار و تهدید، در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ (۱۹ آوریل ۱۹۳۳)، یک قرارداد ۲۷ ماده‌ای میان «تقی‌زاده» و «کدمن» به امضاء رسید و پیش‌بینی «کاراخان» به تحقق پیوست. تقی‌زاده زیر قرارداد را با قلم خودنویس طلای «کدمن» امضاء کرد و کدمن آن خودنویس طلا را به تقی‌زاده یادگار داد.

قرارداد پس از تأیید هیأت وزیران از سوی تقی‌زاده به مجلس تقدیم شد و در هفتم خرداد به تصویب مجلس رسید. در قرارداد جدید درآمد ایران افزایش یافت و حق‌الامتیاز سالانه ایران هر تن چهار شلینگ تعیین شد (ماده دهم) و نیز بیست درصد اضافه بر ۶۷۱،۲۵۰ لیره سود صاحبان سهام برای ایران منظور گردید و مقرر شد حق‌الامتیاز سالانه ایران هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ کمتر نباشد و در صورت تأخیر در پرداخت، شرکت سالانه برابر صدی پنج زیان دیرکرد به دولت ایران بپردازد (بند ب ماده دهم) و هم به دولت ایران حق داده شد در تمام

جلسه‌های هیأت مدیره و کمیته‌های فرعی آن یک نماینده داشته‌باشد و شرکت سالی دوهزار لیره استرلینگ برای حقوق و هزینه نماینده دولت ایران در لندن بپردازد (ماده ۱۵ قرارداد).

در این قرارداد حوزه امتیاز به یک‌پنجم کاهش یافت و به یکصد هزار میل مربع محدود شد (ماده دوم قرارداد) و برای تصفیه تمام دعاوی ایران شرکت پرداخت یک میلیون لیره استرلینگ را ظرف سی روز تعهد کرد (ماده ۲۳ قرارداد) و نیز شرکت نفت تأمین احتیاجات داخلی ایران را به مواد نفتی و بنزین تعهد کرد و برای نیازهای دولت بیست و پنج درصد تخفیف داده شد (ماده ۱۹ قرارداد). (در سالهای بعد فروشگاههای نفت و بنزین برپایه این تعهد در همه نقاط کشور ایجاد گردید) و نیز شرکت تعهد نمود مستخدمین غیرفنی را تماماً از ایرانیان استخدام نماید و برای استخدام کارکنان فنی هم تا آنجا که ایرانیان واجد شرایط و دارای تخصص باشند، از اتباع ایران استخدام کند و برای آنکه شماری از جوانان با استعداد ایرانی علوم و فنون صنایع نفت را در انگلستان فراگیرند و کارشناس ایرانی تربیت شود، شرکت پرداخت سالی ده‌هزار لیره استرلینگ را به این منظور برعهده گرفت (ماده ۱۶ قرارداد) و مهم‌تر از همه متعهد شد که تمام دارایی شرکت در ایران از اراضی و کارخانه‌ها و ساختمانها و چاهها و لوله‌ها و سدهای دریایی و پلها و وسایل پخش آب و ماشینها و وسایط نقلیه و هرگونه تجهیزات و ادوات در پایان امتیاز (به هرنحوی که امتیاز پایان پذیرفته‌باشد)، متعلق به دولت ایران خواهد بود (ماده بیستم قرارداد).

در برابر امتیازاتی که دولت ایران به دست آورد، مدت امتیاز به سود کمپانی افزایش یافته، شصت سال شد. درحالی که از شصت سال مدت امتیاز داری بیست و هشت سال بیشتر نمانده بود، قرارداد بایست برای

همان مدت بیست و هشت سال تنظیم می‌شد (و این نقطه ضعف بزرگ قرارداد بود). اما «سرجان کدمن» و مدیران شرکت نفت و مسوولان دولت انگلیس نه تنها این مدت را به هیچگونه نمی‌پذیرفتند، بلکه «سرجان کدمن» اصرار داشت مدت قرارداد هفتاد و پنج سال باشد. اختلاف نظر درباره مدت چند بار به قطع موقت گفتگوها انجامیده بود. سرانجام روز سوم اردیبهشت «کدمن» نزد شاه رفت و گفت: چون امیدی به نتیجه گفتگوها نیست، تصمیم دارد تهران را ترک کند و چون در صورت قطع گفتگو امیدی نبود که داوری مراجع بین‌الملل به سود ایران باشد، از این رو دولت ایران ناچار مدت شصت سال را پذیرفت و «شاه» هم موافقت کرد. بعدها «گلشائیان» درباره این قرارداد گفت: قرارداد داری را یک طرفه بهم زدیم، رفت به جامعه ملل. اگر به ما توصیه نکرده بودند که خودمان دوستانه اختلاف را حل کنیم و با هم کنار بیاییم، چه بسا آنجا محکوم می‌شدیم و من صریحاً می‌گویم بجز تمدید مدت، امتیازنامه ۱۹۳۳ هزار درجه بر امتیاز داری رجحان داشت.^{۲۳}

تقی‌زاده، عاقد قرارداد، سالهای بعد در مجلس گفت: صحبت تمدید بگفتا به میان آمد، من شخصاً راضی نبودم، دیگران هم نبودند.^{۲۴} اما تقی‌زاده که چهار سال پیش‌تر وزیرمختار ایران در لندن بود، در نامه خصوصی به «تیمورتاش» وزیر درباره نوشت: اولیاء شرکت نفت خواهان تمدید قرارداد هستند^{۲۵} و با این سندی که از او در دست است و نیز اشاره‌ای که در تلگراف «فروغی» به «داور» راجع به تمدید مدت امتیاز جدید پس از سی سال شده است، نمی‌توانیم درستی گفتار تقی‌زاده را

۲۳. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، سوم امرداد ۱۳۲۸.

۲۴. پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۲۹۶.

۲۵. نشریه انجمن تاریخ، شماره فروردین ۱۳۵۲.

به‌اینکه «صحبت تمدید بگفتا به میان آمد» بپذیریم، بلکه دولت مردان ایران و «شاه» قبلاً در جریان گفتگوی تمدید قرارداد بوده‌اند. در هر روی، تمدید مدت ایراد بزرگ قرارداد بود که بعدها مورد بحث و انتقاد قرار گرفت.

درآمد نفت تا سال ۱۳۲۰ به حساب ذخیره دولت منظور می‌شد و دفتری در اروپا برای تأمین جنگ‌افزارهای مورد نیاز و خرید کارخانه اسلحه‌سازی تأسیس شده بود و نیازهای تسلیحاتی نیروهای سه گانه ارتش به وسیله این دفتر و از محل درآمد نفت تدارک دیده می‌شد. این وضع تا چندی پیش از اشغال ایران از سوی نیروهای مهاجم انگلیس و شوروی در سوم شهریور، ادامه داشت.

مقدمه ملی شدن صنعت نفت

از سال ۱۹۴۳ (۱۳۲۱ خ) شرکتهای بزرگ نفتی آمریکا به دولت خود مصرأ پیشنهاد می‌کردند بخشی از امتیازات شرکت نفت انگلیس و ایران را به دست بیاورد و برخی از مقامهای سیاسی و کارشناسان اقتصادی آمریکا (که بیش از تمام کشورهای جهان نفت مصرف می‌کرد) از لزوم استفاده از منابع نفتی خاورمیانه (که صد برابر ذخایر نفتی آمریکا برآورد می‌شد) و حفظ ذخایر نفتی کشور خودشان و نیز سهم‌شدن در منافع و منابع شرکت نفت انگلیس و ایران سخن می‌راندند و قلم می‌زدند و گروهی دیگر از کارشناسان آمریکایی معتقد بودند که با آهنگ سریع استخراج نفت در آمریکا، ذخایر نفتی آن کشور در مدت هجده سال تمام می‌شود و آمریکا باید هرچه زودتر به تسخیر منابع نفت خارجی به‌ویژه در خلیج فارس بپردازد.^{۲۶} «سناتور ترومن» (که پس از روزولت رئیس جمهور شد) نیز پیشنهادی در همین زمینه به رئیس

جمهور نوشته بود و سرانجام میان آمریکا و انگلیس توافق شده بود که آمریکا از نفت خاورمیانه سهمی منصفانه به دست آورد. «مستر جیمز برنز» رئیس تجهیزات جنگی آمریکا توصیه کرد یک سوم منابع نفت ایران که در دست انگلیس است، به آمریکا داده شود.^{۲۷}

در چنین شرایطی، در دی ماه ۱۳۲۲ در هنگام نخست‌وزیری سهیلی، دوتن از مدیران «شرکت نفتی شل» و نیز نماینده‌ای از سوی شرکت آمریکایی «استاندارد و اکیوم» و سپس نماینده‌ای از سوی شرکت نفتی آمریکایی «سینکالر» به تهران آمده و برای اکتشاف و استخراج نفت در شمال و شمال شرقی ایران پیشنهادهایی به دولت ایران عرضه کردند. دولت ایران کمیسیونی از کارشناسان اقتصادی خود تشکیل داد^{۲۸} و در نخست‌وزیری ساعد برای مطالعه عمیق‌تر، دو کارشناس نفت از آمریکا استخدام شد («هور» و «کرتیس»). این دو کارشناس به تهران آمدند و با کمیسیون ویژه در وزارت دارایی به همکاری پرداختند.^{۲۹} روزنامه نیویورک تایمز ضمن اعلام نقشه تأسیس یک پالایشگاه بزرگ در شمال بحرین از طرح روزولت برای قرارداد آمریکا و انگلیس درباره نفت خاورمیانه سخن به میان آورد. (نیویورک تایمز - ۱۱ فوریه ۱۹۴۴)

در جلسه هفتم آبان ۱۳۲۳ برای نخستین بار در مجلس، قرارداد نفتی ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) مورد انتقاد قرار گرفت و «دکتر مصدق» از «دوره دیکتاتوری» و از قرارداد نفت انتقاد کرد و به خصوص تمديد

۲۶. میراث‌خوار استعمار، تألیف دکتر مهدی بهار، صفحه ۱۶۲.

۲۷. پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۵۰۰.

۲۸. ابوالحسن ابتهاج و دکتر حسین پیرنیا عضو این کمیسیون بودند.

۲۹. میراث‌خوار استعمار، صفحه ۵۸۱-۵۸۲.

قرارداد را نکوهید و با حساب سرانگشتی! زیان تمديد قرارداد را یکصد و سی و شش میلیون لیره رقم زد. اما در سخنان خود نه از لغو قرارداد ۱۹۳۳ سخن گفت و نه به مذاکرات دولت با نمایندگان کمپانیهای آمریکایی (واکیوم و سینکالر) و شرکت مختلط هلندی انگلیسی (شل) که نزدیک یک سال در تهران ادامه داشت، اعتراض کرد.

از سوی دیگر زمین‌شناسان و کارشناسان نفتی شوروی از چندی پیش در مناطق شمالی ایران بخصوص در کویر خوریان درباره وجود منابع نفت تحقیقاتی کرده و به نتیجه مثبت رسیده بودند.^{۳۰} از این رو در ۲۴ شهریور ۱۳۲۳، هیأتی از شوروی به ریاست «کافتارادزه» جانشین وزیرخارجة آن کشور با موافقت قبلی دولت ایران برای گفتگو درباره تحصیل امتیاز نفت در شمال ایران وارد تهران شد. «کافتارادزه» با شاه دیدار و چند جلسه با «ساعد» نخست‌وزیر به گفتگو پرداخت و پیشنهاد خود را ارائه داد. ساعد با آنکه با مسافرت «کافتارادزه» برای مذاکره در کار نفت موافقت کرده و در دیدارهای نخستین و دومین با او در این زمینه با نظر مساعد گفتگو کرده بود، ناگهان اعلام داشت: دولت تصمیم گرفته است پیش از برپایی صلح عمومی، از اعطای هرگونه امتیاز خارجی خودداری کند^{۳۱} و به این ترتیب راه گفتگو را بر هیأت نفتی شوروی بست و در یک مصاحبه مطبوعاتی هم در هفتم آبان براین تصمیم دولت تأکید کرد.

«کافتارادزه» در یک مصاحبه مطبوعاتی در سفارت شوروی گفت: نخست‌وزیر ایران پیشنهاد او را در نخستین دیدار با حسن قبول پذیرا شد، ولی ناگهان مطالعه برای واگذاری امتیاز را به بعد از جنگ موکول کرد.

۳۰. روزنامه اطلاعات، ۱۴ مهرماه ۱۳۲۳.

۳۱. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۷ مهرماه ۱۳۲۳.

این رویه در محافل شوروی به گونه منفی تلقی شده و موجب تیرگی مناسبات دو کشور خواهد شد.^{۳۲}

حزب توده و روزنامه‌های آن حزب و شماری از روشنفکران بی‌طرف تظاهرات اعتراض آمیز برضد دولت برپا داشتند و مقاله‌های اعتراض آمیز نوشتند. موج اعتراض و تیرگی افق سیاست با همسایه شمالی چنان بود که «ساعد» توان ایستادن در خود ندید و در ۲۸ آبان ۱۳۲۳ ناچار به استعفاء گردید و «مرتضی قلی بیات» (سهام السلطان) با یاری دکتر مصدق به نخست‌وزیری برگزیده شد^{۳۳} و روز چهارم آذر دولت خود را به مجلس معرفی کرد و روز چهاردهم آذر با اکثریتی ضعیف رأی اعتماد گرفت. «کافتارادزه» که در انتظار نشسته بود تا گفتگوی خود را با دولت جدید آغاز کند، ناگهان با قانون تحریم مذاکرات نفت در مجلس روبرو شد.

طرح مصدق در تحریم مذاکرات نفت

دکتر مصدق در جلسه یازدهم آذر مجلس پس از خطابه مبسوط، طرحی برای منع مذاکرات نفت با دو فوریت و در چهار ماده به این شرح تقدیم مجلس کرد.

ماده یکم: هیچ نخست‌وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها یا معاونت می‌کنند، نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با

۳۲. روزنامه مردم، هشتم آبان ۱۳۲۳.

۳۳. سهام السلطان (مرتضی قلی بیات)، خواهرزاده و شوهر دختردایی و برادر عزت‌الله بیات داماد دکتر مصدق.

هیچ یک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هرکس غیر از این مذاکراتی که اثر قانونی دارد، بکند یا اینکه قراردادی امضا نماید.

ماده دوم: نخست وزیر و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت معادن نفت خود را استخراج و اداره کند، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم: متخلفین از مواد فوق، به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال از خدمت دولت محکوم خواهند شد.

ماده چهارم: تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به آن نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد، دادستان وظیفه‌دار است که متخلفین از این قانون را طبق محاکمه وزرا، مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.

«دکتر محمد مصدق»^{۳۴}

دکتر مصدق در سخنان دیگر پس از خوشامدگویی به دولت شوروی گفت: آقای کافتارادزه دیر تشریف آورده‌اند و می‌خواهند زود تشریف ببرند و بر طرح تحریم تأکید گذاشت. متن طرح نشان می‌داد که بسیار شتابزده تنظیم شده بود و این درخور تأمل است که مصدق در مجلس گفت: این فکر را یکی از نمایندگان به من داده است که از گفتن نام او معذورم و تا مجلس متفرق نشده، باید تصویب شود!^{۳۵}

شماری از نمایندگان طرح را امضاء کردند. چند نماینده گفتند: اینقدر شتابزدگی درست نیست، باید بیشتر مطالعه شود. چند نفر دیگر

۳۴. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۱ آذر ۱۳۲۳.

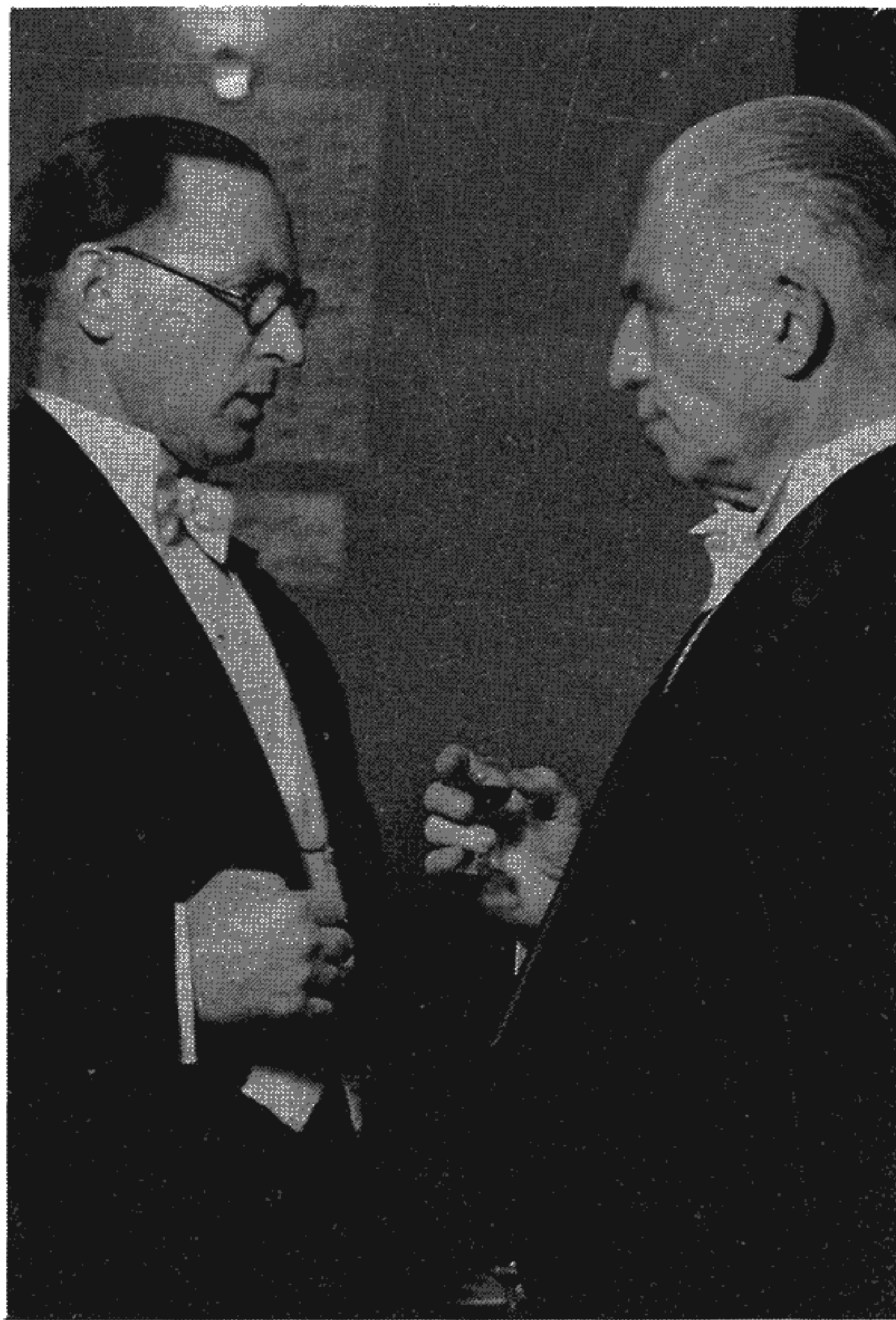
۳۵. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۱ آذر ۱۳۲۳.

هم عقیده داشتند که چون هیچ امتیازی پیش از طرح و تصویب در مجلس اثر قانونی ندارد، این طرح بی معنی است.

«سیدضیاءالدین» گفت: «امتیاز نفت شمال تا پایان جنگ به هیچیک از کمپانیهای نفتی نباید داده شود و پس از پایان جنگ با شرایط مساوی حق تقدم با اتباع ملل اتحاد جماهیر شوروی است.» سیدضیاءالدین به طرح تحریم مذاکرات نفت رأی نداد.

سرانجام پس از توضیحات سیدمحمدصادق طباطبایی رئیس مجلس و حذف ماده چهارم، طرح شتابزده با اکثریت تصویب شد. کافتارادزه در یک اعلامیه شدید تصویب این طرح را به توصیه امپریالیزم و توطئه‌ای برضد منافع شوروی دانست و او و نیز نمایندگان شرکت‌های نفتی غرب، ایران را ترک گفتند.

بی گمان این طرح تحریم مذاکرات نفت که عجولانه در مجلس تصویب شد، طرحی برای جلوگیری از دستیابی شوروی به منابع نفتی ایران و نیز به مصلحت سیاست انگلیس و آمریکا بود. اینها هرگز نمی‌خواستند شوروی در ایران امتیاز نفت به دست آورد. این موضوع سابقه داشت، چنانکه در شوال ۱۳۲۲ ق (آبان ۱۲۸۳ خ) که شایعه واگذاری امتیاز نفت از سوی دولت ایران به کمپانی روسی «منتاچف» در میان بود، وزیرمختار انگلیس هوشیارانه این موضوع را دنبال می‌کرد و شدیداً به دولت ایران از سوی دولت خود اعتراض کرد و گفتگوها که محرمانه آغاز شده بود، یکباره متوقف گردید و میرزانصراله خان مشیرالدوله نائینی وزیر خارجه که در ادامه گفتگو به دنبال منافی هم می‌گشت (چنانکه از امتیاز داری)، به کلی موضوع را حاشا کرد.^{۳۶}



در جلسه دوازدهم آذر، «غلامحسین رحیمیان» نماینده چپگرای قوچان، پشت تریبون رفت و این ماده واحده را عرضه داشت. «مجلس شورای ملی ایران امتیاز نفت جنوب را که در دوره استبداد به شرکت داری و واگذار شده و در دوره دیکتاتوری آن را تمدید نموده‌اند، به موجب این قانون الغاء می‌نماید».

«رحیمیان» پس از ارائه این طرح از پشت تریبون پایین آمده، نزد دکتر مصدق رفت و گفت: شما که طرح مفید دیروز را پیشنهاد کردید و تصویب شد، اکنون باید اول کسی باشید که این طرح را امضاء می‌کنید.

ولی «دکتر مصدق» از امضای طرح خودداری کرده و گفت: ما نمی‌توانیم قرارداد را یک طرفه فسخ نماییم.^{۳۷} کسی دیگر از نمایندگان هم آن طرح را امضاء نکرد!

«دکتر مصدق» که با اعتراض برخی از مطبوعات روبرو شده بود، در تأکید این نکته که امتیاز ۱۹۳۳ یک امتیاز قانونی است و نمی‌توان آن را یک‌جانبه لغو کرد، در جلسه ۲۸ آذر ۱۳۲۳ مجلس شورا گفت: در پاسخ آنها که اعتراض می‌کنند که چرا طرح قانونی الغاء قرارداد نفت جنوب را امضاء نکرده‌ام، عرض می‌نمایم: نظر به اینکه هر قراردادی دو طرف دارد و به ایجاب و قبول طرفین منعقد می‌شود، لذا تا طرفین رضایت به الغاء ندهند ملغی نمی‌شود و مجلس نمی‌تواند قانونی را که از روی ارزش و اعتبار عهود بین‌المللی تصویب می‌کند، بدون مطالعه و فکر و بدست آوردن راه قانونی الغاء نماید.^{۳۸}

۳۷. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۲ آذر ۱۳۲۳.

۳۸. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۸ آذر ۱۳۲۳.

تصویب طرح قانون تحریم مذاکرات نفت به تعبیر چند روزنامه پایتخت برای جلوگیری از حمله نفتی شوروی با موافقت انگلیس و آمریکا بود، روزنامه «ایران ما» نوشت: طرح آقای دکتر مصدق فعلاً خیال کمپانی نفت جنوب را از ورود رقیبهای گردن کلفت به میدان نفت کاملاً آسوده می‌سازد.^{۳۹} و شاید هم آن نماینده‌ای که تنظیم و تقدیم طرح را به «دکتر مصدق» پیشنهاد کرده بود، از همان سیاستها الهام می‌گرفت که برای جلوگیری از دادن هرگونه امتیاز نفتی به شوروی از نیکنامی و جاهت ملی «دکتر مصدق» استفاده کردند.

تصویب طرح تحریم علاوه بر آنکه مانع اکتشاف و استخراج نفت در دیگر مناطق ایران شد، موجب رنجش شدید شوروی گردید. بازگشت توهین آمیز «کافتارادزه» و رنجش عمیق شوروی آثار زیانباری به بار آورد و نقشه خودمختیاری آذربایجان و کردستان را در پی داشت که منجر به وقایع خونین آذربایجان و زنجان و اعلام حکومت خودمختار حزب دمکرات (دمکرات فرقه‌سی) به رهبری جعفر پیشه‌وری و غلام یحیی در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ گردید که یک‌سال در تمام آذربایجان و زنجان ادامه یافت و علاوه بر چندین هزار کشته و آواره و غارت و ویرانی، از هر حیث برای ایران زیانهای گران دربرداشت. حکومت خودمختار حزب کومله هم در همان سال به ریاست «قاضی محمد»، در مهاباد برپا شد.^{۴۰} با این رویدادها، گفتگوی نفت چندی خاموش شد. تا در بهمن ماه ۱۳۲۴ پس از استعفای دولت حکیمی در بحرانی‌ترین اوضاع «احمد قوام» (قوام‌السلطنه) به زمامداری رسید و در ۲۹ بهمن همراه یک هیأت

۳۹. روزنامه ایران ما، ۱۹ آذر ۱۳۲۳.

۴۰. از شهریورماه ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان، تألیف کوهی کرمانی، جلد ۱، صفحه

۳۲۱. رهبران مشروطه، بیوگرافی قوام‌السلطنه.



احمد قوام (قوام‌السلطنه)

رهسپار شوروی شد و پس از دیدارها و گفتگوها با «استالین» و «مولوتف» رهبر و وزیر خارجه شوروی در ۱۶ اسفند به تهران بازگشت و «سادچیکف» سفیر جدید شوروی هم روز ۲۹ اسفند به تهران آمد و به دنبال گفتگوهایی که در مسکو صورت گرفته بود،^{۴۱} در حالی که مجلس چهاردهم پایان یافته و تکلیف مجلس آینده معلوم نبود، بدون اعتنا به قانون تحریم مذاکرات نفت، گفتگوهای قوام و معاون او، مظفر فیروز، با سادچیکف و هیأت روسی به سرعت انجام و در ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ (۴ آوریل ۱۹۴۶) این ابلاغیه با امضای قوام و سادچیکف در رادیو و روزنامه‌های تهران منتشر گردید:

مذاکراتی که از طرف نخست‌وزیر ایران در مسکو با اولیا، دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز و در تهران پس از ورود سفیر کبیر شوروی ادامه یافت، در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ مطابق با چهارم آوریل ۱۹۴۶ به نتیجه ذیل رسید و در کلیه مسائل موافقت کامل حاصل گردید.

۱. قسمتهای ارتش سرخ از تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۴۶ یعنی یکشنبه چهارم فروردین ۱۳۲۵ در ظرف یک ماه و نیم تمام خاک ایران را تخلیه می‌نمایند.
۲. قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ۲۴ مارس تا انقضای هفت ماه برای تصویب مجلس ۱۵ پیشنهاد خواهد شد.
۳. راجع به آذربایجان چون امر داخلی است، ترتیب مسالمت‌آمیزی برای اجرای اصلاحات برطبق قوانین موجود و با

۴۱. مظفر فیروز معاون نخست‌وزیر با گسیل داشتن گروهی مزاحم در جلو مجلس و تهدید نمایندگان در چند روز پایانی دوره چهاردهم مانع از آن شد که در مجلس اکثریت حاصل گردد و جلسه علنی تشکیل شود.



روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد.

نخست‌وزیر دولت شاهنشاهی ایران - احمد قوام

سفیر کبیر دولت جماهیر شوروی سوسیالیستی مقیم تهران
سادچیکف^{۴۲}

طرح قرارداد تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی (موضوع بند دوم ابلاغیه مشترک) برای اکتشاف و استخراج نفت در شمال ایران (به استثنای بخشی از آذربایجان غربی)، در ۹ ماده در همان ۱۵ فروردین از سوی «قوام» و «سادچیکف» امضاء و مبادله شد. مدت قرارداد پنجاه سال پیش‌بینی شده بود. در ۲۵ سال نخست، ۴۹ درصد سهام از ایران و ۵۱ درصد از آن شوروی و در ۲۵ سال دوم، نسبت سهام پنجاه - پنجاه بود. ایران هیچ تعهدی بجز واگذاری اراضی موردنیاز شرکت برعهده نداشت و به ایران حق داده شده بود پس از پایان مدت، سهام شوروی را خریداری نماید و یا مدت را تمدید کند.

با امضای این قرارداد، «قوام» در ۲۵ فروردین به «علاء» سفیر ایران در واشنگتن دستور داد شکایت ایران را از شوروی که به مناسبت خودداری از تخلیه آذربایجان در زمامداری «حکیمی» در دی ماه در شورای امنیت مطرح شده بود، پس بگیرد و این برای جلب اعتماد بیشتر دولت شوروی بود. زیرا به گفته «سرکلارمونت اسکیرین»: «قوام می‌دانست اگر اطمینان روسها به او متزلزل شود، همه چیز ممکن است اتفاق بیفتد.^{۴۳}» «قوام» برای جلب اعتماد روسها، گامهای دیگر نیز

۴۲. رک: بیوگرافی قوام السلطنه (جلد ۱، رهبران مشروطه)، نوشته ابراهیم صفائی.

۴۳. جنگ جهانی در ایران، نوشته سرکلارمونت اسکیرین، ترجمه غلامحسین صالحیار،

برداشت. از آن میان، بازداشت شماری از رجال معروف به مخالفت با سیاست شوروی بود که در رأس آنان «سیدضیاءالدین طباطبایی» قرار داشت.

«قوام» برای کنار آمدن با شوروی و حل مشکل آذربایجان، با تدبیر و تهور گام برمی داشت. در داخل ایران، «شاه» و ارتش او را یاری می دادند. در خارج هم دولت آمریکا و انگلیس چندبار به شوروی اخطار کردند و این اخطارها برای شوروی یک هشدار بود.

«قوام» در ۱۸ اردیبهشت، «پیشه‌وری» را به تهران فراخواند و پس از گفتگوی با او، خودمختاری آذربایجان را به یک خودمختاری محدود تبدیل نمود و درحالی که پیشه‌وری عملاً رهبر آذربایجان بود، اسماً یکی از همکاران او به نام «دکتر سلام‌الله جاوید» استاندار آذربایجان شد.

«قوام» برای تقدیم قرارداد نفت به مجلس، ناگزیر بود انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورا را انجام دهد و به منظور دوام حکومت خود نیز کسانی را به مجلس بفرستد که نسبت به او مطیع و وفادار باشند. به این منظور در تیرماه، «حزب دمکرات ایران» را برپا کرد. شماری از میهن خواهان و شماری بیشتر از فرصت طلبان بی عقیده که داعیه و کالت و وزارت داشتند، برای ثبت نام و عضویت در حزب مسابقه گذاشتند. حزب توده و حزب ایران و حزب دمکرات آذربایجان در اندیشه ائتلاف با حزب دمکرات ایران بودند، ولی «قوام» نپذیرفت. محل و مرکز حزب ساختمان و پارک شهرداری (پارک دانشجو) بود. کوشاترین شعبه حزب در راه آهن زیرنظر «خسرو هدایت»، مدیر کل راه آهن برپا شد و مبارزه حزب دمکرات ایران با حزب توده و حزب دمکرات آذربایجان از همه سو آغاز گردید. «قوام» چند وزیر توده‌ای را وارد کابینه کرد (دهم امرداد) و سپس در ۲۵ مهرماه به بهانه آرام کردن قیام جنوب آنان را

کنار گذاشت. فرمان انتخابات دوره پانزدهم، روز چهاردهم مهرماه منتشر شد و قوام گفت برای نظارت در حسن جریان انتخابات نیرو به آذربایجان گسیل خواهد داشت. روز ۲۱ آبان، به فرمان شاه و با نظارت سپهبد رزم آرا رئیس ستاد، ارتش به سوی آذربایجان رفت. شوروی مانع نشد و پس از چند درگیری کوچک در چندجا، روز ۲۱ آذر تبریز به تصرف ارتش درآمد و بساط حکومت نیمه خودمختار دمکراتها (که شوروی آنها را پس از موافقت با قوام به حال خود رها کرد) برچیده شد و انتخابات در سراسر ایران انجام گردید. حزب دمکرات ایران توانست ۷۳ کرسی از ۱۳۶ کرسی مجلس پانزدهم را به دست بیاورد. تمام این افراد قبلاً عضویت حزب را پذیرفته و سوگندنامه و تعهد وفاداری نسبت به قوام و حزب او را امضاء کرده بودند و در هنگام دیدار با قوام، کرنش کنان تا روی زمین خم می شدند و دست او را می بوسیدند، ولی بیشترشان روی پای بندنبودن به اصول اخلاقی به سوگند خویش وفادار نماندند.

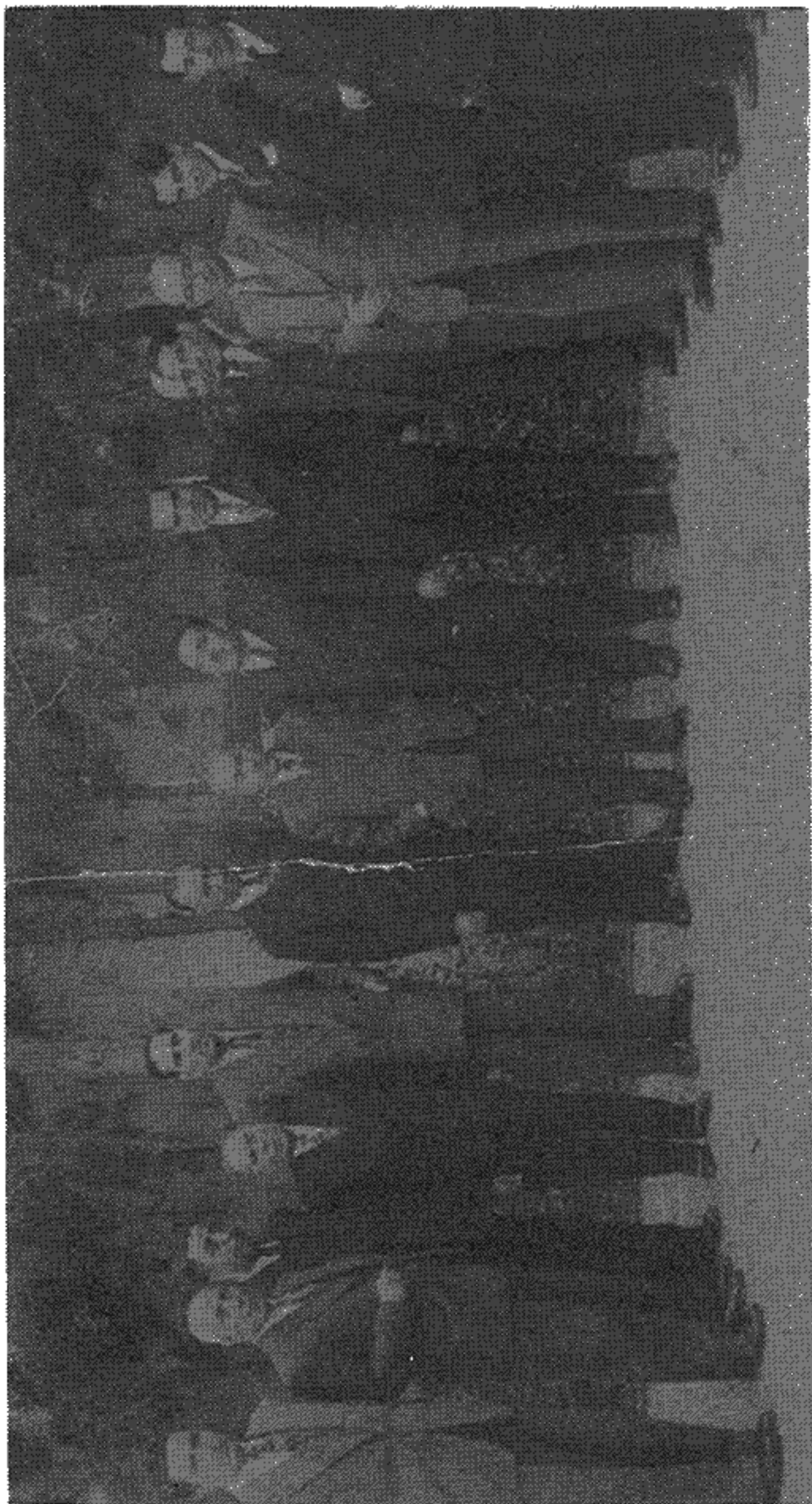
در انتخابات دوره پانزدهم، دولت آشکارا دخالت داشت (نه در همه جا). برخی اشخاص شریف و برخی فرصت طلب با کمک دولت به مجلس راه جستند. در برخی از حوزه‌های انتخابات هم کاندیداهای غیردولتی، کرسیهای مجلس را به دست آوردند. برای نمودار گوشه‌ای از چگونگی دخالت دولت در انتخابات، داستان انتخاب یک نماینده قزوین و یک نماینده اراک را در اینجا یاد آور می شوم.

یک نماینده قزوین در دوره پانزدهم «عسگر صاحب جمع» بود که دولت به او کمک کرد و نفوذ محلی هم داشت، ولی صددرصد دولتی نبود. نماینده دیگر قزوین «نصرالله لاهوتی» بود، مردی بی حال و رئیس

ثبت اسناد قزوین. حزب دمکرات ایران که تشکیل شد، او به تهران آمد و با سابقه آشنایی که با «موسوی زاده» وزیر دادگستری و رئیس کل تشکیلات حزب دمکرات ایران داشت، به قوام معرفی شد و مأموریت تشکیل حزب دمکرات قزوین به او محول گردید. در روزهای پایانی مهرماه، قوام همراه موسوی زاده و مظفر فیروز برای افتتاح حزب به قزوین رفت و شب در ساختمان محل حزب استراحت نمود. «موسوی زاده» آهسته به «لاهورتی» گفت: حضرت اشرف دچار بیماری پروستات می باشند و شبها چندبار به دستشویی می روند، یک نفر را برای راهنمایی جلو ساختمان بگمارید. دستشویی به فرم ساختمانهای قدیم بیرون از ساختمان و توی حیاط بود. «لاهورتی» پس از آنکه همه به خواب رفتند، دو نفر مامور با چراغ توی حیاط گماشت و خودش روی پله، جلو خوابگاه «قوام» نشست، درحالی که یک چراغ قوه قوی در دست داشت، و هرگاه حضرت اشرف برای رفتن به دستشویی بیرون می آمد، برمی خاست و تعظیم کنان حضرت اشرف را راهنمایی می کرد.

فردا بامداد وقتی قوام السلطنه برای بازگشت به تهران، ساختمان حزب را ترک می کرد، لاهوتی چندبار تعظیم بالابلندی نمود. موسوی زاده به «قوام» گفت: آقای لاهوتی مسوول تشکیلات حزب در قزوین و رئیس ثبت قزوین، از فدائیان حضرت اشرف می باشد. «قوام» گفت: مرد خوبی است! و دیشب خیلی به ما محبت کرد. موسوی زاده به قوام گفت: اگر اجازه می فرمایید از قزوین انتخاب شود. «قوام» گفت: بسیار خوب است! و نصراله لاهوتی از قزوین و کیل دوره پانزدهم مجلس شد. اما در سوگند خود نسبت به قوام وفادار ماند و پس از پایان دوره پانزدهم مجلس رئیس کارگزینی ثبت کل اسناد و املاک شد.

در اراک در دوره چهاردهم، «عزت الله بیات» (از خانهای اراک و



عکس دسته جمعی در افتتاح حزب دمکرات در قزوین. از چپ به راست: نصراله لاهوتی، محمود محمود، محمدعلی مسودی، جواد عامری، دکتر عبدالله معظمی، (نفر ششم شناخته نشد)، موسوی زاده، دکتر جلال عبده، دکتر منوچهر اقبال، (نفر دهم شناخته نشد)، عسگر صاحب جمع، غضنفری، (نفر چهاردهم شناخته نشد).

خواهرزاده و داماد دکتر مصدق) و «حسین خاکباز محسنی» (از منتقدین اراک) کاندیدا بودند. «قوم» با انتخاب «خاکباز محسنی» موافق نبود و برای اراک همان عزت‌الله بیات نامزد شد و خاکباز کنار کشید.

در این اوقات، «حسین مکی» یزدی که از فروردین ۱۳۲۵ به توصیه «مظفر فیروز» (معاون نخست‌وزیر)، معاون شهرداری تهران شده و پس از تشکیل حزب دمکرات ایران (تیرماه ۱۳۲۵) عضو کمیسیون تبلیغات حزب شده و سوگندنامه وفاداری به «جناب اشرف» را امضاء کرده و چندماه پیش هم از سوی حزب همراه چند نفر برای تأسیس شعبه حزب چندروز به اراک رفته بود، به فکر وکالت افتاد و در دی‌ماه که انتخابات آغاز شد، به پیشنهاد «موسوی‌زاده» رئیس کمیسیون تشکیلات کل حزب برای وکالت اراک نامزد شد. در اراک کاندیدای محلی دیگری بود بنام «حسین مکی» اهل اراک و از دودمانهای متوسط اراک که در آن شهر بستگان و دوستان بسیار داشت. این «حسین مکی» اراکی که در تهران (سراه امین حضور) دفتر اسناد رسمی داشت، پیش از آغاز انتخابات به اراک رفت و برای موفقیت در انتخابات، خود و بستگان و دوستانش به کوشش برخاستند.

در همان آغاز انتخابات، «حسین مکی» یزدی هم به اراک رفت و مانند دیگر کاندیداهای حزبی از سوی وزارت کشور و دفتر حزب برای کمک به او به فرماندار محل تعلیمات لازم داده شد. «حسین مکی» یزدی که برای مردم حوزه اراک شخصی ناشناخته بود و معروفیت محلی نداشت، در اراک به فعالیت و سخنرانی و تبلیغات پرداخت. «عزت‌الله بیات» و چند متنفذ محلی هم به او کمک کردند. رئیس انجمن نظارت «محمد بیات» هم برادرزاده عزت‌الله بیات بود. بیشتر مأمورین دولت هم

به دستور محرمانه فرمانداری به مکی یزدی رأی دادند و این در حالی بود که بستگان و دوستان «حسین مکی» اراکی رأی خود را به نام او به صندوق می‌ریختند و این رأی‌گیری کاندیدای دوم اراک (دو کاندیدا با یک نام) با مشکلات و درگیری و زدو خورد مردم با پلیس و حتی با دادن چند کشته و زخمی همراه بود.^{۴۴}

با تشابه اسمی و همانندی نام دو کاندیدا، دانسته نبود کدام یک بیشتر رأی داشتند. شاید رأی حسین مکی یزدی که مورد حمایت دولت بود، بیشتر بود. ولی در رأی‌گیری و قرائت و شمارش آراء، تمام آراء به حساب او گذاشته شد.

«حسین مکی» اراکی بازنده انتخابات به تهران بازگشت و به مناسبت نادیده گرفتن آراء خود بر علیه محمد بیات رئیس انجمن نظارت و نیز فرماندار اراک اعلام جرم نمود، ولی موسوی‌زاده رئیس کل تشکیلات حزب (و وزیر دادگستری) او را فراخواند و با تهدید به بستن دفترخانه‌اش، او را ناچار به استرداد اعلام جرم نمود و بدین گونه کاندیدای غیرمحلی حزب دولتی از صندوق انتخابات اراک سر بیرون آورد. همچنانکه «عبداله وثوق» (برادر جناب اشرف) از زابل و «سیدابوالحسن حائری‌زاده یزدی» از سبزوار و... چندی پس از افتتاح مجلس پانزدهم (۲۵ تیر ۱۳۲۶) این نماینده اراک نخستین نماینده‌ای بود که برخلاف سوگند وفاداری، در مجلس به مخالفت با «قوم» برخاست، همچنانکه مهندس رضوی و دکتر بقائی و معظمی و رحیمیان و چند نفر دیگر که همه با حمایت رئیس دولت و حزب دولتی به مجلس

۴۴. روزنامه آرام، ۲۸ فروردین ۱۳۳۱، صفحه ۶۱. زندگی سیاسی خاندان قوام‌السلطنه، نوشته مهدی فرخ، صفحه ۳۱. نقلی بر کتاب سیاه، نوشته دکتر شمس‌الدین امیرعلایی.



احمد قوام (قوام السلطنه) هنگام تقدیم قرارداد نفت به مجلس

www.adabestanekave.com

راه جسته بودند، تعهد اخلاقی و سوگند وفاداری خود را به فراموشی سپردند.

باری مجلس در ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ گشایش یافت. «محمود محمود» به ریاست سنی و سپس با پشتیبانی «قوام»، «رضاحکمت» (سردار فاخر) نماینده شیراز (استاندار سابق کرمان) ۴۵ به ریاست مجلس برگزیده شد و «امیرحسینخان ایلخان» به نیابت ریاست انتخاب گردید و «ملک الشعراء» (محمدتقی بهار) که از تهران انتخاب شده بود، لیدر فراکسیون حزب دمکرات گردید و مجلس از ۲۵ مرداد رسماً آماده کار شد.

«قوام» مطابق رویه پارلمانی استعفاء داد و دوباره فرمان نخست‌وزیری گرفت و روز ۱۹ شهریور دولت خود را معرفی و پس از گرفتن رأی اعتماد، روز ۲۹ مهر موافقت‌نامه نفت را تقدیم مجلس کرد.

رد موافقت‌نامه قوام - سادچیکف و ماده واحده مجلس

قوام هنگام تقدیم موافقت‌نامه نفت، سخنانی ایراد کرد و گفت:

تصور نمی‌کنم وضع گذشته را آقایان فراموش کرده باشند. هنگامی که آذربایجان در آتش طغیان و ناامنی می‌سوخت و نقشه قتل‌عامهای وحشتناک برای آنجا طرح شده بود و تهران مانند حلقه انگشتر در محاصره بود و هراسمت بیم حوادث جدیدی می‌رفت،

۴۵ - حزب دمکرات ایران در کرمان با کوشش سردار فاخر تأسیس شد و دکتر بقایی مسؤول آن حزب در کرمان بود.

من ناچار بودم برای تخلیه ایران و رهایی آذربایجان و جلوگیری از کشتارها، اقداماتی کنم و خود را در آن اقدامات کاملاً مصاب می‌دانم. سپس گفت: آن ساعتی که موافقت‌نامه را امضا کردم، معتقد بودم به صلاح مملکت است و امروز هم معتقدم، اگر مجلس جرح و تعدیلی لازم می‌داند، با دقت کافی در آن مطالعه کند.^{۴۶}

اما مجلس بر اثر فشار سیاست آمریکا و انگلیس (همچنان که طرح تحریم مذاکرات نفت را بی‌مطالعه و بی‌درنگ در یازدهم آذر ۱۳۲۳ تصویب کرده بود)، در این روز هم بی‌مطالعه و بی‌درنگ بی‌آنکه موافقت‌نامه مطرح شود، ماده واحد از پیش آماده شده را که در همان جلسه از سوی «دکتر رضازاده شفق» تقدیم شد با اکثریت ۱۰۲ رأی از ۱۰۴ رأی تصویب نمود و موافقت‌نامه قوام - سادچیکف را به بهانه عدم انطباق با قانون ۱۱ آذرماه ۱۳۲۳ رد کرد و در ذیل ماده واحد دولت را مأمور استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب نمود^{۴۷} و حسن نیت قوام را هم ستود.

با رد موافقت‌نامه قوام - سادچیکف، «حملات شدید رادیو مسکو و روزنامه‌های شوروی» و اعتراض آن دولت علیه ارتجاع ایران و شخص «قوام» (که می‌گفتند برای رد موافقت‌نامه نفت با نمایندگان تباری کرده‌است)^{۴۸} آغاز شد. «سادچیکف» نامه شدیدی به «قوام» نوشت و

۴۶. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶.

۴۷. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶.

۴۸. محمدعلی مسعودی و کشاورز صدر دو نماینده دوره پانزدهم (که با کمک «قوام» به مجلس راه یافته و نسبت به او وفادار ماندند) می‌گفتند: «قوام» پیش از تقدیم قرارداد نفت ایران و شوروی به مجلس، به برخی از نمایندگان گفته بود: من اصراری ندارم که شما رأی موافق بدهید، رأی مخالف هم بدهید، ایرادی ندارد.

رد موافقت‌نامه نفت را توطئه امپریالیست آمریکا و انگلیس دانست. «جرج آلن» سفیر آمریکا در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۷ (۱۹ شهریور ۱۳۲۶) یعنی همان روز که قوام دولت جدید خود را به مجلس معرفی کرد، در یک مصاحبه آشکارا گفت: آمریکا از مخالفت ایران با واگذاری امتیاز نفت کاملاً پشتیبانی خواهد نمود! و چندروز پس از آن «مارشال» وزیر خارجه آمریکا طی نامه‌ای به «حسین علاء» سفیر ایران در واشنگتن سخنان «آلن» را تأیید کرد و نوشت: اگر مخالفت ایران با واگذاری امتیاز نفت به شوروی منجر به نتایج ناگواری هم گردد، آمریکا از ایران پشتیبانی خواهد نمود! «علاء» هم این موضوع را فوری به قوام اطلاع داد.^{۴۹}

سخنان «آلن» و نامه «مارشال» گواه است که رد موافقت‌نامه شرکت مختلط نفت ایران و شوروی، پیش از آنکه در مجلس ایران عرضه شود، از سوی دولت آمریکا به دربار و مجلس ایران توصیه شده بود و شوروی با بودن سازمان بزرگ شرکت نفت انگلیس و ایران و بهره‌برداری بزرگی که انگلیس از نفت خوزستان داشت، این تصمیم مجلس ایران را نسبت به خود خصمانه می‌دانست. در این راه انگلیس هم رویه‌ای هماهنگ با آمریکا داشت ولی دخالت او مانند آمریکا فاش و بی‌پروا نبود. آمریکا با ادعای حمایت از حقوق ملت‌های ضعیف، در صدد تثبیت سلطه خود بر جهان بود. «علاء» سفیر ایران در آمریکا که با مقامات سیاسی آن کشور مناسبات نزدیک داشت، پس از حل مشکل آذربایجان و قریب یکسال پیش از آنکه «قوام» موافقت‌نامه تأسیس

۴۹. گزارش مورخ ۱۳۲۹/۸/۱۶ نخست‌وزیری به دفتر مخصوص پنجاه سال نفت ایران، تألیف مصطفی فاتح، صفحات ۳۸۰ و ۳۸۱.

شرکت مختلط نفت ایران و شوروی را به مجلس بدهد، در اول دی ماه ۱۳۲۵ از واشنگتن برای «قوام» نامه‌ای نوشته که درخور توجه می‌باشد. در نامه «علاء» بجز پیشنهادهای و توصیه‌ها درباره مطبوعات و تقسیم املاک روستایی و اصلاحات اداری و اجتماعی و تأسیس انجمنهای ولایتی و ایالتی و اعلام خطر درباره واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی و نیز مسائل مربوط به سفارت ایران در واشنگتن، دو نکته مهم از سیاست نفتی آمریکا در ایران تصریح شده است. یکی مردود بودن قرارداد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی، که روز ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ در مجلس بی‌درنگ بدون هیچگونه بحث و گفتگویی رد شد، دیگر اینکه از همان سال متخصصین نفتی آمریکا («هوور») - مشاور امور نفتی رئیس‌جمهور آمریکا - و «کرتیس»^{۵۰} (که در ۱۳۲۳ هم به ایران آمده بودند) به دستور مقامهای مسؤول دولت آمریکا برای نفت ایران طرحی تهیه کرده بودند و شاید این همان طرحی بود که چهار سال بعد با جلای فریبنده «ملی شدن نفت» آشکار شد. به جز این سند مهم که طرح از پیش آماده شده آمریکا را برای رد قرارداد شوروی و استفاده از نفت ایران آشکار می‌کند، «مایکل بروکس» نویسنده سیاست‌گرای انگلیسی دو سال پس از آن تاریخ در کتابی زیر عنوان «نفت و سیاست خارجی» که در سال ۱۹۴۹ در لندن به چاپ رسانید، از فشار شدید آمریکا و انگلیس برای رد موافقت‌نامه نفت ایران و شوروی بیشتر پرده برداشت و نوشت:

۵۰. آمریکا که پس از جنگ اول جهانی به صدد دست یافتن به منابع نفتی خلیج فارس و خاورمیانه برآمد، قبلاً هم از سال ۱۳۰۱ این هدف را در ایران دنبال کرد و سرانجام قرارداد کمپانی سینکлер برای استخراج نفت شمال ایران در خردادماه ۱۳۰۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و تعهد کرد ده میلیون دلار به ایران وام بدهد. ترتیب این قرارداد و وام را «شوستر» مشاور سفارت ایران در واشنگتن با همکاری «حسین علاء» وزیرمختار

«مردم ایران باید در فقر و تیره‌روزی و عقب‌ماندگی بمانند و منابع عظیم ثروتشان همچنان در دل خاک مدفون باشد، چون استعمار غرب چنین می‌خواهد». اینک متن نامه علاء:

سفارت ایران در واشنگتن - اول دی‌ماه ۱۳۲۵

قربانت شوم، سه نفر از هیات اقتصادی امریکایی امروز حرکت می‌کنند. امید است که با ورود آنها و رسیدن نایب‌رئیس شرکت «امریکن نودسن» در اوایل ژانویه سال نو فرنگی منظور جناب اشرف عالی در پیشرفت اصلاحات و تهیه اعتبارات حاصل شود. حالا که بحمداله بعلت...^{۵۱} سیاست مقاومت در حفظ استقلال و تمامیت ایران از يك طرف و مراجعه و اظهار اتحاد از طرف دیگر به... امنیت در آذربایجان موفقیت حاصل شده و مزدوران خارجه در مرکز و ولایات پنهان شده‌اند... وقت است که دموکراسی و آزادی حقیقی، نه دموکراسی به معنی دیکتاتوری در داخل کشور برقرار و... انجمنهای بلدی و ایالتی را در تمام استانها امر فرمایند انتخاب شوند. جراید را به شرط اینکه در حدود قوانین و بدون توهین به افراد در حفظ مصالح کشور مقاله بنویسند، اجازه انتشار خواهند داد و اگر خلافی کردند، جدا در محاکم تعقیب و تنبیه شوند. اراضی خالصه را به رعایا تقسیم و حتی تشویق

ایران در آمریکا داده بود، ولی این قرارداد با مخالفت پنهانی انگلیس روبرو شد و در تهران حادثه سقاخانه شیخ هادی و قتل «ماژر ایبری» کنسول آمریکا را در پی داشت (۲۷ تیرماه ۱۳۰۳) و سرانجام قرارداد موقوف ماند. کمپانی «استاندارد اویل اف نیوجرسی» امریکایی هم با همان شرایط «سینکлер» با ایران وارد گفتگو شده بود، ولی بر اثر مخالفت انگلیس منصرف شد. چون اندیشید که بر فرض حفاری و استخراج نفت راهی برای صدور نفت ایران ندارد، چون در بندرهای جنوبی ایران شرکت نفت ایران و انگلیس و در بندرهای شمال روسها که بر سراسر دریای خزر تسلط دارند، اجازه صدور نفت به کمپانی امریکایی نخواهند داد. بهخصوص که شوروی خود را وارث امتیاز «خوشتاریا» نسبت به نفت شمال ۵۱. در نامه علاء جای چند کلمه ناخوانا، نقطه‌چین شد.

خواهند فرمود که املاك وسيع به خرده مالك فروخته شود.^{۵۲} تمام اقداماتی که در رفاه حال مردم و اصلاح امور و بسط عدالت و آبادی مملکت می فرمایید فوراً به مخبرین جراید آمریکا و انگلیس اطلاع خواهید داد که به لندن و نیویورک تلگراف کرده، تبلیغات دروغ مسکو را خنثی نمایند.

تمام ادارات دولتی محتاج به اصلاح و تشکیلات جدید و تخفیف عده کارمندان می باشند، ریشه رشوه و تقلب را کنده، همه جا اشخاص درستکار و صدیق بگمارید که خود را خدمتگزار ملت، نه آقای مردم بدانند. به عقیده بنده، نه بنگاه فرهنگی ایران و انگلیس و نه شورای روابط فرهنگی سویت (شوروی) و ایران مفیدند، بلکه برعکس در تحت این عنوان تبلیغات مضره به عمل می آید و رقابت... همسایه شدیدتر می شود. شما بتوانید هر دو را موقوف سازید، بهتر است. حالا که حزب توده از میان رفته، البته نخواهید گذاشت «حزب اراده ملی» مجدداً به وجود آید.^{۵۳}

ایران می دانست. شرکت «ترنس کننتینانتال» آمریکایی هم که در چند کشور آمریکای جنوبی امتیازات و تأسیسات نفتی داشت، در ۱۳۰۴ به فکر امتیاز نفت در شمال ایران افتاد و «پاریوت» یکی از مدیران شرکت با سفارت ایران در واشنگتن وارد گفتگو شد، ولی سرانجام بر اثر برخورد با همان رقابتها و مشکلاتی که اشاره شد، آن شرکت هم از تحصیل امتیاز نفت در ایران منصرف گردید. در ۱۳۱۵ هم يك قرارداد برای واگذاری امتیاز نفت شمال و شرق ایران از سوی «داور» وزیر دارایی با «شارل کارلر هارت» و «فردریک گاردنر» نمایندگان يك شرکت نفتی آمریکایی به امضاء رسید و در یازدهم بهمن ماه در مجلس تصویب شد و داور در پانزدهم بهمن ماه، خودکشی کرد و آن قرارداد هم موقوف ماند. رابطه خودکشی داور با امضاء و تصویب آن قرارداد، یکی از رازهای پوشیده تاریخ است که پی بردن به آن محتاج به تهیه اسناد و يك تحقیق دقیق می باشد.

۵۲. منظور همان اصلاحات ارضی است که با توصیه کندی از بهمن ۱۳۴۱ در سراسر ایران به اجراء درآمد.

۵۳. حزب اراده ملی، حزبی که «سیدضیاءالدین طباطبایی» برای جلوگیری از نفوذ و خرابکاری حزب توده تأسیس کرد و از فروردین ۱۳۲۵ با بازداشت سیدضیاءالدین تعطیل گردید و يكبار هم در تابستان ۱۳۳۱ در خیابان نادری آغاز به کار کرد و از دولت دکتر مصدق انتقاد می نمود، ولی سیدضیاءالدین پس از يك ماه به توصیه شاه، حزب را تعطیل نمود.

مطلبی که با افتتاح مجلس کسب اهمیت خواهد نمود، موضوع نفت است. شکی نیست تاسیس شرکت مختلط شوروی... کاملاً به ضرر سیاسی و اقتصادی ما تمام می شود. مداخله تبلیغات روس در تمام شمال ایران بسط پیدا کرده، اسباب زحمت ما خواهد شد. تمام عناصر فاسد را استخدام کرده، به وسیله مهندسين و... متخصصین باز مراکز فتنه و ستون پنجمی تشکیل خواهند داد. چند راه به نظر بنده می رسد. برای جلوگیری از این خطر، به طوری که مکرر عرض کرده ام، صلاح ایران در این است که موضوع استکشاف و استخراج نفت را تحت نظر شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به يك شرکت بین المللی واگذار نمایم که هم مصالح ما محفوظ بماند و هم نفت به کشورهای که احتیاج دارند، به طریق تجارتي و بدون ملاحظه سیاسی برسد. طریق دیگر آنکه مطابق قانون شرکت ایرانی نفت تاسیس و با کمک فنی و مالی شرکتهای نفت خارجی عمل کرده، نفت استخراجی زائد بر احتیاجات داخلی ایران را به خارجه بفروشند. در هر حال شرایط اجازه کشف و استخراج نفت باید خیلی دقیق و جدی باشد. مطابق قانون نفت «ونزوللا» و طرحی که متخصصین امریکایی «هوور» و «کرتیس» برای دولت ایران ریختند.

به طوری که تلگرافاً استدعا کردم، اقتضا دارد باقی حق الزحمه مشاورین حقوقی سفارت را که صادقانه و ماهرانه خدمت به ایران کردند، قبل از آغاز سال فرنگی مقرر فرمایید حواله شود. همچنین طلب سفارت بابت مخارج متفرقه مربوط به شورای امنیت، کله گزاری عادت بنده نیست و حتی المقدور سعی دارم تقاضایی از مسؤولین نمایم، ولی حقیقتاً هیچ توجهی از طرف وزارت خارجه و هیات وزرا، به احتیاجات ضروری این سفارت تا به حال نشده، نه کارمندان کافی می فرستید، نه حقوق مناسب سطح زندگانی آمریکا که روز به روز به ترقی می رود، می پردازید. تمام درخواستهای اینجانب راجع به اضافه بودجه و اعتبار برای تبلیغات و خرید اثاثیه



حسین علاء

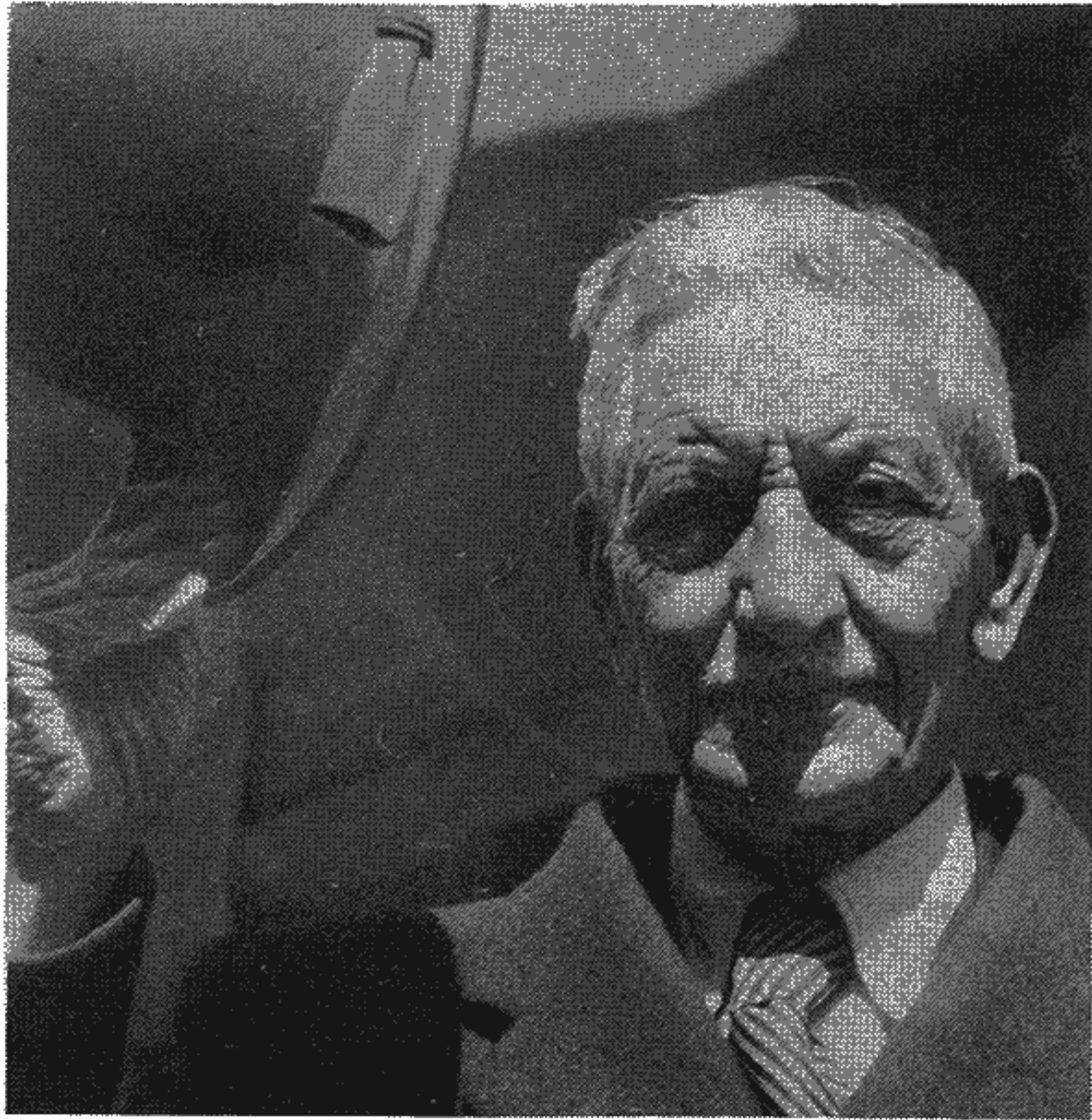
و غیره با کمال بی‌اعتنائی تلقی می‌شود، در صورتی که به سفارت لندن و پاریس و آنکارا و مسکو و مصر هم اعضای کافی، بلکه زائد بر احتیاج می‌دهند، هم اعتبار زیادتر برای مخارج نمایندگی و مصارف و غیره تادیه می‌کنند. کار ما خیلی زیادتر از سایر مأموریتها است و انصاف نیست با کسی که در انجام وظیفه، شب و روز زحمت کشیده و مزاج خود را از دست داده، این طور معامله نمایند. حالا که قدری فراغت از امور مهمه سیاسی حاصل فرمودید، در اصلاح احوال سفارت واشنگتن اندکی توجه فرمایید، زیرا که بیش از این تحمل و حوصله آلودگی برای مخلص مقدور نیست.

پذیرایی و مهمانی در سفارت که از اهم وظایف مأموریتی است، با نداشتن ظروف و بلور و نقره‌آلات و مبل و اثاثیه، بنده را مجبور کرد مقداری اسباب و لوازم ضروری به نسیه از مغازه‌های معتبر بگیرم، به امید دریافت اعتبارات درخواستی و حالا موعد پرداخت قیمت این اشیاء رسیده است. یقین دارم نخواهید گذاشت این وضع نامطلوب ادامه پیدا کند. ایام شوکت برقرار باد. حسین علاء. ۵۴

پی‌گیری کار نفت و سقوط دولت قوام

پس از رد موافقت‌نامه نفت، «قوام» برای استیفای حقوق ایران از نفت جنوب، به «هژیر» وزیر دارایی مأموریت پی‌گیری این کار را داد. اما توطئه‌ها از سوی سیاست خارجی و داخلی و دربار و مجلس برضد او آشکار گردید. اعلام جرم‌ها، استیضاح‌ها، یکی پس از دیگری بر علیه او در مجلس مطرح شد. چون او نقش خود را ایفا کرده و دیگر حضور او در پهنه سیاست ایران با قدرت و غروری که داشت به دلخواه هیچ‌یک از مقام‌های یادشده نمی‌بود و اعتماد سیاست شوروی هم پس از رد موافقت‌نامه نفت از او سلب شده بود. سرانجام کار توطئه به آنجا رسید

۵۴. اصل نامه علاء در اختیار حسین قوام (فرزند قوام السلطنه) بود.

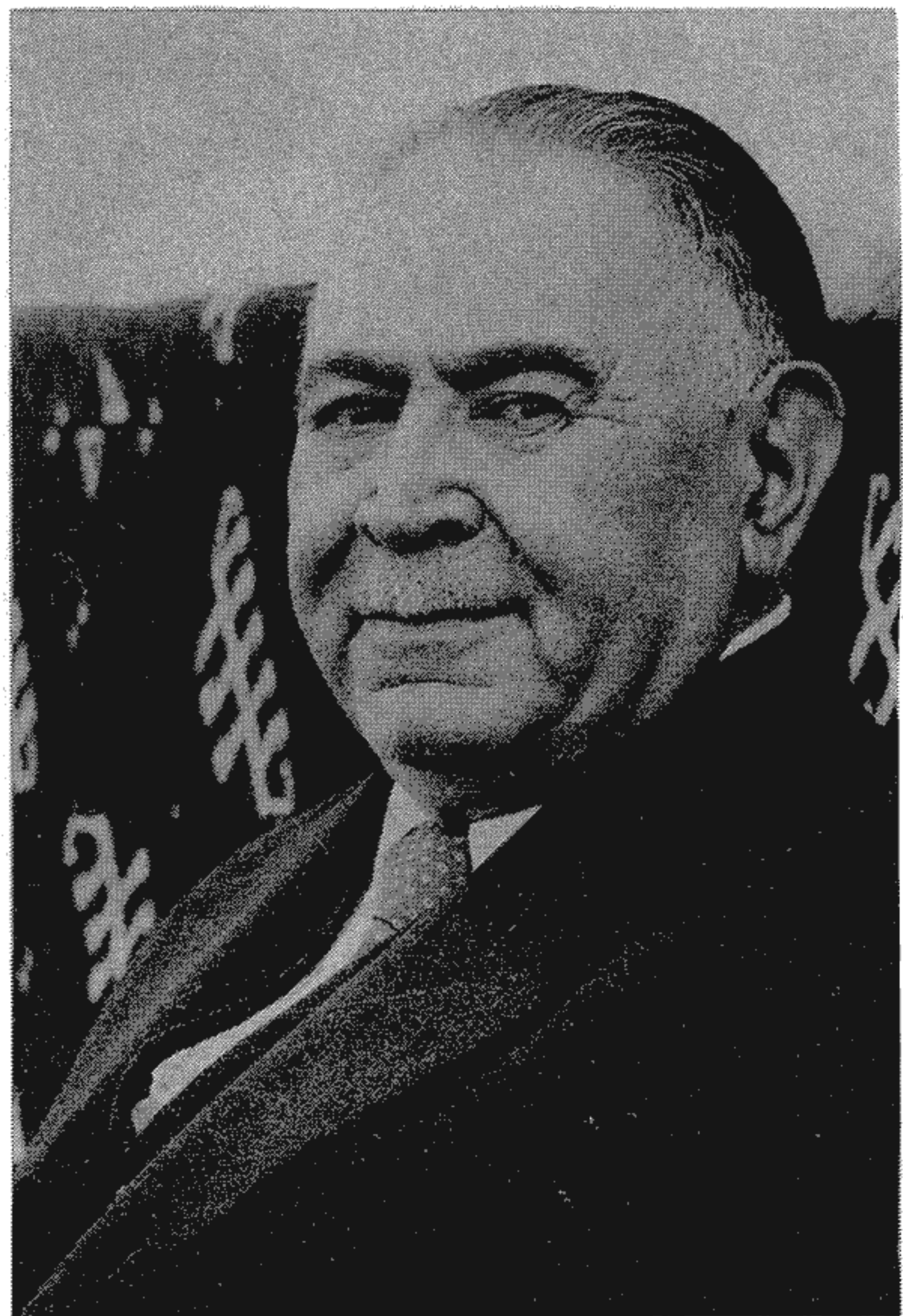


ابراهيم حكيمى (حكيم الملك)

خود را سزاوارت آنگاه نشد : نه کارمندانی گمانی نبوده نه حقون مناسب
 سطح زرگانان برنگان که خود برودند بود سرقی سرودند بر بلادن تمام در ظاهر
 ابلان - مایع با نماند بورد و با بر نظر در با کجای با کجای استناد بعضی
 حیلک در هر کجای به نماند نشد و با بر و انکار و ذکر و سر ایستادگان
 بکنند و در بر این مایه هفتاد هم تنها بر او که سرودند و با کجای
 و غیره یاد بر نشدند کار ما علم بر خود روزگار بر سر با نماند و با نماند
 نه آنگاه و نشدند شب و روز در کجای و نماند و نماند و نماند
 معاند نیز نه . و که قدر فرغت از هر همه سیاسی و سر فرود در نماند
 سعادت و سنگین از آنکه در همه فرسخ از یک سر زان تا خمر و جرمه و او در کجای
 مفسر شده در نماند . نیز بر آنکه در نماند در نماند که از آنم در نماند
 با نماند این طرف و بماند آمدت و بماند و با نماند نماند را بماند در نماند
 دلوانه سرودند و نماند نماند نماند نماند نماند نماند نماند
 و نماند سرودند بر نماند نماند نماند نماند نماند نماند نماند
 انقضای نماند نماند نماند نماند نماند نماند نماند نماند



ابوالقاسم نجم (نجم الملك)



محمود جم (مدير الملك)



عبدالحسین هژیر

«گس» تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۳۳ را نپذیرفت و به لندن بازگشت و دولت «حکیمی» در ۱۸ خرداد ۱۳۲۷ سقوط کرد. پس از سقوط دولت حکیمی، «عبدالحسین هژیر» در ۲۵ خرداد به زمامداری برگزیده شد. گرچه «آیت‌اله کاشانی» با زمامداری هژیر مخالفت کرد و از سوی پیروان او تظاهراتی چند برضد هژیر برپا شد، ولی «هژیر» در جلسه هشتم تیرماه از مجلس رأی اعتماد گرفت و با همه کارشکنی‌هایی که از سوی گروه‌های چپ و راست در خارج از مجلس در کار دولت انجام می‌شد، «هژیر» از همان آغاز کار موضوع نفت را پی‌گیری کرد و به دستور او کارشناسان اقتصادی در اداره نفت وزارت دارایی با همکاری نظام‌الدین امامی و دکتر حسین پیرنیا (دو کارشناس امور نفتی ایران) با سرعت پرونده نفت را رسیدگی کرده و گزارشی درباره موارد اختلاف و تخلفات شرکت نفت، انگلیس و ایران تهیه کردند، هژیر شخصاً آن گزارشها را مورد رسیدگی قرار داد و با نظر او یک طرح ۲۵ ماده‌ای از تخلفات شرکت و موارد اختلاف تهیه شد و پس از بررسی در هیأت دولت، «هژیر» با اعلام موارد تخلف، از شرکت نفت خواست نمایندگان خود را برای گفتگو درباره موارد اختلاف براساس قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ به وزارت دارایی معرفی کند.

در روزهای آغازین مهر ۱۳۲۷، «مستر گس» همراه چند مشاور و کارشناس به تهران آمد و پس از چندین جلسه گفتگو (از ۸ تا ۲۱ مهر)، یادداشتی که حاوی همان طرح ۲۵ ماده‌ای بود به او تسلیم شد و او هم با در دست داشتن این طرح که پیشنهاد دولت هژیر بود، به لندن بازگشت که گزارش لازم به مدیران شرکت نفت بدهد و اعلامیه‌ای هم به همین مضمون در تهران انتشار داد و وعده داد پس از سه ماه، با پاسخ مدیران شرکت به ایران بازگردد.

متن طرح ۲۵ ماده‌ای

به‌مناسبت شروع مذاکرات مقدماتی با نمایندگان شرکت نفت ایران و انگلیس برای اجرای بند «ه» از قانون مصوب ۲۹ مهر ۱۳۲۶، مواردی را که دولت ایران عجزاً مشمول مقررات بند مزبور دیده‌است، به قرار ذیل توضیح می‌نماید.

۱. به‌موجب قسمت (۵) از ماده دهم امتیازنامه ۱۳۱۲، قطع نظر از توافقهایی که در خلال احوال حاصل شده‌است، آن مقدار لیره‌ای که به‌وسیله آن شرط تضمین طلا برای دولت تامین می‌شود، به دولت پرداخت نگردیده‌است.
۲. حصة دولت ایران از منافع سالیانه شرکت نمی‌بایستی مشمول مقررات مالیات بردرآمد دولت انگلستان می‌شد و آنچه به این ترتیب از حصة دولت ایران کسر شده، بایستی جبران شود.
۳. محدودیت میزان سود سهام شرکت به استناد دستور دولت انگلستان در مورد بیست درصد دولت ایران از منافع شرکت بایستی نافذ باشد.
۴. به‌موجب ماده ۲۱ امتیازنامه ۱۳۱۲ شرکت بایستی هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت ایران را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی که موجب زیان دولت باشد، ننماید و حال آنکه در مورد قراردادهای فروش که شرکت با بحریه و هواپیمایی انگلستان و شرکتهای امریکایی منعقد نموده‌است، از این لحاظ که معامله به نرخ عادلانه روز انجام نگرفته، حق دولت نسبت به بیست درصد از منافع شرکت تضییع شده‌است.
۵. حقوق ایران از بابت مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف شده، پرداخت نشده و بایستی پرداخت گردد.
۶. نظارت در اجرای بند (۱) از ماده ۱۶ و ۲۱ امتیازنامه ۱۳۱۲ و سهم دولت در سود توزیع شده و در ذخایر شرکت (ذخیره عمومی

و ذخیره افت و استهلاك) ایجاب می‌نمود که دولت ایران بتواند به دفاتر و محاسبات شرکت رسیدگی کند و از معاملات و تصمیماتی که در حقوق ایران مؤثر است، قبلاً اطلاع حاصل نماید.

۷. به استناد ماده ۲۱ امتیازنامه ۱۳۱۲ و بنابه اختیارات قانونی دولت ایران، تصفیه مواد نفتی باید در داخله ایران عمل آید.
۸. بایستی ترتیبی برای حق دولت در انقضای مدت امتیاز نسبت به تاسیساتی که با وجوه شرکت در خارج از ایران ایجاد می‌شود، داده شود.
۹. تعیین تکلیف قیمت فروش کلیه مواد نفتی در داخله مملکت ایران، از لحاظ آنکه آنچه در این باب در امتیازنامه ۱۳۱۲ نوشته شده‌بود، عملاً از بین رفته‌است.
۱۰. توسعه کافی تاسیسات پخش نفت مورد تقاضا است.
۱۱. اجرای طرحی که در آبان‌ماه ۱۳۲۶ به استناد مواد ۱۶ و ۱۷ امتیازنامه ۱۳۱۲ به شرکت تسلیم شده‌است، درباره تقلیل مستخدمین خارجی و بهبود وضع کارمندان و کارگران ایرانی.
۱۲. جلوگیری از اتلاف گاز به‌وسیله مصرف در عملیات شرکت و لوله‌کشی به شهرها برای مصرف اهالی و یا نگاهداری آن در چاهها به استناد مواد ۱۲ و ۲۱ امتیازنامه ۱۳۱۲.
۱۳. پرداخت مالیات بردرآمد مقاطعه‌کاران خارجی طبق قانون کشور.
۱۴. بیمه مؤسسات شرکت نفت در ایران نزد شرکت بیمه ایران.
۱۵. در موقع اصلاح امتیاز داری، دو مطلب بیش از سایر مطالب مورد توجه طرفین بوده‌است، از طرف دولت ایران حق‌الامتیاز و از طرف شرکت مدت امتیاز. در موقعی که هنوز امتیاز داری مجری بوده، با کمتر از چهار میلیون تن صادرات و فروش سالیانه در حدود یک میلیون و نیم لیره طلا حق‌الامتیاز به دولت می‌رسید و بدین حساب به‌موجب مقررات امتیاز داری با

قریب هجده میلیون تن صادرات و فروش سالیانه متجاوز از شش میلیون و نیم پوند طلا حق الامتیاز دولت می‌شود و حال آنکه عمل شرکت با امتیازنامه ۱۳۱۲ طوری بوده‌است که با هجده میلیون تن صادرات و فروش، حق الامتیاز دولت از شش میلیون و نیم پوند طلا خیلی کمتر است و با این وصف معلوم نیست در موقع فسخ امتیاز داری در قبال تمدید مدت امتیازنامه ۱۳۱۲، به دولت ایران چه عاید شده‌است؟ نکته دیگری که در موقع این مقایسه باید طرف توجه قرار گیرد، این است که به موجب امتیاز داری در خاتمه مدت امتیاز، کلیه دارایی و مؤسسات شرکت در هر جای دنیا که بود به ایران تعلق می‌گرفت و حال آنکه در امتیاز ۱۳۱۲ این قید نسبت به دارایی شرکت در ایران شده‌است.^{۵۶}

۱۶. مبلغ چهار شیلینگ در هر تن در سال ۱۹۳۳ معادل یک‌هشتم قیمت نفت خام ایران بوده‌است و حال آنکه فعلاً با صرف طلای آن برطبق محاسبه شرکت، کمتر از یک شانزدهم شده است و به این ترتیب مجموع حق الامتیاز دولت ایران به نسبت کل نفت استخراج شده در ایران در سال ۱۹۳۳، در حدود سی و سه درصد بوده و در سال ۱۹۴۷ فقط در حدود نه درصد. اگر حق الامتیاز دولت ایران طبق امتیازات کشور ونزولا دریافت می‌گردید، بالغ بر ۲۲ میلیون لیره می‌شد. یعنی متجاوز از سه برابر شرکت نفت عراق می‌تواند تا شش شیلینگ طلا حق الامتیاز دریافت دارد و این مبلغ نیز با در نظر گرفتن قیمت عادلانه بیش از سه برابر حق الامتیازی است که تاکنون به دولت ایران پرداخته شده‌است. برطبق امتیاز جدید، در کویت نیز حق الامتیاز دریافتی سه برابر ایران است. از

۵۶. در ذیل فصل ۱۴ قرارداد داری نوشته شده است: «پس از پایان مدت، اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت جهت استخراج و انتفاع معادن، متعلق به دولت ایران خواهد بود. این شرط شامل «دارایی شرکت در هر کجای دنیا» نمی‌شود و شرکت هم در سالهای آغازین «اسباب و ابنیه و ادوات برای استخراج و انتفاع معادن نفت» جز در ایران، در جای دیگر نداشته است».

ارقام فوق و مخصوصاً با مذاقه در قسمت ۱۷ این یادداشت، به خوبی آشکار است که حق الامتیاز ایران به هیچ وجه عادلانه و منصفانه نیست.

۱۷. کم و کیف معافیت‌های مالیاتی و گمرکی مورد محاسبه دقیق و تعیین تکلیف قطعی باید قرار گیرد. به این معنی که مالیات بردرآمد شرکت برطبق قانون مالیات بردرآمد ایران برای سال ۱۹۴۷ بالغ بر ۱۲ میلیون لیره می‌گردد و از طرف دیگر برطبق مقررات مملکتی در هر یک از سنوات ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ حقوق و عوارض گمرکی اشیاء و اجناسی که شرکت به ایران وارد کرده یا از ایران صادر کرده‌است، در حدود هفده میلیون لیره است. توضیحاً علاوه می‌نماید که شرکت در سال ۱۹۳۳ از بابت مالیات بردرآمد مبلغ ۲۷۲،۴۱۲ لیره به دولت ایران و ۳۰۵،۴۱۸ لیره به دولت انگلستان پرداخته است و حال آنکه مالیات دولت ایران ۷۶۵،۴۰۵ لیره و مالیات انگلستان ۱،۵۲۶،۶۶۵ لیره بوده‌است.

۱۸. تبدیل حصه ایران از ذخایر شرکت به سهم شرکت، نظیر معامله‌ای که با صاحبان سهام شرکت می‌شود.

۱۹. استفاده از یک قسمت از اسعار حاصله از فروش مواد نفتی در دنیا.

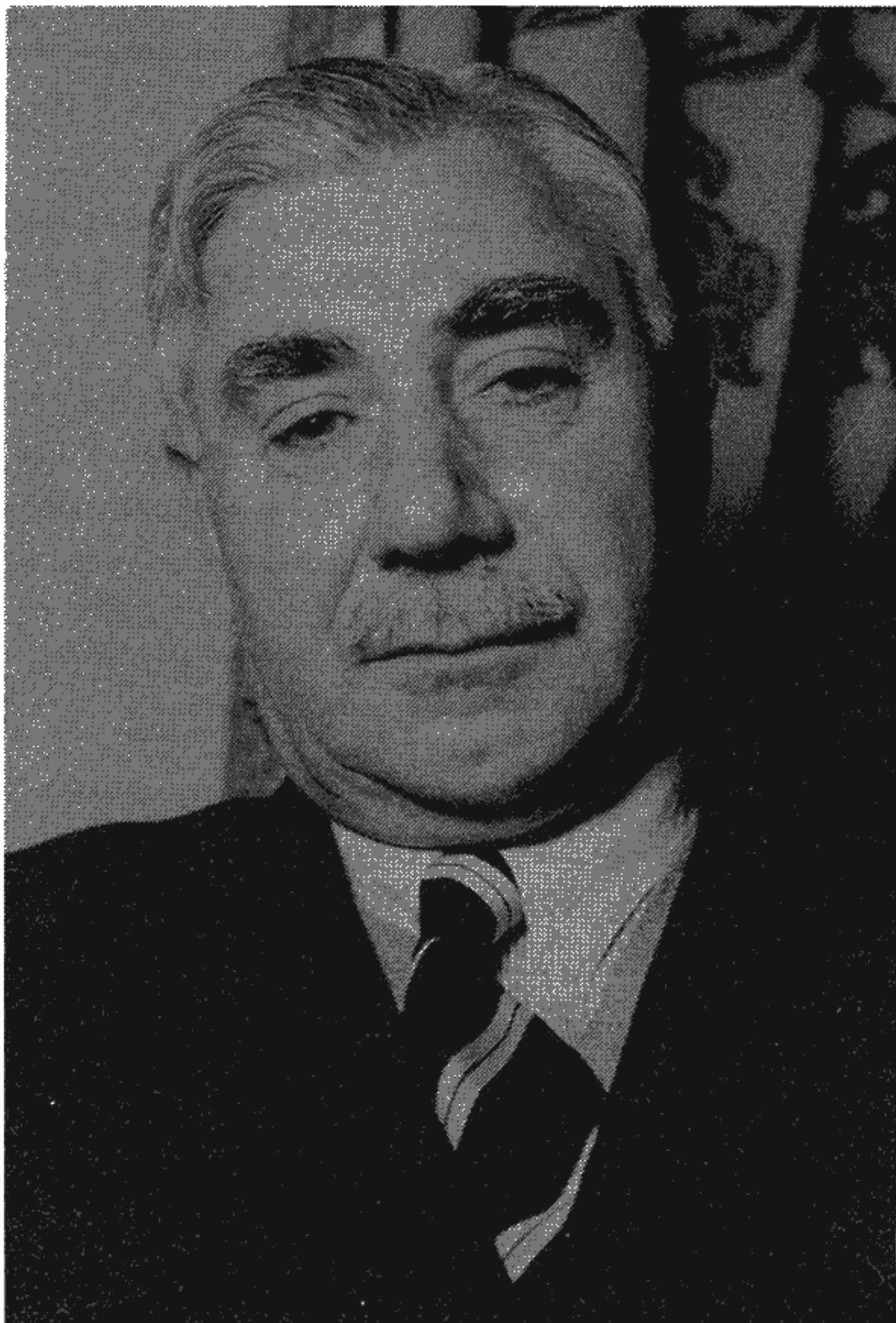
۲۰. تعیین ترتیبی که به موجب آن شرکت مواد نفتی را در اختیار دولت یا اتباع ایران خواهد گذاشت.

۲۱. اتخاذ تدابیر عملی برای تأمین منافع و حقوق ایران در نفت شاه به مناسبت مجاورت با نفت‌خانه.

۲۲. تعیین مقرراتی که شرکتهای غیرتابعه بایستی مشمول آن باشند.

۲۳. ضرورت موافقت ایران به تغییراتی که در اساسنامه ۱۹۳۳ به عمل آمده یا می‌آید.

۲۴. روشن نمودن وضع ذخایر و تعیین حقوق دولت به طور دقیق.



محمد ساعد مراغدهای

۲۵. کم‌وکیف و حدود و قیود استفاده از خطوط هواپیمایی و تلفنی و تلگراف و بندرسازی و غیره، باید مورد موافقت قرار گیرد. ۵۷

در شهریورماه، «هژیر» از مجلس اجازه خواست چند متخصص نفت از اتباع کشورهای اروپایی برای مشاوره در مورد اجرای قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ استخدام کند. یکی از این کارشناسان «پروفیسور ژیدل» فرانسوی بود.

سقوط دولت هژیر

دولت هژیر در برابر تحریکات و مخالفتها و کارشکنیها و نیز استیضاحهای پیاپی در مجلس، تاب مقاومت نیاورد و در ۱۶ آبان ۱۳۲۷ استعفا داد و مجلس در هجدهم آبان به زمامداری «ساعد» رأی داد و «ساعد» در ۲۵ آبان دولت خود را معرفی کرد. ۵۸

دولت «ساعد» در حالی که با تنظیم کار برنامه هفت‌ساله و رویداد ۱۵ بهمن و سوءقصد به شاه در دانشگاه و برچیدن حزب توده و تشکیل مجلس مؤسسان دوم و پاسخگویی به استیضاح چند نماینده شهرت طلب و تصفیة سازمانهای دولتی درگیر بود، با اجرای انتخابات دوره شانزدهم روبرو شد. دوره پانزدهم در ششم امرداد ۱۳۲۸ پایان می‌یافت و در این فاصله، نمایندگان شرکت نفت (به ریاست مستر گس) که در ماه پایانی

۵۷. نقل از صورت مذاکرات کمیسیون مخصوص نفت (با حذف عبارات زاید).

۵۸. در جریان انتخابات دوره ۱۶ در تهران در روز ۱۳ محرم (۱۰ آبان ۱۳۲۸) «عبدالحسین هژیر» وزیر دربار در مراسم سوگواری ماه محرم در مدرسه سپهسالار به دست یکی از فدائیان اسلام کشته شد و با ایجاد محیط وحشت، آراء تهران باطل اعلام گردید و پس از تجدید انتخابات با کمک سرلشکر زاهدی (رئیس شهربانی) مصدق و چند تن از یاران او برنده انتخابات دوره شانزدهم در تهران شدند.

زمامداری «هژیر» با طرح ۲۵ ماده‌ای او برای گفتگو با مدیران شرکت به لندن بازگشته بودند، با طرح و نظریات شرکت نفت به تهران آمدند. «ساعد» دو کارشناس مالی و اقتصادی فرانسوی را به نام «پروفیسور ژیدل» (که از سوی هژیر به ایران دعوت شده بود) و «ژان روسو» برای سه ماه استخدام کرد و شورایی زیر نظر «عباسقلی گلشائیان» وزیر دارایی با شرکت «عدل وزیر مشاور» و «نظام‌الدین امامی کمیسر نفت ایران در لندن» و «نصرالله جهانگیر» و «دکتر حسین پیرنیا» و دو کارشناس فرانسوی نامبرده در وزارت دارایی تشکیل داد. در این شورا رایزنیها و بررسیها و گفتگوها با نمایندگان شرکت نفت ادامه یافت. نمایندگان شرکت چندبار برای مشورت به لندن رفتند و بازگشتند. سرانجام «ویلیام فریزر» رئیس کل شرکت نفت برای شرکت در مذاکرات نفت به تهران آمد و با «ساعد» گفتگوهای پوشیده انجام داد. پس از تشکیل جلسه در هیأت وزیران، با حضور سفیر انگلیس و نمایندگان شرکت نفت و بحث بسیار روی طرحی که نمایندگان شرکت نفت با توجه به پیشنهادهای ایران ارائه دادند، در هیأت دولت برای نتیجه‌گیری از مذاکرات نفت به «گلشائیان» وزیر دارایی اختیار تام داده شد و تصویب‌نامه‌ای در هیأت دولت به امضاء رسید و «گلشائیان» برپایه آن تصویب‌نامه، گفتگوی مستقیم با «گس» را آغاز کرد و کوشش و دقت بسیار بجای آورد که قراردادی در حد ممکن به سود ایران تنظیم شود و سرانجام در ۲۶ تیرماه موافقت‌نامه‌ای میان او و «گس» به امضاء رسید که به قرارداد الحاقی نامبردار شد و در مطبوعات به «قرارداد گس - گلشائیان» معروف گردید. در این قرارداد، حق‌السهم و درآمد ایران افزایش یافت و شرایط دیگری به سود ایران در آن گنجانده شد که نتیجه مدت‌ها گفتگوی «ساعد» و «گلشائیان» با نمایندگان شرکت نفت بود. برای آگاهی

بیشتر اینک به متن قرارداد الحاقی نظر می‌افکنیم.

نظر به قرارداد (که در این قرارداد، قرارداد اصلی نامیده می‌شود) منعقد در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی از يك طرف و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از طرف دیگر که به موجب آن امتیازی برای تنظیم روابط بین طرفین مذکور در فوق برقرار گردیده است و نظر به اینکه متعاقب مذاکرات کاملاً دوستانه، دولت و کمپانی موافقت نموده‌اند که به ملاحظه تغییراتی که در نتیجه جنگ جهانی ۱۹۳۹-۱۹۴۵ در اوضاع اقتصادی حادث شده، مزایای مالی که طبق قرارداد اصلی به دولت تعلق می‌گیرد، بایستی به میزان و ترتیب آتی‌الذکر افزایش یابد و نظر به اینکه طرفین برای تامین این منظور موافقت نموده‌اند که قرارداد الحاقی منعقد نمایند، علی‌هذا بین دولت شاهنشاهی ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود به شرح زیر موافقت می‌شود.

۱. این قرارداد الحاقی است و جزء لاینفک قرارداد اصلی محسوب می‌شود.

۲. هر عبارتی که در این قرارداد استعمال می‌شود و در قرارداد اصلی تعریف آن به عمل آمده است، همان معنی مصطلحه در قرارداد اصلی را خواهد داشت به استثنای کلیه عبارات مستعمله در قرارداد اصلی به‌عنوان «پرس» و «پرسان» و «دولت شاهنشاهی پرس» و «کمپانی انگلیس و پرسان محدود» که از لحاظ این قرارداد منظور از عبارات مزبور به ترتیب «ایران»، «ایرانی»، «دولت شاهنشاهی ایران» و «کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود» خواهد بود. همچنین هر جا دیوان داوری دائمی بین‌المللی ذکر شده است، منظور از آن «دیوان دادگستری بین‌المللی» می‌باشد که از طرف سازمان ملل تاسیس شده است.

۳. الف: برای سال مسیحی که به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ منتهی گردیده و از آن به بعد میزان حق‌الامتیاز سالیانه که به موجب جزء

الف ماده (۱۰) قرارداد اصلی به دولت تعلق می‌گیرد، از چهار شیلینگ به شش شیلینگ برای هر تن نفتی که بر مصرف داخلی در ایران به فروش برسد و یا از ایران صادر شود، ترقی داده خواهد شد.

ب: در اجرای تغییر مقرر در بند الف ماده (۳) این قرارداد به طور عطف به ماسبق که شامل سال مسیحی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۲۸ می‌گردد و با منظور داشتن مقررات جزء ۷ الف ماده (۱۰) قرارداد اصلی کمپانی در ظرف سی روز از تاریخ اجرای این قرارداد، مبلغ سه میلیون و سیصد و شصت و چهار هزار و صد و پنجاه و نه لیره استرلینگ به دولت خواهد پرداخت.

۴. الف: برای اینکه استفاده بیشتر و مطمئن‌تر و فوری‌تر نسبت به آنچه در جزء ۱. ب و جزء ۳ الف ماده ۱۰ قرارداد اصلی پیش بینی شده، عاید دولت گردد، کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از محل وجوهی که به حساب ذخیره عمومی می‌گذارد، برای هر دوره مالی که حسابهای کمپانی برای آن دوره تنظیم می‌گردد (شروع آن از دوره مالی خواهد بود که به ۳۱ دسامبر ۱۹۲۸ ختم گردیده)، مبلغی معادل بیست درصد از رقمی را به دولت خواهد پرداخت که از افزایش مبلغ منظور به حساب ذخیره عمومی (طبق حسابهای منتشره دوره مالی مربوطه) به تناسب/موجود بین بیست شیلینگ و تفاضل بیست شیلینگ و نرخ استاندارد مالیات بردرآمد انگلستان در تاریخ مربوطه حاصل می‌گردد.

تاریخ مربوطه عبارت خواهد بود از تاریخ آخرین توزیع سود دارندگان سهام عادی بابت دوره مالی مورد بحث یا در صورتی که چنین توزیعی در میان نباشد، عبارت خواهد بود از تاریخ يك ماه بعد از تاریخ مجمع عمومی که حسابهای مورد بحث در آن مطرح شده باشد.

برای اجرای اصل معینه در بند الف فوق، مثالهایی بین طرفین این قرارداد مورد موافقت قرار گرفته و در ضمیمه این قرارداد درج گردیده است.

ب: چنانکه بابت هر دوره مالی که برای آن حسابهای کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود (از تاریخ دوره مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۲۸ به بعد) تنظیم شده جمع مبلغی که کمپانی باید طبق بند الف ماده (۲) به دولت بپردازد، احياناً از چهار میلیون لیره استرلینگ کمتر بشود، کمپانی مابه‌التفاوت جمع مبلغ مزبور (۲،۰۰۰،۰۰۰ لیره استرلینگ) را به دولت خواهد پرداخت. مع هذا مقرر است که چنانکه در طی یکی از دوره‌های مالی مذکور، کمپانی بر اثر حوادثی که خارج از اختیار او باشد، نتواند نفت از ایران صادر نماید، از میزان مبلغی که کمپانی باید بابت چنین دوره طبق مقررات سابق‌الذکر جزء (ب- فرعی) قرارداد فعلی به دولت بپردازد، باید مبلغی کسر گردد که نسبت آن با میزان مبلغ سابق‌الذکر همان نسبتی را دارا باشد که بین مدت این تعطیل و دوره مالی مذکور وجود دارد.

ج: کلیه مبالغ لازم‌التأدیه به دولت ایران بابت هر دوره مالی طبق بند الف و بند ب ماده ۲ این قرارداد در تاریخ مربوطه آن دوره مالی پرداخته خواهد شد.

۵. الف: نسبت به مبلغ چهارده میلیون لیره استرلینگ که در ترازنامه کمپانی نفت انگلیس و ایران به تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۲۷ به‌عنوان تشکیل «ذخیره عمومی» کمپانی مزبور منظور شده است، کمپانی در ظرف سی روز از تاریخ اجرای این قرارداد، مبلغ پنج میلیون و نود هزار و نهصد و نه لیره استرلینگ به دولت ایران خواهد پرداخت.

ب: مقررات جزء ۵ ماده (۱۰) قرارداد اصلی در مورد پرداختی که کمپانی باید طبق بند الف ماده (۵) فعلی به عمل آورد، قابل اجرا نمی‌باشد.

۶. وجوهی که کمپانی باید به موجب ماده ۲ و ۵ این قرارداد بپردازد، به جای مبالغ زیر پرداخته شده و قائم‌مقام آنها خواهد بود.

۱. هر پرداخت به دولت، طبق جزء (۱-ب) ماده (۱۰) قرارداد اصلی بابت هرگونه توزیع مربوط به ذخیره عمومی کمپانی.

۲. هر مبلغی که جزء (۳-الف) ماده (۱۰) قرارداد اصلی در انقضای امتیاز و یا در صورت ترك آن از طرف کمپانی طبق ماده (۲۵) قرارداد اصلی ممکن بوده، بابت «ذخیره عمومی» از طرف کمپانی به دولت لازم‌التادیه گردد.

۷. الف: برای سال مسیحی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ و سنوات بعدی، نرخ مبالغی که کمپانی باید طبق جزء (۱-ج) مندرج در ماده ۱۱ قرارداد اصلی به دولت بپردازد و مربوط به وجوه لازم‌التادیه بابت مازاد شش میلیون تن از نه پنس به يك شیلینگ ترقی داده خواهد شد.

ب: به منظور اجرای تغییری که در بند الف ماده ۷ این قرارداد تصریح شده، به‌طور عطف به ماسبق که شامل سال مسیحی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ می‌گردد و با رعایت مقررات بند ۵ ماده (۱۰) قرارداد اصلی کمپانی در ظرف سی روز از تاریخ اجرای این قرارداد، مبلغ سیصد و دولزده هزار و نهصد لیره استرلینگ به دولت خواهد پرداخت.

۸. الف: در آخر بند الف ماده ۱۹ قرارداد اصلی، عبارت زیر اضافه خواهد شد. هرگاه موقعی یکی از طرفین تصور نماید که قیمت‌های رومانی یا قیمت‌های خلیج مکزیک دیگر مبنای مناسبی برای تعیین «قیمت‌های اساسی» نمی‌باشد، قیمت‌های اساسی با توافق طرفین و در صورت عدم توافق طبق ماده (۲۲) از طریق حکمیت تعیین خواهد شد. قیمت‌های اساسی که به این نحو تعیین می‌گردد، به‌وسیله موافقتی که با تبادل‌نامه بین دولت (که صلاحیت لازم برای موافقت مزبور دارد) و کمپانی به عمل خواهد آمد، برای طرفین لازم‌الرعايه خواهد بود.

ب: از تاریخ اول ژولن ۱۹۲۹ بهایی که کمپانی بنزین و نفت و مازوت محصول نفت ایران را به مصرف‌کنندگان غیر از دولت

برای مصرف داخلی ایران خواهد فروخت، عبارت خواهد بود از قیمت‌های اساسی با کسر بیست و پنج درصد (۲۵ درصد) به جای کسر ده درصد (۱۰ درصد) که در بند ب ماده ۱۹ قرارداد اصلی پیش بینی شده است.

۹. در مقابل پرداخت مبالغ مزبور از طرف کمپانی، دولت و کمپانی موافقت می‌نمایند که کلیه تعهداتی که یکی از آنها تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ نسبت به دیگری در مورد بند ۱ الف و بند ۱ ب ماده (۱۰) و نسبت به ماده (۱۱) قرارداد اصلی و همچنین آنچه مربوط به ذخیره عمومی می‌باشد کاملاً انجام یافته است.

۱۰. با رعایت مقررات این قرارداد، مقررات قرارداد اصلی در کمال قوت و اعتبار خود باقی خواهد ماند.

۱۱. این قرارداد بعد از تصویب مجلس شورای ملی و از تاریخ صحنه ملوکانه، به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. دولت متعهد می‌شود که این قرارداد را هرچه زودتر ممکن شود برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم دارد.

تهران- به تاریخ ۱۷ ژولیه ۱۹۲۹ (۲۶ تیرماه ۱۳۲۸)

از طرف دولت شاهنشاهی ایران- «گلشائیان»

از طرف کمپانی نفت ایران و انگلیس محدود- «گس»^{۵۹}

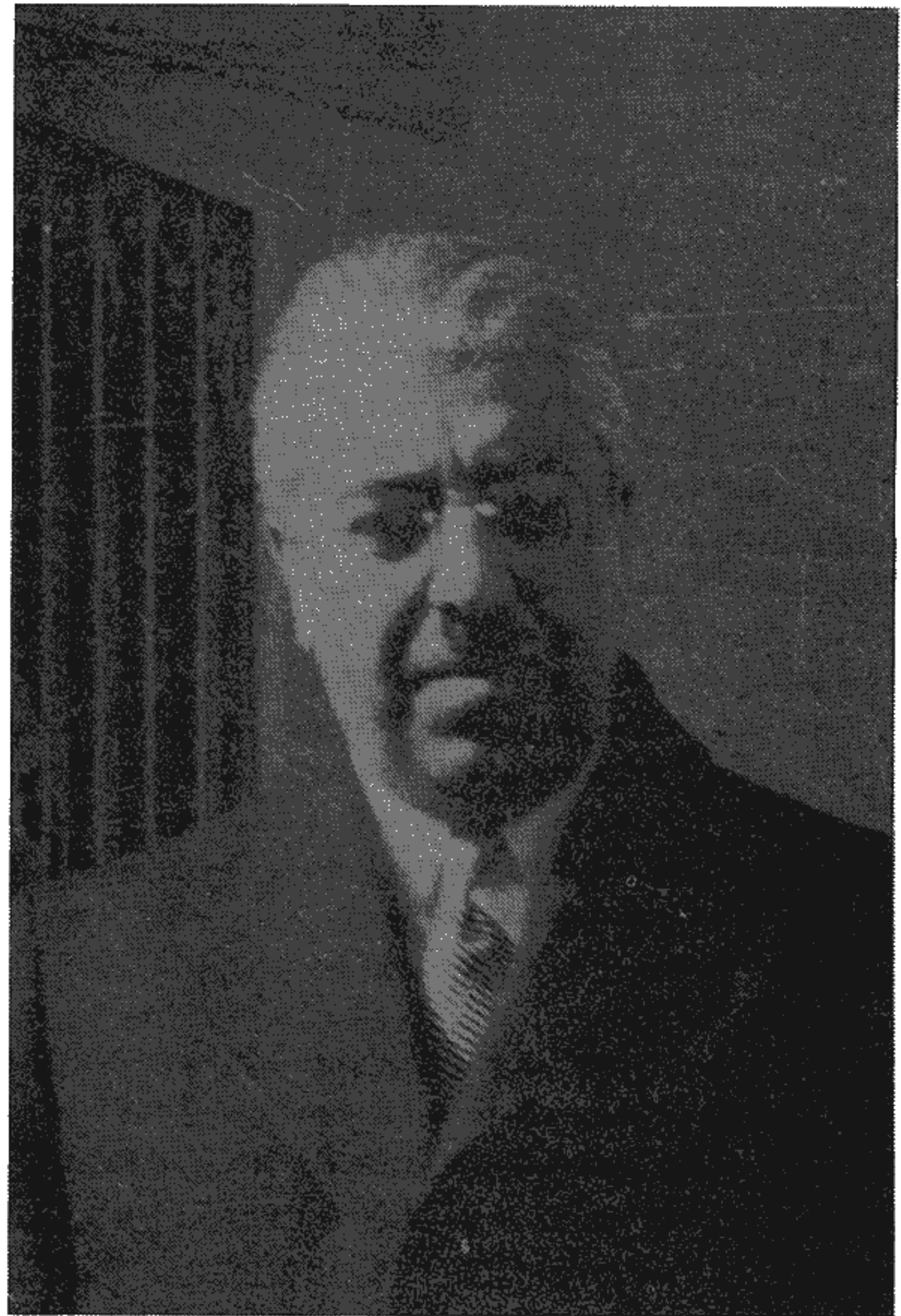
این قرارداد الحاقی طی یک نامه رسمی به شماره ۲۵۵۴۳ مورخ ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸ نخست‌وزیری با امضای «ساعد» نخست‌وزیر و «گلشائیان» وزیر دارایی، فردای آن روز پیوست متن این ماده واحده (مجلس شورای ملی قرارداد الحاقی را که مشتمل بر یازده ماده است و جزو قانون اعطاء امتیاز نفت به شرکت نفت ایران و انگلیس محدود می‌باشد، تصویب و به دولت اجازه مبادله آن را می‌دهد) به وسیله

گلشائیان به مجلس تقدیم شد و گلشائیان در مجلس درباره قرارداد الحاقی و مشکلات تنظیم و نتایج اقتصادی آن و سختگیری نمایندگان شرکت نفت سخن گفت و افزود که مجلس می‌تواند تغییر و تبدیلی را که صلاح بداند، در مواد موافقت‌نامه بدهد. ۶۰ از عمر مجلس پانزدهم بیش از ده روز باقی نمانده بود، «ساعد» و «گلشائیان» هم می‌دانستند که این قرارداد بایستی به کمیسیونهای ویژه برود و سپس در مجلس طرح گردد و در این فرصت کوتاه ممکن نمی‌شد، ولی آن دو برای آنکه نمایندگان شرکت را به قاطعیت اقدامات خود مطمئن سازند، قرارداد و طرح ماده واحده را به مجلس دادند و در دو کمیسیون هم تصویب شد، ولی شماری از نمایندگان با این طرح به مخالفت برخاستند. ۶۱ «مکی» شش جلسه از اوقات آخرین روزهای مجلس پانزدهم را با سخنان خود (که از روی کاغذ می‌خواند) گرفت ۶۲ و لیدرهای مجلس چون امیرتیمور کلالی، امیرحسین ایلخان، حسن نبوی و سردار فاخر رئیس مجلس و بسیاری دیگر از نمایندگان، این فرصت را به «مکی» دادند. در این سخنان، نه رد قرارداد خواسته شد، نه ملی شدن نفت، بلکه در مواد قرارداد از نظر فنی و اقتصادی انتقاد می‌شد. این نماینده، نامه دکتر مصدق را که در این خصوص به مجلس نوشته بود، در پشت تریبون مجلس خواند و جالب است که دکتر مصدق هم در نامه خود نه ملی کردن نفت را خواسته بود و نه رد قرارداد الحاقی را، بلکه از مجلس

۶۰. صورتجلسه مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۷ تیرماه ۱۳۲۸.

۶۱. حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد، دکتر مظفر بقایی و حسین مکی.

۶۲. مکتب سخنرانیهای این نماینده را درباره نفت، مهندسی کاظم حسینی کارشناس نفت و عضو حزب ایران تهیه می‌کرد. گلشائیان در مجلس به او گفت: چندتا بچهمهندس اینها را نوشته، به دست شما داده‌اند.



عباسقلی گلشائیان

خواسته بود در ماده واحده راجع به لیره، طلا و برابری آن با اسکناس توضیحی صریح بیافزاید. اینک متن نامه دکتر مصدق:

آقایان نمایندگان دوره پانزدهم، شما که به استناد قانون اینجانب! قرارداد «قوام- سادچیکف» را رد کردید، حق این بود در موقع شور قرارداد «ساعد- گس» مرا به عنوان يك عضو مشاور در کمیسیونها دعوت می کردید تا نظریات خود را اظهار و ثابت کنم. ضرر قرارداد داری «از نظر مدت» برای این ملت هزار درجه کمتر است، اما این کار را نتوانستید بکنید. گله هم ندارم. در صورتی که باید این قرارداد بگذرد، اگر می توانید در ماده واحده توضیح دهید که شش شیلینگ حق الامتیاز لیره طلا است که به نرخ روز لیره کاغذی پرداخته می شود (یا کلاه کاغذی است). چون از مضمون نامه «آقای هژیر» وزیر دارایی وقت و وزیر دربار فعلی به کمپانی که جزو اسرار دارایی است، اطلاع ندارم از فعل و انفعالی هم که تا ۱۹۳۶ بین وزارت مالیه و کمپانی شده، قرارداد الحاقی در این باب سکوت کرده است. بدا به حال شما اگر از درج این توضیح خودداری کنید.

دکتر محمد مصدق^{۶۳}

دلیل دیگر بر موافقت دکتر مصدق با قرارداد الحاقی، یکی از اسناد خانه سدان است که حکایت دارد دکتر مصدق پیش از نخست وزیری «رزم آرا» در دیدار با «مصطفی فاتح» رئیس شرکت نفت در تهران، گفته بود: لایحه الحاقی با قدری جرح و تعدیل می تواند به تصویب



رضا حکمت (سردار فاخر)

۶۳. نفت و نطق مکی، انتشارات امیرکبیر، صفحه ۵۳۴. چه کسی منحرف شد؟، دکتر

بقایی، صفحه ۲۴۹.

برسد.^{۶۴}

دوره پانزدهم مجلس در ششم مرداد ۱۳۲۸ پایان پذیرفت و قرارداد الحاقی در مجلس ماند. پس از شش ماه و نیم که مجلس شانزدهم گشوده شد (۲۰ بهمن ۱۳۲۸)، با رسمیت یافتن مجلس «ساعد» دولت جدید خود را روز نهم اسفند به مجلس معرفی کرد، ولی پیش از آنکه رأی اعتماد بگیرد، برخلاف روش و نظامنامه مجلس، تریبون پارلمان در اختیار نمایندگان جبهه ملی قرار گرفت. اینان با دعوی «وطن خواهی انحصاری!» و با شعار میهن دوستی و خدمت به مردم! هرچه خواستند گفتند و هر نماینده و هر کس را که درباره نفت عقیده‌ای جز عقیده آنان داشت، بی پروا مورد فحش و تهمت قرار دادند و به جاسوسی و خیانت متهم کردند. بازتاب آن ناسزاگوییها و تهمتها در مطبوعات (به ویژه مطبوعات وابسته)، یک فضای ترور عقیده در مجلس پدید آورد. چنانکه کمتر نماینده‌ای جرأت می کرد سخنی مخالف عقیده آنان بر زبان راند، گویا بسیاری از نمایندگان در پس پرده با سیاست نفتی جدید کنار آمده بودند. با ایجاد چنین فضایی، اعلام جرمها و استیضاحهای پیاپی در مجلس بر علیه دولت مطرح می شد و نمایندگان که هدف خاصی را دنبال می کردند، به عنوان غمخوار و دلسوز مردم، مانع هر اقدام اساسی دولت شدند. «ساعد» که از ریشه این مخالف خوانیها آگاه بود و می دانست سیاست نفت در ایران در چه راهی پیش می رود، تاب ایستادگی در خود ندید و بی آنکه به استیضاحها که به گفته او «بهانه جویی» بود، پاسخ گوید، روز ۲۷ اسفند از نخست وزیر استعفا داد و «علی منصور» (منصورالملک) از سوی شاه به نخست وزیر

۶۴. اسناد خانه سدان، گردآوری اسماعیل رائین، چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صفحه

برگزیده شد و روز چهارم فروردین وزیران خود را به «شاه» و سپس به مجلس معرفی کرد. در مجلس لایحه قرارداد الحاقی نفت مطرح بود. «منصور» تقاضای طرح آن را نمود، ولی خود روش محتاطانه پیش گرفت و در پاسخ «دکتر مصدق» که از او پرسید: «شما موافق قرارداد هستید یا مخالف؟» گفت: «دولت قبلی لایحه‌ای به مجلس داده و اینک مجلس باید درباره آن تصمیم بگیرد. دولت مجری مصوبات مجلس است. آقایان نمایندگان مطالعه کنند، اگر به مصلحت کشور است، تصویب کنند و اگر نیست رد کنند و در هر حال مجلس باید تکلیف لایحه را تعیین نماید و شرکت نفت تا تعیین تکلیف لایحه، دیناری نمی دهد.

سرانجام روز سیام خرداد براساس یک موضعه و به پیشنهاد چند نماینده، مجلس تصمیم گرفت قرارداد الحاقی را پیش از طرح در جلسه علنی برای رسیدگی به یک کمیسیون مخصوص ارجاع کند. نمایندگان جبهه ملی (مصدق، بقایی، شایگان، صالح، نریمان، قشقایی و مکی) در ارجاع کار نفت به کمیسیون رأی مخالف دادند، ولی در همان روز به عضویت کمیسیون نفت انتخاب شدند. در همان روز، ۱۸ نماینده که هیچ یک تخصص و بلکه اطلاعی از کار نفت و اقتصاد نفت نداشتند، برگزیده شدند تا قرارداد الحاقی را مطالعه و در یک ماه نظریه خود را درباره قرارداد به مجلس بدهند^{۶۵} و بدین ترتیب کمیسیون نفت به وجود آمد و از پنجم تیرماه کار خود را آغاز کرد و سرنوشت قرارداد نفت را

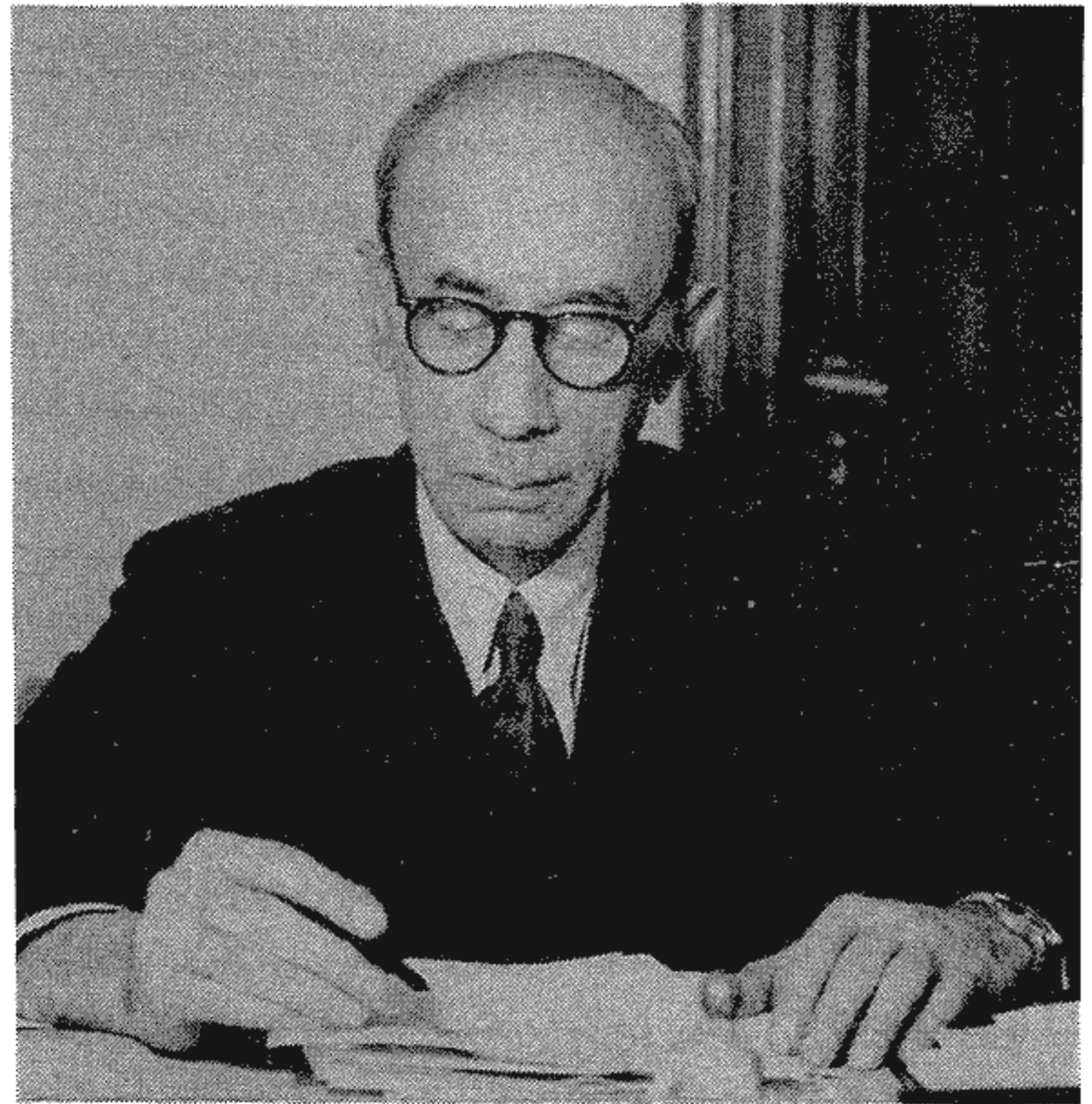
۶۵. اعضای کمیسیون نفت: دکتر مصدق، جمال امامی، سیدعلی شایگان، اللهیار صالح، جواد گنجه‌ای، هدایت‌الله پالیزی، ناصر ذوالفقاری، جواد عامری، علی اصغر سرتیپزاده، عبدالرحمن فرامرزی، دکتر حسن علوی، میرسیدعلی بهبهانی، خسرو قشقایی، دکتر نصرت‌الله کاسمی، سیدابوالحسن حائریزاده، محمدعلی هدایتی، حسین مکی و ققیزاده.

در دست گرفت. این کمیسیون زیر نفوذ دکتر مصدق (که به ریاست کمیسیون انتخاب شد) و چند نماینده جبهه ملی مانع هرگونه اقدام دولت برای اصلاح کار نفت شد.

«منصور» بر آن بود که برای رفع بحرانهای سیاسی و اقتصادی راه چاره‌ای بجوید، ولی شدت بحران او را درمانده کرد. شرکت نفت هم از پرداخت حق امتیاز ایران به مناسبت بلاتکلیف ماندن قرارداد الحاقی خودداری می‌نمود. آمریکا هم اعلام کرد که نمی‌تواند کمک اقتصادی در اختیار دولت منصور بگذارد.^{۶۶} اعلام این تصمیم شاید با کنفرانس وزیران خارجه آمریکا و فرانسه و انگلیس که همان روزها در لندن برگزار شد، بی‌ارتباط نبود. «منصور» که مردی باتجربه و تیزهوش بود و توطئه نفت را هم که بر سیاست‌پیشگان پوشیده نبود، احساس می‌کرد، روز چهارم تیرماه ۱۳۲۹ استعفا داد و یک روز پس از استعفا فرمان سفارت ایران در ایتالیا را گرفت و روانه رم شد و شایع بود که به توصیه «شاه» استعفا داده‌است.

رزم آرا و اوج بحران نفت

پس از استعفای «منصور»، «سپهبد حاج علی رزم آرا» یکی از امیران ارتش (و رئیس ستاد) به نخست‌وزیری منصوب شد و روز ششم تیرماه در میان تظاهرات سازمان یافته موافقان و مخالفان به مجلس آمد و در میان تهدیدهای «دکتر مصدق» و فحشهای «بقایی» و «مکی» و جنجال و کوبیدن تخته‌صندلیها و فریادها و ناسزاگوییها، دولت خود را معرفی کرد. دکتر مصدق اعلامیه جبهه ملی را در مخالفت قاطع با حکومت



علی منصور (منصورالملک)

www.adabestanekave.com

۶۶. جنگ قدرتها در ایران، نوشته باری روبین، ترجمه محمود مشرقی، صفحه ۵۵.



سپهد حاجیعلی رزم آرا

رزم آرا در پشت تریبون مجلس خواند و حکومت او را «شبه کودتا» نامید و گفت: مطامع بیگانگان برای پایمال کردن حقوق سیاسی و محو قانون اساسی از آستین عوامل خدمتگزار و صدیق خود بیرون آمده است و جبهه ملی به هیچ وجه زیر بار تحمل حکومتی که با تشبث به اجانب روی کار آمده است، نخواهد رفت.^{۶۷} سپس چند نماینده جبهه ملی سخنانی از همین گونه گفتند. «رزم آرا» به آنان با ملایمت پاسخ داد و سرانجام روز سیزدهم تیرماه با اکثریت ۹۵ نفر از ۱۰۶ نفر رأی اعتماد گرفت و در ۱۹ تیرماه نیز رأی اعتماد مجلس سنا را به دست آورد.

اعضای جبهه ملی پیش از زمامداری «رزم آرا» با برنامه تنظیم شده به مخالفت با او برخاسته بودند، چنانکه بسیاری از مطالب استیضاح «بقای» از دولت «ساعد» در جلسه ۲۳ فروردین تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ انتقادهایی از «رزم آرا» رئیس ستاد وقت بود.^{۶۸} تشکیل کمیسیون نفت و ارجاع کار نفت به آن کمیسیون روی نقشه حساب شده و برای آن بود که مانع هرگونه کوشش دولت برای حل این مشکل سیاسی و اقتصادی شوند.

«دکتر مصدق» هم روز ۲۳ خرداد ۱۳۲۹ در مجلس گفت: «سپهد رزم آرا» وسایلی فراهم می کند که نخست وزیر شود... من با صدای بلند به گوش ملت ایران و به سمع تمام جهانیان می رسانم که ما نمایندگان جبهه ملی تا روح در بدن داریم، با تشکیل چنین دولتی مخالفت می کنیم و به هیچ وجه دولتی را که ایشان در رأس آن باشد، قبول نمی کنیم.^{۶۹}

۶۷. صورت جلسه ۶ تیرماه ۱۳۲۹، مجلس شورای ملی.

۶۸. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۳ فروردین تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸.

۶۹. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۳ خرداد ۱۳۲۹.

«رزم آرا»، در روزهای آغاز کار در خانه «الله یار صالح»، یک دیدار چندساعته با «مصدق» داشت، ولی نتوانست موافقت او را جلب کند.^{۷۰} زیرا علاوه بر اختلاف عقیده سیاسی، «مصدق» خود در اندیشه زمامداری بود. چنانکه در همان روزها در پاسخ به پرسشهای مدیر مؤسسه «آسوشیتد پرس» آمریکا هدف و سیاست جبهه ملی را برای زمامداری اعلام کرد و با چنین اندیشه‌ای تثبیت رزم آرا، نظامی قدرتمند او را از این هدف دور می‌داشت.

نخستین لایحه‌ای که رزم آرا به مجلس داد، لایحه تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی (استان و شهرستان) در ۲۲ تیرماه بود. تأسیس این انجمنها به منظور خودمختاری استانها و شهرستانها در برخی از امور داخلی بود که در قانون اساسی پیش بینی شده، ولی موقوف‌الاجراء مانده بود. هدف رزم آرا از اجرای این اصل فراموش شده قانون اساسی، جلوگیری از تمرکز کارها در تهران و دادن اختیاراتی به انجمنها برای اداره امور خودشان بود و در صورت تصویب، گونه‌ای از سیستم «فدرال» بود که در بسیاری از کشورهای اروپا جاری است و این روش برای پیشرفت امور استانها و شهرستانها سودمند واقع می‌شد. ولی «مصدق» در همان جلسه مخالفت کرد و با فریاد گفت: این طرح تجزیه ایران است.^{۷۱}

این اندیشه و اجرای این طرح به‌عنوان یک گام مهم در اصلاحات اجتماعی در دی‌ماه ۱۳۲۵ از سوی «علاء» سفیر ایران در واشنگتن به «قوام‌السلطنه» نیز پیشنهاد شده بود.^{۷۲} در هر حال لایحه تشکیل

۷۰. مجله خواندنیها، شماره سوم، مهرماه ۱۳۴۲.

۷۱. صورت جلسه ۲۲ تیرماه ۱۳۲۹، مجلس شورای ملی.

۷۲. نامه علاء در صفحات پیشین این کتاب.

انجمنهای استان و شهرستان، به بایگانی مجلس سپرده شد و چون «شاه» هم با لایحه اختیارات استانها موافق نبود، رزم آرا موضوع را مسکوت گذاشت.

«رزم آرا» گرایشی به سوی چپ نشان می‌داد. کوشایی حزب توده را نادیده می‌گرفت. ده تن از سران آن حزب که پس از رویداد ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ دانشگاه (تیراندازی به سوی شاه) در زندان بودند با موافقت پنهانی «رزم آرا» و با طراحی زیرکانه از زندان گریخته، به شوروی و آلمان شرقی رفتند.

«رزم آرا» در سیزدهم آبان یک قرارداد بازرگانی و مرزی با «سادچیکف» سفیر شوروی امضاء کرد^{۷۳} و گفتگوهای درباره مطالبات ایران از شوروی (بابت هزینه ریالی ارتش شوروی در سالهای اشغال ایران و هزینه استهلاک و کرایه راه آهن تهران - شمال در همان سالها) آغاز نمود. مصدق درباره این قرارداد در جلسه ۳۰ شهریور اعتراض کرد و رزم آرا پاسخ داد و گفت: امتیازی به کسی نداده‌ایم و اعتراض بی‌مورد است.^{۷۴}

«رزم آرا» در برابر نزدیکی با شوروی، از ادامه کار «صدای آمریکا» که از چندسال پیش برنامه مرتب از رادیوایران پخش می‌کرد، جلوگیری و از گرفتن کمکهای آمریکا خودداری نمود و برای رفت و آمد مأمورین آمریکایی محدودیتهایی مقرر داشت و به خدمت چند مستشار آمریکایی

۷۳. این قرارداد در کاخ اییض و با حضور فروهر (وزیر دارایی) و دکتر دفتری (وزیر اقتصاد)، محمود هدایت (معاون) و غضنفری رئیس دفتر نخست‌وزیر و کارمندان ارشد سفارت شوروی و دو مترجم امضاء شده. سادچیکف و رزم آرا به زبان فرانسه نیز با یکدیگر گفتگو می‌کردند.

۷۴. صورت جلسه ۳۰ شهریورماه ۱۳۲۹، مجلس شورای ملی.

در سازمان برنامه پایان داد که یکی از آنان «تورنبرگ» رئیس هیأت مستشاران ماوراءبحار و مستشار نفتی ایران بود که فکر لغو امتیاز نفت جنوب و ملی شدن نفت را ارائه داد و در کار نفت شیخ نشینهای خلیج فارس نقش اساسی داشت.^{۷۵}

«رزم آرا» می خواست با نزدیک شدن با شوروی و حل اختلاف ایران و انگلیس و تأمین منافع ایران، کار نفت را سامان دهد و سپس به اصلاحات داخلی دست یازد.

در همین حال، سفیر آمریکا (هنری گریدی) که با تعلیمات خاص از آمریکا آمده و با نمایندگان جبهه ملی ارتباط دوستانه داشت،^{۷۶} به تحریکات بر ضد «رزم آرا» می پرداخت و همین «گریدی» یکی از نخستین کسانی بود که فکر ملی شدن نفت را در ایران عنوان کرد. او خود که همزمان با آغاز زمامداری «رزم آرا» به تهران آمد، گفته است: وقتی من به ایران رفتم، هنوز اندیشه ملی شدن نفت مطرح نبود.^{۷۷}

«گریدی» راست گفته است، این فکر را «گریدی» و «تورنبرگ» آمریکایی رئیس هیأت مستشاران ماوراء بحار در سازمان برنامه و «دوهر» دبیر شرقی سفارت آمریکا (از کارکنان برجسته سازمان سیا) که زبان فارسی را هم خوب می دانست، مطرح ساختند و هدف آنها باز شدن راه بهره برداری کارتلهای نفتی آمریکا از نفت جنوب ایران بود. تورنبرگ با بیشتر سیاست‌پیشگان ایران ارتباط داشت و گاهی هم «دوهر» دبیر سفارت آمریکا همراه او بود. «تورنبرگ» چندبار با «رزم آرا» دیدار



هنری گریدی (سفیر آمریکا)

۷۵. نوشته مورخ الدوله سپهر، مجله خواندنیها، شماره سوم مهرماه ۱۳۴۱.

۷۶. مجله خواندنیها، سال پانزدهم، شماره ۵۷.

۷۷. جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، تألیف سرهنگ غلامرضا نجاتی، صفحه ۱۷۲.

حاجی واشنگتن، تألیف اسکندر دلدن، صفحه ۲۴۰.

داشت و طرح ملی شدن نفت را به او پیشنهاد کرد، ولی رزم آرا نپذیرفت، چون اجرای چنین طرحی را نه عملی می‌دانست و نه به مصلحت ایران تشخیص می‌داد^{۷۸} و می‌خواست کار نفت را با خود انگلیس تمام کند.

«تورنبرگ» پیش از ترک ایران این فکر را مستقیم و غیرمستقیم با نمایندگان جبهه ملی در میان نهاد و به وسیله «دوهر» این فکر را پی گرفت. «گریدی» هم این فکر را در دیدار گاه‌به‌گاه با سران جبهه ملی تقویت می‌کرد.^{۷۹} «لانگریک» عضو شرکت نفت انگلیس و ایران در لندن که تاریخ رسمی صنعت نفت انگلیس و نفت خاورمیانه را نوشته، در ماجرای ملی شدن نفت به نقش دیپلماتها و مشاوران آمریکایی اشاره کرده، نوشته است: آمریکاییها وضعیت شرکت نفت را در ایران نوعی استثمار قلمداد کرده و مقامات ایرانی را به پشتیبانی آمریکا امیدوار نمودند.^{۸۰} از این صریح‌تر بعداً خود دکتر مصدق در مصاحبه با خبرنگاران آمریکایی (۲۷ اسفند ۱۳۳۰) به نقش آمریکا در ملی شدن نفت اعتراف کرده، گفت: ما از ملت آمریکا و مساعدتهای معنوی آمریکا که در پیشرفت ایرانیان به سوی این هدف مقدس و در این مبارزه ملی بسیار ذیقیمت و گرانبها بوده‌است، بسیار متشکریم.^{۸۱}

۷۸. سخنان مورخ الدوله سپهر که رزم آرا در بیشتر کارها با او مشورت می‌کرد و نیز اظهارات سرلشکر ولی انصاری همکار رزم آرا.

۷۹. قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، چاپ تیرماه ۱۳۳۶. مقاله مورخ الدوله سپهر، مجله خواندنیها، سال بیست و سوم، شماره ۲، پنجاه سال نفت ایران - صفحه ۵۰۴ تا ۵۰۷.

۸۰. نفت، سیاست کودتا در خاورمیانه، نوشته لئونارد ماسلی، ترجمه رفیعی مهرآبادی، جلد ۱، صفحه ۳۱۴.

۸۱. ده گزارش از مصدق.

دیدیم که قرارداد الحاقی (قرارداد گس - گلشائیان) به کمیسیون نفت رفت و دکتر مصدق به ریاست کمیسیون برگزیده شد و کار نفت را در اختیار گرفت. او که با ایرادهای گوناگون رسیدگی به کار قرارداد الحاقی را به تأخیر می‌انداخت، در تاریخ ۱۳۲۹/۶/۲۷ طی نامه شماره ۲۹۱ (با عنوان رئیس کمیسیون نفت) از نخست‌وزیر خواست ظرف ده روز تمام پرونده‌های نفت را همراه با اظهارنظر صریح درباره قرارداد به مجلس بفرستد. «رزم آرا» در دوم مهرماه پرونده‌های نفت را به کمیسیون نفت فرستاد و نمایندگان دولت را برای حضور در جلسه‌های کمیسیون معرفی کرد^{۸۲} و درباره نظر دولت نوشت: دولت منتظر نتیجه بررسی کمیسیون می‌باشد.^{۸۳}

نمایندگان جبهه ملی به‌عنوان تأخیر در ارسال پرونده‌ها و تأخیر کار لوله‌کشی آب تهران! دولت را استیضاح کردند. استیضاح روز بیستم مهر در جلسه علنی مجلس مطرح شد. دکتر مصدق، صالح، حائری‌زاده و مکی از قرارداد ۱۳۱۲ و لوله‌کشی آب تهران، کمبود بهداشت، نان و گوشت و... هرچه خواستند در دو جلسه گفتند و «رزم آرا» به آنان پاسخ داد. این استیضاح چندان بی‌پایه بود که مجلس با آن وکلای مرعوب به آن رأی سکوت داد. «مصدق» روز ۲۷ مهر گفت: «رزم آرا» را برای اجرای قرارداد «گس - گلشائیان» آورده‌اند: امیدوارم نمایندگان محترم به سینه این نامحرم دست رد بزنند و با شعار «مرگ بر آن کسانی که به جای خدمت، خیانت به وطن را پیشه خود قرار دهند»، به سخنان تهدیدآمیز خود پایان داد. راستی آن چه جوی بود که در آن

۸۲. دکتر حسین پیرنیا معاون وزارت دارایی، منوچهر فرمانفرمایان رئیس اداره امتیازات در وزارت دارایی.

۸۳. نخست‌وزیران، صفحه ۲۳۴.